

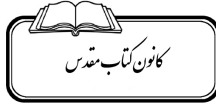
موعظه تشریحی

چگونه
کلام خدا را
بیان کنیم

دیوید حلم

محمد ثانوی





موعظه تشریحی

David Helm

دیوید حلم

محمد ثانوی

شابک ۹۷۸-۱-۹۴۱۱۹-۹۲-۷

© 2019, 9Marks
www.9marks.org
www.btcpersians.com
www.kanoneketab.com

Expositional Preaching: How We Speak God's Word Today

Copyright © 2014 by The Charles Simeon Trust

Published by Crossway

1300 Crescent Street

Wheaton, Illinois 60187

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted in any form by any means, electronic, mechanical, photocopy, recording, or otherwise, without the prior permission of the publisher, except as provided for by USA copyright law.

Cover design: Dual Identity, inc.

Cover image: Wayne Brezinka for brezinkadesign.com First printing 2014

Printed in the United States of America

Hardcover ISBN: 978-1-4335-4313-5 ePub ISBN: 978-1-4335-4316-6

PDF ISBN: 978-1-4335-4314-2 Mobipocket ISBN: 978-1-4335-4315-9

Library of Congress Cataloging-in-Publication Data

Helm, David R., 1961–

Expositional preaching : how we speak God's word

today / David Helm.

pages cm.—(9Marks: building healthy churches)

Includes bibliographical references and index. ISBN 978-1-4335-4313-5 (hc)

1. Expository preaching. I. Title.

Farsi ISBN: 978-1-945119-92-7

© 2019 www.kanoneketab.com \ www.btcpersians.com

Farsi Editor: Mohammad Sanavi



www.kanoneketab.com



کانون کتاب <https://t.me/Kanonketab>



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



عنوان: موعظه تشریحی

نویسنده: دیوید حلم

مترجم: محمد ثانی

تعداد صفحات: ۱۱۸

شابک ۹۷۸-۱-۹۴۵۱۱۹-۹۲-۷

ناشر: کانون کتاب مقدس

چاپ اول ۲۰۱۹

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای موسسه کانون کتاب مقدس محفوظ است. هرگونه نسخه برداری الکترونیک، صوتی، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه کانون کتاب مقدس مطابق قانون حق مؤلف و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است.

خوانندگان گرامی

امروزه ضرورت مطالعه اصولی و درک صحیح کتاب مقدس برای همه مسیحیان کاملاً مشهود است و هدف ما از ترجمه، گردآوری و تدریس این مجموعه کتب تعلیمی این بوده که به نوعی ابزارهای لازم برای این مهم را در اختیار معلمین کتاب مقدس قرار داده و آنها را مجهز نماییم تا علاوه بر تعلیم صحیح کتاب مقدس و شاگردسازی، قادر باشند تعالیم غلط و دروغین را نیز تمیز دهند.

امیدواریم و دعای ما این است که با درک صحیح و عمیق تر از کتاب مقدس، ثمرات نیکوی کلام خدا در زندگی شما و ما با کمک روح القدس به فراوانی دیده شود. در انتها از همه کسانی که با وفاداری برای تهیه این مجموعه ما را در این مدت یاری کرده‌اند تشکر می‌کنیم. همچنین از برادر کن تمپل برای مشاوره الهیاتی سپاس گزاریم.

برای تهیه دیگر کتب آموزشی لطفاً با ما به آدرس btcpersians@gmail.com تماس حاصل نمایید و یا از سایت ما به آدرس www.kanoneketab.com برای دریافت دیگر منابع دیدن فرمایید. قبلاً از لطف شما سپاسگزاریم.

محمد ثانوی

مدیر اجرایی کانون کتاب مقدس

هدف کانون کتاب مقدس:

آماده سازی و تجهیز مردان و زنانی است
که توسط کلیسای محلی به عنوان
خدمت گذاران با صلاحیت تشخیص داده
شده اند تا خدمت آموزش و
شاگردسازی بدن مسیح را با انجام رسانند.

فهرست

۹	هدف و مزایای موعظه تشریحی	پیشگفتار
۱۵	استخوان‌های پوسیده	مقدمه
۱۹	«بیان امروزی»	فصل ۱
۴۱	تفسیر و تشریح	فصل ۲
۶۱	تأمل الهیاتی	فصل ۳
۸۵	زمان حاضر	فصل ۴
۱۰۹	استخوان‌های خشک	خاتمه
۱۱۱	پرسش‌های واعظین	ضمیمه
۱۱۵		سیاسگزاری‌ها

پیش‌گفتار مجموعه

آیا باور دارید که مسئولیت شما یاری کردن در جهت بنای کلیسای تندرست است؟ اگر شما مسیحی هستید، ما بر این باوریم که این مسئولیت بر دوش شماست.

عیسی به شما فرمان داده که بروید و شاگرد بسازید (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). رساله به یهودا می‌فرماید که شما باید در ایمان پیشرفت کنید (یهودا ۲۰-۲۱). پطرس رسول می‌فرماید که عطایای خود را در راه خدمت به دیگران استفاده نمایید (۱ پطرس ۴: ۱۰). پولس رسول می‌فرماید که حقیقت را در قالب محبت بازگو کرده، به این ترتیب کلیسای شما در بلوغ رشد نماید (افسیان ۴: ۱۳، ۱۵). متوجه هستید که با این صحبت‌ها به کجا می‌رویم؟

چه شما عضو کلیسا یا یکی از مشایخ کلیسا باشید، هدف مجموعه کتاب‌های «کلیسای تندرست»، یاری رساندن به شما در جهت تکمیل فرمان کتاب مقدس و نقش شما در بنای کلیسای تندرست می‌باشد. امید ما بر این است که این سری کتاب‌ها شما را کمک نموده تا محبتان به کلیسا همچون محبت عیسی به کلیسا، رشد کند.

برنامه مؤسسه «۹ علامت»، تولید کتابچه‌هایی برای هر بخش از این «۹ علامت کلیسای تندرست»، و به علاوه موضوع «الهیات صحیح» می‌باشد. به دنبال تهیه کتاب‌های «موعظه تشریحی»، «الهیات کتاب مقدسی»، «انجیل»، «تبدیل جانها»، «بشارت دادن»، «عضویت کلیسا»، «تأدیب و تنبیه کلیسایی»، «شاگرد سازی و رشد» و «مشایخ کلیسا» باشید.

موجودیت کلیسا برای نمایش جلال خدا به ملت‌هاست. ما این کار را با چشم دوختن به انجیل عیسی مسیح، اطمینان به نجات او، و سپس با

قدوسیت خداوند و در اتحاد باهم و محبت کردن به یکدیگر، انجام
می‌دهیم.

با امید،
ماركِ دَوْرٍ و جاناتان لی من
ویراستاران ارشد

پیشگفتار

هدف و مزایای موعظه تشریحی

میگوئل نونز^۱

در دهه گذشته مطالب بسیاری درباره موعظه‌های تشریحی نوشته شده است. موعظه تشریحی ایده‌ای جدید و یا حتی یک اصطلاح جدید یا حقیقتی که به تازگی کشف شده باشد، نیست. مسیح در لوقا ۲۴: ۱۷-۴۷ موعظه‌ای از نوع تشریحی انجام داد و پولس نیز در اعمال ۱۷: ۲۲-۳۱ (من به این دو متن اشاره می‌کنم زیرا دیوید در فصل سوم، تحت عنوان بازتاب الهیات، به آنها اشاره می‌کند). بسیاری از واعظین بزرگ گذشته قدرت موعظه‌های تشریحی را تشخیص داده بودند.

اگر چنین است، چرا در زمان حاضر تأکید بسیاری بر این نوع سبک موعظه‌ها وجود داشته است؟ می‌توان برای این سوال چند پاسخ متفاوت داد. اما به طور خلاصه، یکی از بیماری‌های کلیساها در زمان گذشته و حال را می‌توان در عدم تعلیم تشریحی واعظین و معلمین ردیابی کرد.

هدف موعظه تشریحی

هدف از موعظه‌های تشریحی همانطور که در این کتاب بیان می‌کنیم، این است که قصد نویسنده را در متن کتاب مقدس متوجه شده و آن را برای نسل فعلی توضیح دهیم تا بتوانند آن را درک کرده و در زندگی بکار ببندند. با این امید که همشکل

۱. Miguel Núñez

عیسی شوند. این روش در ظاهر آسان است، اما در عین حال چندان آسان نیست: بخوانید، تشریح کنید، متن را بکاربرید. عزرای کاتب که در زمان نحمیا زندگی می کرد، چنین روش و طرحی را پیش می گرفتند، که می تواند نمونه خوبی برای ما باشد. «آنان از کتاب، یعنی از تورات خدا، می خواندند و آن را تشریح می کردند و مفهومش را بیان می کردند تا مردم آنچه را قرائت شده بود را دریابند» (نحمیا ۸: ۸). به سه تأکید بر سه عبارت مهم توجه نمایید، قرائت کردند، معنی دادن، و مردم آن را درک کردند. بعد از این که واعظ کلام را قرائت می کند، اگر او واعظ امین و وفاداری باشد، عقیده شخصی خود را به جای آنچه که در متن الهام شده و نوشته است را بیان نمی کند. این مسئولیت با نویسنده کتاب است، یعنی خدا. این موضوع اهمیت وفاداری در تفسیر و موعظه کلام خدا را تشدید می نماید.

اگر ما ایمان داشته باشیم که کلام خدا الهام شده و مصون از خطاست و افکار و احساسات قلبی خدا را بیان می سازد و بیان خواهد ساخت، بنابراین بایستی ما با دقت به آنچه که از او دریافت کرده ایم چیزی افزوده و یا کم کنیم. در عهد عتیق، خدا در میان بوته آتش با موسی سخن گفت و فرمود: «نزدیکتر میا! کفش از پا به در آر، زیرا جایی که بر آن ایستاده ای زمین مقدس است» (خروج ۳: ۵). ما موسی نیستیم و خدا از میان بوته آتش سخن نمی گوید، اما کسانی که موعظه می کنند بی خطا سخن گفتن از کلام خدا به آنان سپرده شده است. هر بار که کتاب مقدس را باز می کنیم، باید ما نیز دریابیم که روی زمین مقدسی ایستاده ایم. هر بار که واعظین کلام خدا را باز می کنند، باید دارای روحیه ای محترمانه داشته باشند. روحیه ای که واعظ نسبت به کلام خدا در پشت منبر کلیسا ارائه می دهد، واگیر دارد، چه برای تلخی ها و چه برای خوشی های کلام خدا.

موعظه تشریحی به حقیقت، اقتدار و قوت، مرتبط است که هیچکدام از آنها تحت کنترل واعظ نمی باشند. تمامی آنها متعلق به کلام الهام شده خداست. قوت واعظ نه از هوش انسانی و یا شیوه سخنوری؛ بلکه از ذات کلام الهام شده می آید، چرا که او در ابتدای آفرینش قادر بود میلیاردها کهکشان را از هیچ با سخنش بیافریند (پیدایش ۱-۲). امروز، همان کلامی که دنیا را نگاه داشته است (عبرانیان ۱: ۳)، برای انسان هایی که از لحاظ روحی مرده اند، حیات می آورد (اول پطرس ۱: ۲۳۹). پس چرا انسان پیام خدا را رقیق سازد! با این کار، الهام قدرتمند و هدفمند خدا تضعیف

می‌شود. سخنان آقای جان فریم^۲ John Frame در این مورد بجاست که می‌گوید: «آنچه خدا انجام می‌دهد، با کلمه‌اش انجام می‌دهد، هر آنچه خدا انجام می‌دهد، کلمه انجام می‌دهد».

مزایای موعظه تشریحی

مزایای موعظه‌های تشریحی بسیار است. در ابتدا ما با این عمل نام خدا را محترم شمرده و ارج می‌نهیم. صفات خدا به نام خدا و کلام خدا مرتبط می‌باشد در مورد خدا در مزمور ۱۳۸: ۲ شهادت می‌دهد که: «...نامت را می‌ستایم! زیرا که تو نام خویش و کلام خود را عظیمی برتر از هر چیز بخشیده‌ای». در زمان‌های گذشته نیکویی فرد به میزان نیکویی نامش بود. بنابراین خدا در یکی از ده فرمانی که به قوم اسرائیل بخشید، از نام خود دفاع می‌کند. در عین حال کلامش را ارج می‌نهد، اگر فرد شکست بخورد، نامش نیز با او شکست می‌خورد. خدا نام مقدس خود را که از سیرت مقدس او سرچشمه می‌گیرد، محترم می‌شمارد.

دوم این که، با موعظه کلام خدا واعظ برای مخاطبین خود مدارکی ارائه می‌دهد که او به قوت نهفته در کلام خدا اعتماد دارد و نه به خویشان به عنوان انسان.^۳ پولس رسول کلیسای تسالونیکیان را با این کلام تشویق می‌کند که: «ما خدا را پیوسته شکر می‌گوییم که شما به هنگام پذیرفتن کلام خدا، که از ما شنیدید، آن را نه چون سخنان انسان، بلکه همچون کلام خدا پذیرفتید، چنانکه برآستی نیز چنین است؛ همان کلام خدا اکنون در میان شما که ایمان دارید، عمل می‌کند» (اول تسالونیکیان ۲: ۱۳). انسان‌ها به آنچه که واعظ اطمینان خاطر دارد و احترام گذارد، اطمینان می‌کنند؛ هیچ چیزی دیگر همانند موعظه تشریحی از کلام این مقصود را عملی نمی‌سازد.

سوم، موعظه تشریحی از کلام خدا، لنگر واعظ را در کلام می‌اندازد و به این ترتیب متن کلام واعظ را کنترل می‌کند (چارچوبی برای واعظ مشخص می‌کند). به این ترتیب بهترین تضمین را داریم که ما از همان قسمت انتخاب شده کلام خدا

۲. The Doctrine of the Word of God

۳. John Stott, Between Two Worlds: The Challenge of Preaching Today

موعظه می‌کنیم. زمانی که واعظ به حقیقت خدا دست‌آویز نمی‌شود، به راحتی با حکمت انسانی به مسیر دیگری رانده می‌شود.

چهارم این‌که، از آنجایی که کلام خدا موعظه می‌شود، خدا پیغام را تصدیق می‌کند و به احتمال زیاد فرد با اقتدار پذیرفته می‌شود، نه مانند کاتبان (متی ۷: ۲۸). موعظه مقتدرانه، با قدرت صحبت کردن یکی نیست. اقتدار واقعی و الهی در انسان زمانی مشاهده می‌شود که فرد با حقیقت خدا مشتعل باشد. همانطور که او برای خدا می‌سوزد، دیگران گرما را حس می‌کنند و شنوندگان حس جذب شدن را احساس می‌کنند - جذب شدن به عیسی.

موعظه تشریحی، موعظه‌ای که از ابتدا تا انتهای آن عیسی محور می‌باشد. در عهد جدید، در زبان اصلی چهار واژه در رابطه با موعظه وجود دارد. اولین آنها، موعظه^۴ است. می‌توان اذعان داشت که هربار از این واژه استفاده شده، موضوع عبارت انجیل یا عیسی می‌باشد. دومین مورد، بشارت دادن^۵ است. محتوای این فعل شامل اعلام خبر خوش (عیسی مسیح) می‌باشد. واژه بعدی شهادت دادن^۶ است که به همان مفهوم بیان آنچه فرد شاهد بر آن بوده است (حقیقت عیسی مسیح). و آخرین واژه تعلیم دادن^۷ است که اشاره به تعلیم و آموزش درباره عیسی است. با توجه با این واژه می‌توانیم مرکزیت عیسی مسیح را در عهد جدید مشاهده کنیم. در نتیجه زمانی که ما به منبر کلیسا می‌رویم، همان موضوع (عیسی مسیح) را موعظه می‌کنیم.

پنجم این‌که موعظه تشریحی به ما یاری می‌رساند تا در چالۀ تفسیر نادرست متن انتخابی نیفتیم و با اضافه کردن مطلب و یا عدم توجه به منظور اصلی متن، از آن دور نشویم.^۸ ما با هر کدام از این اشتباهات می‌توانیم موعظه خود را از حقیقت به دروغ تبدیل کنیم. محصل و واعظ جدی کلام هیچ یک از این خطاها را مرتکب نمی‌شود. پولس رسول به تیموتاوس می‌نویسد: «سخت بکوش تا مقبول خدا باشی، همچون

۴. kerysso - κηρύσσω

۵. euaggelizo - εὐαγγελίζω

۶. martureo - μαρτυρέω

۷. didasko - διδάσκω

۸. Ramesh Richard, Preparing Expository Sermons

خدمتکاری که او را سببی برای شرمساری نیست و کلام حقیقت را به درستی به کار می‌بندد» (تیموتاوس ۲: ۱۵). بکاری گیری صحیح کلام خدا موجب می‌شود که خدمتکار در حضور خدا به عنوان معلم، شرمسار نگردد.

بالاخره، موعظه تشریحی شنوندگان را برای شنیدن توضیح و تشریح کلام تربیت می‌کند، که هر زمان به نوع دیگری از موعظه‌ها برخورد کرد، آنها بهتر مجهز شده‌اند. این مفهوم عملکرد حیاتی خدمت تعلیم و شبانی قوم خدا می‌باشد.

حال پای صحبت دیوید می‌رویم تا از او درباره چگونگی موعظه تشریحی بشنویم. من فقط یک سوال دارم: با تمام منفعت‌هایی که سبک موعظه تشریحی دارد، چرا فرد بایستی به سراغ دیگر روش‌های موعظه برود؟

مقدمه

استخوان‌های پوسیده

استخوان‌های مردی نامدار در آرامگاهی دقیقاً زیر سنگفرش‌های نمازخانه کالج گینگز در شهر کمبریج انگلستان درست نزدیک درب ضلع غربی نمازخانه قرار دارد. بر روی سنگ دو حرف CS و سال ۱۸۳۶ حکاکی شده است و در داخل حروف حکاکی شده مس ریخته شده است. اگر روزی روزگاری مثل من پایتان به آنجا رسید و همچون من در شگفتی فرو رفتید، این را بدانید که: آن استخوان‌های پوسیده در زیر آن سنگ، متعلق به کسی که کتاب مقدس را به مرکزیت کلیسای انگلستان آورد می‌باشد.

در یکی از روزهای دلگیر ماه نوامبر سال ۱۸۳۶ حدود ۱۵۰۰ مرد ردا پوش در مجلس ختم چالز سیمون Charles Simeon^۱ شرکت کردند. تعداد بی‌شماری از مردم که انتظارش را نمی‌رفت برای ادای احترام به آن شبان و واعظ آمده بودند. چالز سیمون برای مردم نسل خود یک هدیه‌ای الهی بود.

البته او برای نسل امروز ما نیز هدیه است. درک او از انجیل در آزمایش زمان هنوز پابرجاست و می‌توانند تأثیر تازه‌ای بر موعظه‌های این دوران بگذارد. در موعظه‌های سیمون چیزی وجود داشت که بخش عمده‌ای از موعظه‌های ما فاقد آن هستند.

در موعظه‌ها چه کمبودی وجود دارد؟ چگونه می‌توانیم از آن بهره‌مند شویم؟

جوابها به طرز شگفت‌انگیزی بسیار ساده و در عین حال اشاره به قلب موضوع دارد، یعنی موعظه تشریحی. در حدود اعتقاد و باور این مرد بزرگ این بود که کتاب مقدس منبع تأثیر گذار او بود. سیمون بر این باور بود که تشریح و توضیحی

۹. Charles Simeon خادم نامدار کلیسای اسقفی (۱۷۵۹-۱۸۳۶)

ساده و روشن از کتاب مقدس باعث ایجاد تندرستی و شادی کلیسا می‌شود. تشریح کتاب مقدس تأثیر اصلی در بنای کلیسا است. این باور هیچگاه از سیمون دور نشد. او خود را برای پنجاه و چهار سال تمام به عنوان تنها شبان کلیسای هولی ترنتی Holy Trinity Church کمبریج، بدون هیچ خستگی تقدیم خدمت موعظه کرد. هفته به هفته، سال به سال و دهه به دهه او مقابل جماعت کلیسا ایستاد و کلام خدا را با شفافیت، سادگی و قوت اعلام نمود. او مجاب شدن خود را درباره کتاب مقدس چنین بیان می‌کند:

تلاش این است آنچه که در کلام خدا نهفته است را بیرون بکشم، نه آنچه که فکر می‌کنم ممکن است آنجا باشد. من در سر، غیرتی دارم که بیشتر و یا کمتر از آنچه که منظور کلام است را تشریح نمی‌کنم.

دیدگاه سیمون بر این مبنا بود که وظیفه واعظ، تعهد نسبت به متن کلام خداست. او متعهد بود که کلام درج شده را بیان کند و روی خط و مسیر کلام ثابت بماند، چیزی بیشتر از آنچه که در کلام نوشته شده، بیان نکند و با کم گفتن از آنچه در کلام است نگوید و از قدرت کلام نگاهد.

امروزه چنین تعهدی - بلوغ در مقید بودن به این نکته - را در بین واعظین کلام خدا کمتر می‌توان یافت. دوستانه خدمتتان عرض کنم، امروزه بسیاری از کلیساهای ما حتی آنانی که از لحاظ آموزه‌ای صحیح می‌باشند چنین نمی‌کنند. بیشتر آنچه که ما فکر می‌کنیم که وفادار به موعظه‌های کتاب مقدسی است، در حقیقت مقید به آن تعهد نیستند. اجازه دهید خودم اولین شخصی باشم که اعتراف می‌کند که همیشه این تعهد و شرایط را رعایت نمی‌کند - که فقط آنچه هست را بیان کنم. دعایم این است که این کتابچه و مطالب دیگر، مورد استفاده خدا قرار گرفته تا هر معلم و واعظ کلام راه‌های تعهد به این امر مهم را کشف کند.

اما تنها مجاب بودن سیمون ارزش توجه به این نکته را ندارد. اهداف سیمون در موعظه بایستی دوباره باز یافت شود. او تشریح کردن کتاب مقدس را بطور خلاصه در این چارچوب قرار می‌دهد:

فروتن ساختن گناه کار؛
برافراشتن نجات دهنده؛
ترویج قدوسیت و پاکی.^{۱۰}

نمی‌توان این مطلب را روشن‌تر از این بیان کرد. و امروز این اهداف بایستی ما را راهنمایی کند. دنیای ما همچون زمان سیمیون محتاج به آگاهی از این مطلب است که انسانیت چقدر عمیق سقوط کرده است و عیسی چقدر والا صعود نموده است و خدا از انسان چه می‌خواهد. بهترین راه و تنها راه کمک به این دنیا همانا گفتن کلام خدا به قوت روح اوست. این گفتن به چه شکل خواهد بود؟

پاسخ را می‌توان در موعظه‌های تشریحی یافت. موعظه‌های تشریحی، موعظه‌های قدرتمند و آتشی هستند که که شکل و تأکیدهای آن مطیع شکل و تأییدهای متن کتاب مقدس می‌باشد. به این ترتیب مطالبی که از متن انتخابی بیرون می‌آید، همانی است که روح القدس در آن نهاده است، همانطوری که سیمیون می‌گوید: در کلام خدا آنچه که ممکن است واعظ تصور کند در آن نهفته است را جایی مده. این فرایند اندکی پیچیده است. به همین دلیل مابقی کتاب در این مورد سخن می‌راند.

ما با اندیشیدن به اشتباهاتی که اکثر ما مرتکب شده‌ایم آغاز می‌کنیم، اشتباهاتی که از تلاش ما برای «بیان امروزی» متن نتیجه می‌شود. سپس ما درباره چالش و درخواست تفسیر و شرح متن، درک متن در سایه تمامی کتب کتاب مقدس، و بعد موعظه آن در محیط‌مان می‌اندیشیم.

اگرچه این کتابچه به عنوان مقدمه‌ای برای موعظه تشریحی مناسب است، در عین حال امیدوارم که افرادی که در خدمت موعظه و تعلیم هستند بتوانند موارد مفیدی برای امتحان آنچه که انجام می‌دهند پیدا کنند. این کتابچه تقریباً ادامه کار است که به شما فرصت داده شود تا خود را بیازمایید و از خود سوال کنید که: آیا من چنین می‌کنم؟ آیا آنچه که در کلام خداست را استخراج می‌کنم؟ آیا آنچه که انجام می‌دهم فروتن ساختن گناه کار؛ برافراشتن نجات دهنده؛ ترویج قدوسیت و پاکی در زندگی حاضرین است؟

۱۰. Bernard Denvir, The Thames and Hudson Encyclopaedia of Impressionism

تقاضا و چالش‌های موعظه تشریحی بسیارند. و زمانی که در توانایی مان پیشرفت می‌کنیم، کار ساده‌ای نیست که وفادارانه کلام خدا را درست بکار ببریم. اما مطمئنم که: اگر امروز واعظ‌ها و رهبرهای کلیساها اجازه دهند که سادگی موجب شدن سیمون و هدفش از درون قبرش با ما سخن گوید، تندرستی و خوشی کلیساهای ما بازمی‌گردد.

پس بیایید با هم شروع کنیم.

«بیان امروزی» متن

«بیان امروزی»^{۱۱} متن در موعظه تشریحی امری حیات‌ست. دست‌نوشته‌هایی که از موعظه‌های آگوستین قدیس در دست داریم ما را به این عقیده رهنمود می‌کند که او در این امر کاردان و مجرب بود.

بنابراین، هنگامی که آگوستین اندیشه‌هایی از جامعه خود را مطرح می‌کرد که بطور مستقیم از عقاید برجسته بت پرستان گرفته شده بود، نباید ما بر این باور باشیم که او آگانه برای تحت تأثیر قرار دادن مردم با فرهنگش و یا با نقل قول کردن از نویسنده مورد علاقه‌شان آنان را مجذوب کلیسا می‌ساخت. آگوستین بدون فکر کردن به این موضوع چنین می‌کرد، همانگونه که امروز ما درباره‌گرد بودن زمین فکر نمی‌کنیم... او بیشتر مطالبی که باید گفته می‌شد را... به عنوان امری عادی بیان می‌کرد.^{۱۲}

من شیفته آنچه را که آگوستین نسبت به «بیان امروزی» در رابطه با ارتباط با موعظه تعلیم می‌دهد، هستم. توانایی شگفت‌انگیز او برای ارتباط با مخاطبینش نتیجه عشق و علاقه او به زندگی بود؛ این نتیجه حساب شده با برداشت از منابع فرهنگی به امید پایان کار نبوده است. این فصل در مورد مشکلاتی که واعظین در هنگام تهیه موعظه خود با آن مواجه هستند را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱۱. Contextualization این واژه به معنی بیان مطلبی به زبان ساده و امروزیست تا مردم آن را بهتر درک کنند، لذا در این ترجمه ما از واژه «بیان امروزی» استفاده نمودیم. هر چند که معنی لغوی آن همسان سازی و یا جفت سازی می‌باشد. در امر بشارت، به خصوص بشارت برون‌مرزی این واژه به معنی بومی سازی ترجمه می‌شود.

۱۲. Peter Brown, Through the Eye of a Needle

در مقدمه ما بطور مختصر نگاهی به موعظه‌ای که باید موعظه تشریحی باشد، داشتیم. این امر تلاشی جهت استخراج آنچه که در متن کتاب مقدس نهاده شده می‌باشد و هرگز به آنچه که روح القدس در آن متن قرار نداده است، اطمینان نمی‌دهیم. لازمه انجام این کار از استفاده از متنی خاص، متنی که بایستی شنوندگان را فروتن سازیم، متنی که نجات یافته‌گان را برافرازیم و قدوسیت و پاکی را در زندگی حاضرین ترویج دهیم است. هر چند که هنوز توضیح نداده‌ایم که چگونه موعظه می‌تواند این کار را عملی سازد. فکر می‌کنم اینجا ارزش دارد که چند مورد که باعث نادیده گرفتن این موارد می‌شود را در نظر بگیریم.

مشکل هواداری کورکورانه از «بیان امروزی»



منظورم از «بیان امروزی» در موعظه چیست؟ به عبارت ساده، «بیان امروزی» در موعظه یعنی بیان پیغام انجیل به گونه‌ای که قابل فهم و یا متناسب حال فرهنگ مخاطب باشد. در این روش، تمرکز موعظه بر شنوندگان است. به عبارتی دیگر، «بیان امروزی» به «ما» و «زمان حاضر» می‌اندیشد. این راهی است که تعهد به مناسب بودن و کاربرد آن را برای زمان کنونی بیان می‌کند. به این دلیل در فصل چهارم کتاب راهکاری مفیدی را ارائه می‌دهم.

یکی از مشکلات موعظه‌های امروز، اغلب اوقات جابه‌جایی تأکید بروی «بیان امروزی» می‌باشد. بعضی از واعظین با بالا بردن سطح «بیان امروزی» که بر روی یک رشته مطالعات بیش از حد استفاده‌های عملی از کلام تمرکز دارد، با متن کتاب مقدس برخوردی نابسامان و نیمه‌کاره دارند. این مشکل هواداری کورکورانه از «بیان امروزی» می‌باشد. از علاقه و تمایل صحیح و سالم واعظ است که ماموریت کلیسا می‌تواند پیش می‌رود. واعظ آماده‌سازی موعظه خود را صرفاً به شیوه‌های خلاقانه و

هنری، متمرکز می‌سازد که بتواند ارتباط مناسب و خوبی با مردم برقرار کند که آنها آنچه را که می‌خواهند، بشنوند. به جای این که بر روی متن کار کرده و آن را با شیوه مناسب به مخاطبین خود ارتباط دهد. در روش اول مخاطبین هدایت‌کننده متن می‌باشند و این همان چیز است که پولس رسول به تیموتاوس هشدار می‌دهد: «زیرا زمانی خواهد آمد که مردم به تعلیم صحیح گوش فرانخواهند داد، بلکه بنا به میل خویش، معلمان بسیار گرد خود خواهند آورد تا آنچه را که گوشه‌ایشان طالب شنیدن آن است، از آنان بشنوند؛ و از گوش فرا دادن به حقیقت رویگردان شده، به سوی افسانه‌ها منحرف خواهند گشت» (۲ تیموتاوس ۴: ۳-۴).

در این مورد فکر کنید. بعضی از واعظین زمان بیشتری را صرف خواندن و تفکر در بیان مطلب به «بیان امروزی» می‌کنند تا خود کلام خدا. ما در تلاش برای ارتباط با جهان و شهر خود گرفتار می‌شویم. در نتیجه، برای ارائه برداشت‌های کم‌عمق از متن تصمیم می‌گیریم که فراموش کنیم متن کتاب مقدس کلامی مناسب است و شایستگی والاتری از توانایی‌ها و فکرها و توضیح‌های ما دارد.

به بیان دیگر، وقتی واعظی اجازه می‌دهد تا محیط و فرهنگی که می‌خواهد برای مسیح به دست آورد کنترل کلام درباره مسیح را به دست گیرد، به این ترتیب او هدف اصلی را از دست می‌دهد. همانطور که در مقدمه عنوان کردم، این طریق بی‌اثر کردن بعضی از کلیساهاست. بسیاری از ما ناخودآگاه بر این باوریم که کلید موعظه با قدرت درک درست و مطالعه زمینه فرهنگی‌مان است نه درک درست از کتاب مقدس.

مشکل هوداری کورکورانه از «بیان امروزی»، موعظه‌های ما را به سه روش تغییر می‌دهد و هیچکدام آن را بهتر نمی‌سازد. اول به دیدگاه مطالعه ما صدمه می‌زند- در هنگام آماده سازی موعظه، واعظ با دنیا درگیر می‌شود تا با کلام خدا. این امر موجب موعظه امپرسیونیسم^{۱۳} می‌شود. دوم، استفاده از موعظه را تغییر می‌دهد- کلام از برنامه‌های سمی و اهداف ما پشتیبانی می‌کند تا برنامه‌ها و اهداف خدا. در نهایت

۱۳. Impressionistic، سبک هنری که در آن نویسنده و یا هنرمند سعی می‌کند با کارش تأثیر کلی بر دیگران بگذارد و به جزئیات اهمیت نمی‌دهد.

درک ما از اقتدار را تغییر می‌دهد- پرستش‌های «تازه» و «هدایت از روح» واعظین تعیین کننده‌ از حقیقت خواهند بود. من این نوع موعظه‌ها را موعظه‌های «دلگرم کننده و انرژی بخش» می‌خوانم.

اجازه دهید به هر کدام از آنها دقت بیشتری داشته باشیم. فکر می‌کنم متوجه خواهیم شد که بعضی از موعظه‌های تشریحی در حقیقت تشریحی نیستند.

موعظه به سبک امپرسیونیستی

در دهه ۱۸۵۰ سبک هنری به اسم واقع گرایی رایج شد. هدف این جنبش بر زمان حال بود و دیدن همان چیزی که هنرمند می‌بیند. نقاشی کردن معادل با عکس گرفتن بود. سعی بر این بود که حقیقت را آنگونه که هست، انعکاس دهند. دو دانشجویی که در سبک واقع گرایی آموزش دیده بودند کلود مونه Claude Monet و پییر آگوست رنوار Pierre-August Renoir بودند. آنها با هم دوست شده و با همکاری با چند تن دیگر شروع به نقاشی کردند. این نسل جوان تمایل به استفاده از رنگ‌های روشن تر از مرییان واقع گرای خود داشتند. آنها سبک زندگی امروزی (معاصر آن زمان) را حمایت می‌کردند تا سبک تاریخی و اسطوره‌ای. آنها آگاهانه نسل رومانیک قبلی را پشت سر گذاشتند.

واقعه‌ای که این نقاشان جوان را هویت گروهی داد، نمایشگاه و مسابقه سال ۱۸۶۳ در پاریس بود. بسیاری از اثرهای آنان توسط داوران رد شد و در نهایت در نمایشگاه دیگری به نام «نمایشگاه رد شده» Salon des Refusés به نمایش گذاشته شدند. در طول سال‌های بعد این هنرمندان جوان تقاضای نمایش کارهای سبک جدید خود را کردند ولی هر سال به طور مرتب رد شدند.

در سال ۱۸۷۳ مونه، رنوار و چند تن دیگر از هنرمندان نمایشگاهی بی‌نام تشکیل دادند که آثار خود را مستقل و بدون نام و نشان به نمایش گذاشتند. اولین نمایشگاه عمومی این گروه جدید در شهر پاریس به سال ۱۸۷۴ برگزار شد. اما سبک آنان حتی بیشتر تغییر کرده بود. تجربه رنوار از آنچه دید، تغییر واقعیت بود- فاصله بسیاری



از واقعیت داشت. مونه با شُل گرفتن قلم مو و ضربه زدن به بوم، شروع به نقاشی کرد. او تصویر عمومی از آنچه می دید ارائه می داد. برای نمونه او تصویری از طلوع آفتاب در بندر لوهارور را کشید «امپرسیون طلوع آفتاب» که واقعیتی از بندر نبود و زمانی که نام اثر از او سوال شد او واژه

«امپرشن» Impression «احساس» را روی نقاشیش گذاشت. بعدها عنوان «امپرسیونسم» امپرسیونیسم» توسط منتقدین جهت مسخره کردن هنرمندان مورد استفاده قرار گرفت. این جنبشی جدید و متمایز از هنر و هنرمندان بود.

در سبک «امپرسیونیستی» هر آنچه چشم می بیند، تعبیر و تفسیر می کند، آن را بزرگ نموده و بخش هایی از آن را نادیده می گیرد و در نهایت آن را تحریف می کند.

اکنون با توجه به این موضوع هر بار که شما نشسته تا موعظه خود را آماده سازید، چه می کنید. کتاب مقدس را باز می کنید. احتمالاً وقت بسیاری ندارید، امروز یکی دو جلسه ملاقات دارید. شاید باید یکی از اعضا خانواده تان و یا کارمندان کلیسا را مشاوره و راهنمایی کنید. به احتمال زیاد سرتان با خدمات شبانی شلوغ است. در عین حال روز یکشنبه بایستی چیزی بگویید. پس شروع به مطالعه متن انتخابی خود نموده و روی کامپیوتر و یا دفترچه شروع به یادداشت می کنید همانند هنرمندی که با رنگ و بوم نقاشی خود می زند. و کلام خدا و دنیایی که می شناسیم را رنگ های مختلف به هم متصل می کنید.

شما به دنبال چیزهایی هستید که می تواند تأثیر آنی بر مخاطبتان داشته باشد و شما از این تأثیر آنی لذت می برید. کار چندان سختی نیست، به زودی ایده اصلی ظاهر می شود. شما «بیان امروزی» را به خوبی انجام می دهید چرا که شما همانند جماعت کلیسایتان علاقه ای به تاریخ ندارید. در حقیقت شما این روش را به این دلیل دریافت کردید که توانستید جماعت را تحت تأثیر پیغامی جالب قرار دهید که

دسترسی به آن از طریق واقعیت باستانی کتاب مقدس مشکل است. شما به خود می‌گویید که مطالعه جزئیات کتاب مقدس را می‌توان برای مدتی کنار گذاشت.

پیغام این هفته هم مانند هفته پیش است، تمرکز بر روی برداشت‌های شما از متن مورد نظر تان می‌باشد. کاربردها همچون پرتوهای رنگارنگی به سوی جماعت کلیسای تان پرننگ‌تر پخش می‌شود. نگاه اجمالی به ساعت می‌اندازید. پانزده دقیقه است که شما کار کرده‌اید.

به این موعظه از نوع «امپرسیونیستی» یا «فی‌البداهه، بداهه^{۱۴}» می‌گویند.

بیشتر اوقات اینگونه موعظه تهیه می‌شود و شاید بتوان گفت که مهم‌ترین مشکل امروز در تهیه موعظه همین موضوع باشد. موعظه امپرسیونیسی با واقعیت‌های متن کلام محدود نمی‌شود. زمینه ادبی و زمینه تاریخی و طرح الهیاتی متن را نادیده می‌گیرد. ابزارهای الهیاتی را که با وقت گذاشتن بر متن بدست می‌آورید با سرعت گذر می‌کند. جایی که شاید نقاش واقع‌گرا برای ده دقیقه به موضوع خیره شود قبل از این که دست به قلم برد. در حالی که امپرسیونیس یک بار به متن نگاه می‌کند و ده بار قلم خود را بر بوم تجربه انسانی می‌زند. این واعظ امپرسیونیسی است. (می‌توان گفت که این نوع موعظه بر مبنای عواطف، احساسات و نیاز آنی شنوندگان برمی‌خیزد. شاید این نوع موعظه را «موعظه احساسی» نیز نامگذاری کرد. مترجم)

شکی وجود ندارد که موعظه امپرسیونیسی برای فردی که تمام وقت زندگیش پر از غدغه می‌باشد ساده‌تر و سریع‌ترین راه است و بیشتر معنی می‌دهد. اما باید آگاه باشید این موضوع به معنی این است که در پایان روز، شما هر آنچه بخواهید با متن کتاب مقدس انجام می‌دهید.

۱۴. سخنرانی بداهه به آن دسته از سخنرانی‌هایی گفته می‌شود که هیچ‌گونه اطلاع و آمادگی قبلی برای صحبت کردن و ایراد سخنرانی ندارید، پس نیازمند مهارتی هستید که بتوانید در لحظه با کنترل استرس و تمرکز افکار خود را جمع‌بندی کنید تا سخنرانی قابل قبولی را ارائه دهید و این مهارت چیزی جز مهارت بداهه‌گویی نیست. مترجم

اجازه دهید به مثالی توجه کنیم. تصور کنید که شما باید درسی برای زوج‌های جوان تازه بچه‌دار شده تهیه کنید. می‌خواهید از ۱ سموئیل ۲: ۱۲-۲۱ صحبت کنید. متن را قرائت کنید:

پسران عیلی اشخاص پست و فاسدی بودند. آنها به خداوند احترام نمی‌گذاشتند و وظایف مذهبی را که به عهده داشتند، انجام نمی‌دادند. وقتی کسی قربانی می‌کرد، خادم آنها می‌آمد و درحالی که گوشت هنوز در حال پختن بود، چنگال سه شاخه‌ای را که با خود داشت در دیگ، یا پاتیل، و یا هر ظرف دیگری که در آن گوشت را می‌پختند، فرو می‌برد و هرچه را که با چنگال از دیگ بیرون می‌کشید سهم کاهن بود. آنها با تمام مردم اسرائیل که به شیلوه می‌آمدند به همین ترتیب رفتار می‌کردند. بیشتر وقتها پیش از سوزانیدن چربی، خادم آنها می‌آمد و به کسی که قربانی می‌کرد می‌گفت: «گوشت خام را برای کباب به کاهن بده، چون او گوشت پخته قبول نمی‌کند.»

اگر آن شخص می‌گفت: «صبر کنید تا اول چربی آن بسوزد و بعد هر قدر گوشت که می‌خواهید ببرید.» خادم به او می‌گفت: «خیر، همین حالا بده، وگرنه بزور از تو می‌گیرم.» این گناه پسران عیلی در نظر خداوند بسیار بزرگ بود، زیرا آنها قربانی خداوند را بی حرمت می‌کردند.

سموئیل با پیش‌بندی کتانی که به کمر بسته بود، خداوند را خدمت می‌کرد. مادرش هر سال یک ردای کوچک برای او می‌دوخت و وقتی که برای تقدیم قربانی سالانه همراه شوهر خود به شیلوه می‌رفت، برایش می‌برد. عیلی برای القانه و زنش دعای برکت می‌کرد و می‌گفت: «خداوند به عوض این طفلی که وقف او کردید، فرزندان دیگری به شما عطا کند.»

بعد آنها همگی به خانه خود برمی‌گشتند.

خداوند به حنا لطف کرد و او دارای سه پسر و دو دختر شد. سموئیل نیز در خدمت خداوند رشد می‌کرد. (ترجمه مؤده)

در اولین قرائت سه نکته جلب توجه می کند:

۱. متن دو نوع والدین و فرزندان را به شما معرفی می کند. عیلی و فرزندان بی لیاقتش و حنا و فرزند خردسالش، و سموئیل که خدا را خدمت می کند.

۲. شما تحت تأثیر تضاد این دو خانواده قرار می گیرید. داستان عیلی روش بد والدین بد است و در عین حال روش حنا نتایج بهتری ارائه می دهید.

۳. شما دو کاربرد در پیامتان دارید. والدین بد، به فرزندان اجازه پرخوری می دهند، در حالیکه والدین خوب چنین نمی کنند. چقدر برای عیلی زنده بود که با قربانی‌های تقدیمی پرخوری کنند! دوم این که والدین بد فرزندان خود را برای زندگی خداپسندانه راهی کلیسا نمی کنند، در حالی که والدین نمونه همیشه برای تعلیم و تربیت فرزندان خود حاضر هستند. برای حنا چه لذت بخش بود که هرگاه در کلیسا را باز می کرد، پسرش را می دهد.

حُب. شما رئوس مطالبتان را تهیه کردید و مهمتر از همه، مطمئن هستید که سخنانتان با زوج‌های جوان در کلیسا طنین خواهد انداخت. شما می توانید در مورد شرایط فیزیکی کودکان صحبت کنید. این امر برایتان وقت چندانی نخواهد برد تا اصول مشابهی را در امورات روحانی نیز بکار گیرید.

سخنانتان را به پایان می‌رسانید و چیزی نمی‌گذرد که برنامه‌های آموزشی جدید کودکان از این موعظه سرچشمه می‌گیرد. فوق العاده است، زیرا مردم در مورد نحوه والدین مسیحی بودن باهم صحبت می‌کنند.

این نوع موعظه به سبک امپرسیوینیم است که باعث رشد کلیساها می‌شود. واقعاً جای تعجب نیست که ما وقت برای تهیه موعظه صرف نمی‌کنیم، چرا که ضرورتی ندارد. می‌توانیم آن را سریع انجام دهیم و نتیجه عملکرد آن خوب است. این تقریباً موعظه‌ای بدیهه است، یعنی فی‌البداهه موعظه کردن.

و اینبار هم ما از گنجینه کلام خدا چیزی برداشت نمی‌کنیم. نکته اصلی متن انتخابی را نمی‌بینیم. برای نمونه اگر متن ۱ سموئیل ۲: ۱۲-۲۱ را برای چندین مرتبه

قرائت کنیم، متوجه می شویم که نکته اصلی این قسمت مربوط به آموزش به والدین نمی باشد. متن دربارهٔ قدوسیت خدا سخن می راند. بلکه اینطور است، متن دربارهٔ خدا صحبت می کند که چطور رهبران ناشایست قوم خدا، خدا را استهزا می کنند. مشکل در اینجاست که خدا را آنگونه که شایسته است پرستش ننمودند. اگر بیشتر کند و کاو کنیم متوجه خواهیم شد که در بین خانوادهٔ خدا، جایگزینی صورت گرفته است. در متن می خوانیم که سموئیل دقیقاً در این زمان ظاهر می شود؛ زیرا او تنها جایگزین پسران عیلی برای هدایت پرستش خدا مطابق با کلام خداست. خدا نمی تواند کارش را عملی کند، چرا که کلامش لغو شده است. با این حال، زمانی که آمدی وجود ندارد، خدا مردی و یا کاهنی را برمی خیزاند.

آیا این بدین معنی است که ما نمی توانیم از این متن درسی به والدین دهیم؟ نه اینطور نیست. اما بدین معنی است که ما نباید از نکتهٔ اصلی متن غافل شویم. کاربردهای جانبی نباید به هیچ وجه بر نکتهٔ اصلی متن سایه افکند. در حالیکه ما می توانیم از حقایقی از کتاب مقدس به والدین تعلیم دهیم، بایستی از متونی که تأکیدش بر این موضوع خاص است استفاده نماییم. این تفاوت آنهاست و همراه با چالش برای ماست. ما داستانی را مطالعه می کنیم و غافل از این نکته که تأکید روح خدا در کدام قسمت است و در حالی که کلام خدا بیش از اصول یک زندگی خدایست. در نمونه ۱ سموئیل ما کاملاً مسیح را به عنوان کاهنان ناکام از قلم می اندازیم. ما مسیح تجسم شده را نادیده می گیریم و به جای او ما والدینی داریم که بیشتر متعهد به اصول اخلاقی هستند تا پیغام مسیح.

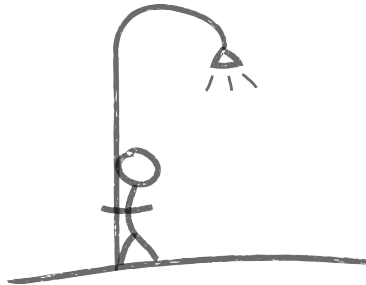
این نوع موعظه‌های امپرسیونیستی از «علاقه به این دنیا» (مرقس ۴: ۱۹) برمی خیزد و بیشتر سطحی می باشند. بیشتر اوقات تمرکز بر نتیجهٔ زمینه‌های جوامع تجارتي، فرهنگ جوامع کاری همچون آسیای شرقی، یا در زمینه‌های در حال توسعه (همچون افراد تیم ما که در آسیای جنوبی خدمت می کنند)، موعظهٔ بدیهه‌ای اغلب نتیجهٔ فشار عملی بر کسانی است که به موعظه می پردازند. این مطالب را از روی دلسوزی می گویم.

همچنین باید خاطر نشان کرد که موعظه‌های امپرسیونیستی به خودی خود مشکلی ندارد. این نتیجهٔ طبیعی هواداری کورکورانه از «بیان امروزی» است و چگونگی این

هواداری وقت ما را به انحصار خود درمی آورد. بخاطر داشته باشیم متقاعد شدن چالز سیمون در محدود کردن مطالعه هایش: آنچه که در متن است را استخراج می سازد. به راحتی می توان رویکرد امپرسیونیسی را بر مطالعه و آماده کردن موعظه تان حاکم کرد. به خصوص اگر شما فردی آرام و خونسردی هستید و یا روی مد لباس می پوشید، یا سعی می کنید که اینطور بنظر بیایید، این روش می تواند همچون کوکائین در زندگی خصوصی شما باشد. و اگر شما کمی در این روش موفقیت کسب کنید، کم کم باور می کنید که شما واعظ تشریحی کلام می باشید. اما همانگونه که در فصل بعدی خواهید دید تشریح کتاب مقدس نیازمند مطالعه ای به روش دیگر است.

موعظه نادرست

اجازه دهید از مبحث مطالعه کتاب مقدس خارج شویم و به روش مطالعه کتاب مقدس در موعظه بنیدیشیم. شاعر اسکاتلندی به نام «آندرو لنگ» Andrew Lang یکبار با طرحی هوشمندانه علیه سیاستمداران روزگار خود ضربه ای طعنه آمیز زد و آنها را به دستکاری آمار متهم می کند. با تغییر جزئی در دستور زبان، می توان به همان اندازه به بسیاری از معلمین کتاب مقدس امروز طعنه زد: «بعضی از واعظین از کتاب مقدس همانطور استفاده می کنند که افراد مست از تیر چراغ برق خیابان فقط برای تکیه زدن استفاده می کنند نه روشنایی.»



این فرد، واعظ الکلی یا مست است. فکر می‌کنم لازم نیست بگویم که شما سعی کنید که چنین واعظی نشوید. واقعیت این است که بسیاری از ما از آن دسته واعظین هستیم، فقط خودمان خبر نداریم. اجازه دهید که توضیح دهم. آن هفته‌های که ما از کتاب مقدس فقط برای روشن شدن نکته‌مان استفاده می‌نماییم و به جای این که بگوییم خدا در آنجا چه می‌فرماید، ما همچون آن فرد مست هستیم که فقط از تیر چراغ برق برای ایستادن استفاده می‌کنیم - نه برای روشنایی. موقعیت بهتر برای واعظین این است که زیر سایه متن کتاب مقدس بایستند. این کتاب مقدس است - و نه آن کلماتی که ما وعظ می‌کنیم - که کلام روح است (عبرانیان ۳: ۷؛ یوحنا ۶: ۶۳).

شاید شفاف‌ترین و مخرب‌ترین نمونه‌های این تمایل خاص، انجیل کاذب به نام انجیل سعادت‌مندی باشد. در سفر به کشور کنیا بارها و بارها شنیدم که در آنجا و دیگر کشورهای قاره آفریقا، واعظین در تمامی نیم کره جنوبی وعده‌های ثروت و سلامتی در زندگی می‌دهند، وعده‌هایی که در کتاب مقدس وجود ندارد. شاید با این کار واعظ به هدفش برسد، اما واعظ حقیقت کتاب مقدس را نادیده می‌گیرد.

به من توجه کنید! با تجربه خدمت شبانی‌ام برای دهه‌ها می‌توانم بگویم که بارها من به واعظ مست تبدیل شدم. به سراغ کتاب مقدس می‌روم تا آنچه را که فکر می‌کنم لازم است بگویم را انتخاب کنم و کتاب مقدس فقط برایم یک ابزار مفید می‌شود. کتاب مقدس یاری‌ام می‌دهد تا آنچه که در فکر دارم را انجام دهم. گاهی اوقات، از این واقعیت که بایستی من ابزاری در دستان خدا باشم، کسی که خدا برای انجام اهداف الهی‌اش از او استفاده می‌کند، دور می‌شوم. من می‌خواهم آن نوری که از متن کلام پرتو افکنی می‌کند را اعلام نمایم.

آنچه که در گذشته برایم افتاد می‌تواند برای شما نیز اتفاق بیفتد. راه‌های مختلفی وجود دارد که ما از کتاب مقدس همچون مست از تیر چراغ برق استفاده می‌کنیم. شاید شما دیدگاه و نظری قوی در مورد بعضی از آموزه‌های کتاب مقدس دارید، پس آن دیدگاه و نظر شما نکته‌های شما در متن انتخابی شما در موعظه می‌شود، صرف نظر از این که متن چه موضوعی را انتقال می‌دهد. شاید شما بدون در نظر گرفتن «جان کلام» نتیجه‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و یا نتیجه‌های درمانی از متن استخراج نمایید. در اصل، علاقه ما به این نوع موعظه‌ها تا موعظه تشریحی فقط در یک چیز

است: ما احساسات، اهداف و دیدگاه خود را بالاتر از متون کتاب مقدس قرار می‌دهیم.

اجازه دهید که یک مثال شخصی خدمتان عرض کنم که چگونه ناگهان برایم رُخ داد. چند سال پیش داشتم رسالهٔ دوم قرنیتان را موعظه می‌کردم. وقتی به فصل ۸ و ۹ رسیدم، تصمیم گرفتم از آنها بگذرم و به سراغ فصل ۱۰ بروم. تصمیم گرفتم که این دو فصل را در زمان دیگر که مناسب حال کلیسا باشد تدریس کنم. این فصل‌ها راجع به پول صحبت می‌کند و تصمیم گرفتم که در آینده هر وقت مشایخ کلیسا خواستند دربارهٔ امانتداری در خصوص امور مالی و دارایی صحبت کنم، می‌توانم این دو فصل را موعظه کنم. در این مقطع از زمان کلیسای ما از نظر مالی وضعیت خوبی داشت. پس عقلانی بود که آن قسمت از کلام را برای زمانی که می‌خواهیم بودجه کلیسا را تقویت کنیم، استفاده کنم. بنابراین فصل ۸ و ۹ را کنار گذاشته و به عنوان واعظ سرسخت مستقیم به سراغ فصل ۱۰ رفتم.

بالاخره زمان مناسب فرارسید. پس به سراغ فصل ۸ و ۹ دوم قرنیتان رفتم و دربارهٔ اهمیّت سخاوتمندی در امور مالی موعظهٔ خود را آماده کردم. می‌خواهم متوجه باشید که قبل از مطالعهٔ این دو فصل برای موعظه، من ایده‌ای واضح و روشنی در فکرم داشتم و می‌دانستم که چه خواهم گفتم. تصمیم داشتم که تفسیر خود را در سه آیه‌ای که مربوط به بخشندۀ شادمان بود را برجسته و بزرگ‌نمایی کنم.

نکتهٔ موعظه‌ام این بود: اگر کم‌بکاری، کم برداشت می‌کنی و کسی که به وفور می‌کارد، به وفور نیز برداشت می‌کند. هر کس مطابق با نیتی که در قلب دارد ببخشد، نه با اکراه، نه با جبر، چرا که خدا بخشندۀ شادمان را دوست می‌دارد و خدا قادر است شما را به اندازهٔ کفایت کامل، در طول زندگی برکت دهد. بنابراین به وفور کار نیکو کنید.

چنانکه مکتوب است:

او سخاوتمندانه بخشید و به فقرا داده است؛
عدالتش باقی می‌ماند، تا به ابد. (۲ قرنیتان ۹:۹)

در ابتدا با این موضوع که خدا چه روحیه‌ای از ما در مورد پول دارد، سخن می‌گویم. آیه ۶ می‌فرماید که سخاوتمندانه یعنی به وفور بخشیدن. (خیلی علاقه دارم که با روحیه شروع کنم، چرا که می‌توانم آن را در مورد کاربرد یعنی بخشیدن متصل سازم). بعد از این همه، آیه ۷ می‌فرماید که خدا بخشنده شادمان را دوست دارد. انگیزه بخشیدن (خدا به شما برخواهد گرداند) نکته دوم من خواهد بود. آیه ۸ می‌فرماید: خدا قادر است هر نعمتی را بر شما فزونی بخشد. در نهایت نقل قولی از مزامیر خواهم داشت تا انگیزه‌ای الهی برای سخاوتمندی نشان دهد. آیه ۹ نشان می‌دهد که خود خدا به فراوانی می‌بخشد. سه اصل مطلب من به این صورت خواهد بود که:

۱. دوم قرنیتان ۹: ۶-۷ به خدا ببخش (روحیه‌ای که او از ما انتظار دارد).

۲. دوم قرنیتان ۹: ۸ از خدا چیزهای خوب و نیکو دریافت کن (این انگیزه ما را طلب می‌کند).

۳. دوم قرنیتان ۹: ۹ بخشش در مال، تقلید از خداست (عهد عتیق چنین می‌فرماید).

در حالی که متون طولانی بکار نبردم چرا که به این نکته آگاه هستم که این امر به بهتر شنیدن موعظه کمک می‌کند. من آماده انتقام صحبت‌هایم بودم که بسیار عملی و کوبنده بود. می‌دانستم اعضای کلیسایم چه نیاز دارند و کتاب مقدس مطالب مرا نیز تأیید می‌کرد.

اما اتفاق جالبی افتاد. قبل از یکشنبه‌ای که باید موعظه می‌کردم، مطالعات در پیش‌زمینه فصل‌های قرنیتان انجام دادم. و پایه‌های هر آنچه که قرار بودم بگویم تکان خورد. از آیه‌های ۱ قرنیتان ۱۶: ۱-۴ و اعمال رسولان ۱۱: ۲۷-۳۰ آموختم که آیه‌های مورد نظر من مربوط به قحطی و نیاز کلیساهای خاص بود. با خوشی بخشیدن مربوط به مرتب به بودجه کلیسا بخشیدن نبود. بلکه برای جمع‌آوری هدایا از یهودیان مسیحی پراکنده در دنیا برای یاری به قحطی زدگان بود.

اگرچه این موضوع کافی نبود، موضوع های دیگری نیز یافتیم. از دوم قرنیتان ۱۱: ۵ و ۱۲: ۱۱ متوجه شدم که مبحث اصلی این رساله بر سر موضوع دیگریت، در اینجا گویا خدمت پولس به عنوان رسول که بر جماعت قرنیتان اقتدار داشته باشد، کمتر بشمار می رود. پولس سخنران ماهری نبود (۱۱: ۶)، با فروتنی آمد (۱۱: ۷)، همیشه محتاج بود (۱۱: ۹)، هیچ منبع درآمدی نداشت (۱۲: ۱۴-۱۵). این محتوای فصل هایی می باشد که به بخشش اختصاص داده شده است. این جمع آوری هدایای مالی همچون آزمایش بود! اگر کلیسای قرنیتان سخاوتمندانه هدایای خود را برای رفع نیاز «نیازمندان، ضعیفان» می دادند، نشان می داد که قرنیتان آنان را درک کرده اند، و اگر آنها برای نیاز قحطی زدگان اندک می دادند، نشان می داد که آنان خود را هم ردیف با کسانی که همه چیز دارند، می بینند. ناگهان متوجه شدم در معرض خطر درک نادرستی از کتاب مقدس قرار گرفته ام!

بعد همه چیز یکباره فروریخت. سپس به مزامیر که در ۲ قرنیتان ۹: ۹ آمده نظر کردم - زمزموری که فکر می کردم به ما می گوید همانند خدا سخاوتمندانه هدیه دهیم و از خدا تقلید نماییم - متوجه شدم که می گوید ما همچون «مردمان عادل» باشیم. نکته پولس رسول در اینجا بخشش سخاوتمندانه نبود بلکه علامتی عادی از کسانی که پیروان خدا بودند.

در این موقع متوجه شدم که من در مشکل بزرگی گیرانده ام. هرچند که توانسته بودم رئوس مطالب عالی از کتاب مقدس برای کسری بودجه تهیه کنم که اهداف مرا کامل می کرد، اما همچون آن فرد مست به کلام خدا فقط تکیه زده بودم - از کلام بیشتر برای تکیه زدن تا روشن سازی استفاده کرده بودم.

تنها سوالی که بایستی از خودم قبل از رفتن به پشت منبر کلیسا می پرسیدم این بود که: کی اینجا رئیس؟ من؟ یا متون کتاب مقدس؟ این هفته من دستور می دهم، یا دستور می گیرم؟ آیا به کلام خدا جهت اهداف و برنامه های خود تکیه می زنم، یا تحت کلام زندگی می کنم و اجازه می دهم که روح خدا راه خود را برای روشن ساختن افراد کلیسایم باز کند؟

در تحلیل نهایی، آنچه که چالز سیمیون را مجاب ساخت تا همچون فرد بالغ جلودار او شود، باعث پیروزی من نیز گردید. «در فکرم غرور بزرگی داشتم؛ به

هیچ وجه بیشتر و یا کمتر از آنچه باور داری روح در آن متن بیان کرده، توضیح ندهم».^{۱۵}

از تجربه شخصی ام، باید بگویم که جدال درونیم همیشه با وعظ مستانه و هواداری کورکورانه از «بیان امروزی» در موعظه ام است، آنچه که فراگرفتم این است که: جماعت کلیسایم نیاز به درک «بیان امروزی» من دارد، ولی هرگز نباید به نیروی محرکه من در موعظه هایم شود. ما آزاد نیستیم که هر آنچه می خواهیم با کتاب مقدس انجام دهیم. کلام همیشه اقتدار دارد، همیشه پیروز است، همیشه.

وظیفه ما به عنوان واعظین و معلمین کتاب مقدس زیر پرتوی روشنگرای کلامی که مدتها پیش توسط روح القدس نگاشته شده قرار گیریم. امروز وظیفه ما بیان آنچه که خدا روزی بیان کرده است، نه سخنی کم و نه سخنی بیش. اگر چنین کنیم، این خداست که هنوز سخن می گوید.

موعظه «دلگرم کننده و انرژی بخش»

ما به دو نتیجه منفی هواداری کورکورانه از «بیان امروزی» در موعظه های تشریحی نظر می اندازیم. ابتدا تأثیر این رویکرد را بر واعظ و مطالعاتش بررسی کردیم. این روش تهیه موعظه باعث هدایت به سوی موعظه «امپرسیونیسم» می شود. دوم این که به نحوه تأثیر هواداری کورکورانه از «بیان امروزی» بر استفاده کتاب مقدس توسط واعظین در منبر کلیسا نظر خواهیم انداخت. فشار هفتگی برای تهیه موعظه هایی که با مردم مرتبط باشند، می تواند واعظین مست را ایجاد نماید.

حال می خواهیم واعظین را از مطالعه و کلیسایشان بیرون آورده و به جایش به مطالعه کتاب مقدس در زمان شخصی شان نگاه اندازیم. حتی در این مواقع نحوه مطالعه امروزی که برای استفاده از نقل قول هایی از کتاب مقدس می باشد، اعلام کلام خدا را ضعیف نموده است. در حقیقت اگر شما برنامه مطالعه شخصی را با هواداری

۱۵. Handley Carr Glyn Moule, Charles Simeon (London: Methuen & Co., 1892), 97.

کورکورانه از «بیان امروزی» مخلوط نمایید، من آن را موعظه «دلگرم کننده و انرژی بخش» می‌نامم.

اجازه دهید که بیشتر توضیح دهم. به واسطه مؤلف الهی، کتاب مقدس همیشه امرِ معتبر خدا و کلام وحی شده خدا می‌باشد. با این حال متاسفانه - این نکته‌ایست که می‌خواهم به آن برسیم - واعظین بطور فزاینده‌ای به قرائت درک ذهنی خود به عنوان الهام نگاه می‌کنند. بیشتر و بیشتر معلمین کتاب مقدس بیان می‌کنند که آنچه که در مطالعات رازگان خود موجب تلنگر روح آنها می‌گردد، بایستی همانی باشد که روح خدا می‌خواهد برای عموم بیان شود.

یکی از روش‌های مطالعه کتاب مقدس که قدمت تاریخی دارد و به نام «لکتیو داوینا»^{۱۶} Lectio Divina نامیده می‌شود. این روش سنتی راهبان بندیکتی از کتاب مقدس برای ترویج ارتباط با خدا که آشنایی کمتری با کتاب مقدس داشتند بود. در این دیدگاه متون کتاب مقدس را به عنوان کلمات زنده ترویج می‌دهد تا کلماتی که بایستی مورد مطالعه قرار گیرند. اشکال سنتی این تمرین، شامل چهار مرحله در مطالعه شخصی می‌باشد: ۱- قرائت کلام ۲- تفکر و تأمل روحانی (پس ساختن افکار با کلام خدا، معنی و مفهوم کلام را پیدا کردن با استفاده از قوانین علم تفسیر. مترجم)، ۳- دعا کردن، و ۴- تعمق کردن^{۱۷} (تمرکز بر شخص و عملکردهای او دارد، کلام چگونه در زندگی ما باید پیاده شود. از چه اطاعت کنیم، به چه گناهی اعتراف کنیم و ... مترجم). شما با قرائت ساده‌ای از کلام قلب خود را آرام می‌سازید. سپس بر روی واژه و یا عبارتی در متن انتخابی فکر می‌کنید، و با این کار عمداً از آنچه ممکن است یک روند «تحلیلی» تلقی شود جلوگیری می‌کنید. در حقیقت هدف این است که روح خدا شما را روشن سازد تا معنی و مفهوم متن را کسب کنید. صبر می‌کنید تا عیسی حاضر شود. زمانی که شما کلمات را دریافت کردید، به دعا می‌روید. بعد از دعا که با خدا گفتگو می‌کنید، خدا توسط کلامش با شما سخن می‌نماید و شخص با

۱۶. Lectio Divina واژه لاتینی به معنی قرائت الهی

۱۷. 1-Reading, 2-Meditating, 3-Praying, 4-Contemplating

دعا کردن با خدا صحبت می‌کند. در نهایت این نوع دعا به دعای تعمق و تفکر تبدیل می‌شود و به ما توانایی درک عمیق‌تر از حقایق الهیات می‌دهد.

به نظر می‌رسد که این روش قابل ستایش است. کتاب مقدس را تضمین می‌کند: «اما خدا آنها را به روح خود بر ما کشف نموده است، زیرا که روح همه چیز حتی عمق‌های خدا را نیز تفحص می‌کند» (۱ قرن‌تیا ۲: ۱۰). برای لحظه‌ای آنچه پولس رسول در اینجا می‌فرماید را کنار بگذارید، در روش مطالعه «لکتیو داوینا» از روش روحانی استفاده می‌کند و مخالف مطالعه سیستماتیک می‌باشد. الهام و یا هدایت روح را بر تحقیق جایگزین می‌کند. روحیه و احساسات را بر پرسش متداول منطقی ترجیح می‌دهد. روح شما را با روح القدس یکسان می‌گرداند.

پیروی کورکورانه از «بیان امروزی» علاقه‌مند به این روش است! آنچه که امروزه مردم بیش از هر چیز دیگری می‌خواهند «کلامی تازه» از خداست^{۱۸}. چیزی از روح او زندگی روحانی ضعیف ما را تغذیه می‌کند.

در حالی که «لکتیو داوینا» از لحاظ تاریخی، نوعی تفسیر کلیسای کاتولیک روم می‌باشد، اما در سالهای اخیر، به خصوص در میان پروتستان‌های انجیلی تجدید حیات یافته است. این روش مطالعه با این نام معرفی نمی‌شود، و بطور چشمگیری واعظین جوان بسیاری با همین روش تربیت می‌شوند. به آنها گفته شده تا کلام را در زارگاهان شخصی قرائت نمایند، تفکر کنند، منتظر روح القدس مانده تا با آنها صحبت کند. شما می‌توانید خاطر جمع باشید که آنچه خدا از آیات کتاب مقدس در هنگام تعمق در دل شما جای می‌نهد، خدا قادر است از همان در زندگی دیگران استفاده نماید. بنابراین، «آن را موعظه کن! حتماً دیگران را دلگرم کرده و انرژی می‌بخشد».

اجازه دهید نمونه‌ای از تقویم‌های مسیحی که با آیات مزین شده، استفاده کنیم، فیلیپیان ۴: ۱۳ «قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می‌بخشد».

چطور درباره این آیه گفتگو نماییم؟ به شخصه آن را به نحوی که پولس برایمان نگاشته است، می‌خوانیم. بعد می‌گوییم، «هر چیز» یعنی «همه چیز». به این نکته فکر

۱۸. در بعضی از کلیساها آن را نبوت از طرف خدا می‌دادند. ناشر

می‌کنیم که هر چیز به همه چیز اشاره دارد. وقتی ما با مشکلات مواجه هستیم، خدا به ما قوت می‌بخشد تا بر آن غلبه یابیم. آیا در محل کارم به این حمایت احتیاج ندارم؟ خدا به من قوت می‌بخشد. آیا در بیست ثانیه آخر مسابقه به شوتی با امتیاز محتاج نیستیم؟ خدا قوت می‌بخشد. چه آیه الهام بخشی! مناسب برای تمام لحظاتی که ما نیازمند موفقیت می‌باشیم. از آن جهت که ما این آیه را در هنگام قرائت راز گاهان درک کرده‌ایم، پس ما را وسوسه می‌کند که آن را به پشت منبر کلیسا برده و مطلب را به همین نحو موعظه نماییم.

مشکل اینجاست که اگر کمی عمیق‌تر جلو رویم، متوجه خواهیم شد که پولس رسول درباره «هر چیزی» سخن نمی‌گوید. اگر آیات بالاتر و یا پایین‌تر آن را قرائت کنیم، متوجه می‌شویم که این بخشی از گفتگوی پولس درباره جفا و سختی در زندان است. او درباره ادامه حیات (زنده ماندن) صحبت می‌کند. او درباره حمایت در کار و یا ضربه آخر مسابقه صحبت نمی‌کند بلکه تحمل سختی‌ها برای پیشبرد انجیل سخن می‌گوید (فلیپیان ۱: ۱۲). کار سختی نیست که فقط با خواندن دو سه آیه در لحظه‌ای تمام آنچه که الهام بخش بوده و در قرائت راز گاهان خود بدست آوردیم را از دست دهیم.

این نوع از موعظه‌های «دلگرم کننده و انرژی بخش» بازی خطرناکی با کلام است. چرا که تماماً بر اساس علایق شخصی می‌باشد. زمانی که کار سخت و دشوار را برای درک کلماتی که روخ خدا به ما داده است را متوقف می‌سازیم و صرفاً با «منظور روح» کار می‌کنیم، این سخن ماست که تبدیل به اقتدار نهایی می‌شود. به تدریج ما «حقیق» و «توصیه»‌هایی ارائه می‌دهیم که از نظر کتاب مقدس غیرقابل تحقق و غیرقابل پشتیبانی هستند. شاید به دلایل خوبی این کار را انجام دهیم، مانند حس سلامتی اخلاقی اعضای کلیسایمان و یا تمایل واقعی برای تجدید دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم. اما با تمام این‌ها ما کار خود را در خارج از محیط «راست دینی» شروع کرده‌ایم. ما عبارت «خداوند چنین می‌گوید» را با «من چنین می‌گویم» اشتباه می‌گیریم. به اعضای کلیسا می‌گوییم به جای کلام خدا، به من اطمینان کنید.

احتمالاً وقتی صحبت از کتاب مقدس به میان آید، من و شما به چنین نظریه‌ای پایبند نیستیم. با این حال ناخودآگاهانه در حین انجام مطالعه، گویا پایبند آن هستیم.

اما چگونه؟ بسیاری از واعظین، بویژه واعظین جوان اول به سراغ آیات کلام برای تقدیس و رشد روحانی خود می‌روند که ذاتاً عمل بدی نیست و موعظه‌هایی بر اساس قرائت در زمان رازگهان نیز عمل بدی نیست. در نهایت همه ما بایستی به شباهت مسیح طبق کلام خدا در آییم. مشکل در اینجا است که ما به راحتی و سوسه می‌شویم که آنگونه که روح ما را توسط کلام تحت تأثیر خود قرار داده، همانگونه روح بایستی اعضای کلیسایمان را تحت تأثیر خود قرار دهد. به این ترتیب این موعظه «امپرسیونی» می‌باشد، که البته لباس تقدس به جای لباس کاربردی عملی تن کرده‌است.

جهت اجتناب از هرگونه سردرگمی، من نمی‌گویم که روح در موعظه‌های تشریحی نقشی ندارد. چنین بیانی اشتباه محض است. در حالیکه انسان‌ها با موعظه‌های تشریحی دگرگون می‌شوند و به بلوغ روحانی می‌رسند، کلام انجیل بایستی با کار روح پیوند بخورد تا شخص را متقاعد به گناه خودش سازد، احیایش سازد، به توبه و ایمان وادارش کند و استقامت و پایداری در زندگی‌اش بیاورد. به عبارتی دیگر، «نه کارنده چیزی است و نه آب دهنده بلکه خدای رویاننده.» (اول قرنیان ۳: ۷).

همانگونه که مشخص شد، این همکاری «اخیر» بین قرائت نیایشی از کتاب مقدس و موعظه - بویژه جذابیت آن برای تمایل به «بیان امروزی» جهت روحانی بودن آن‌چنان که فکر می‌کردیم ایده جدیدی نیست. یک نسخه از این نوع برداشت در میان الاهدانی مانند کارل بارت Karl Barth و «نهضت راست دینی نوین»^{۱۹} اوایل قرن بیستم وجود دارد. این منتقد تاریخی «مکتب نقد بالا»^{۲۰} آلمانی به تصور خود «ثابت» کرد که کتاب مقدس تحریف شده است. و چون متون کتاب مقدس تحریف شده است، بنابراین خوانندگان کتاب مقدس قادر نیستند به طور حقیقی به مقصود نویسنده دست یابند. دیدگاه بارت و «نهضت راست دینی نوین» دیدگاه مکتب نقد بالایی از کلام خدا دارند، اما در برخی موارد در الهام «کلام شفاهی» هم نظر می‌باشند. بنابراین

۱۹. Neoorthodox movement

۲۰. Higher critics این نوع نقد بر اسناد و مدارک تاریخی توجه دارد و نقد پایینی Lower critics بر معانی مطالعه نسخه‌های و متون کتاب مقدس تمرکز دارند.

از دید «نهضت راست دینی نوین» بیان عبارت: «این کلام خداست»^{۲۱} دیگر قابل حمایت نیست. در عوض خواننده ممکن است چیزی شبیه این بگوید: «به سخنان خداوند گوش فرا دهید». فرض بر این است که فقط روح خدا باقی مانده است، بنابراین بهتر است به کسی گوش فرا دهیم که از او شنیده باشد.

فقط یک نسل بعد بود که عده‌ای نیز در درون گروه‌های انجیلی فراتر از بارت برای موعظه‌های «دلگرم کننده و انرژی بخش» یا روح-محور رفتند. به این ترتیب آیا می‌توان به ما اعتماد کرد؟ روح القدس بدون شک قابل اعتماد است و می‌تواند به طور معجزه‌آسایی قصد خود را در باطن ما پیوند دهد. اما آیا چنین احتمالی ما را از انجام کارهای سخت تفسیری خلاص می‌کند؟ چرا او در درجه اول زحمت وحی کتاب مقدس را به خود گرفت؟ آیا این امکان وجود ندارد که روح خدا از طریق تحقیق و تفکر روحانی کار کند؟ آیا با دنبال کردن چنین رویکرد ذهنی در تفسیر به عنوان موعظه «دلگرم کننده و انرژی بخش»، آیا ما در معرض این خطر قرار نمی‌گیریم که آنچه را که خدا در کلامش برای منافع موعظه کردن ما بوده را نادیده بگیریم؟ آیا ما خود را با روح این دوران (که ما لزوماً جزئی از آن هستیم) مطابقت نمی‌دهیم تا به عمق کلام او؟

قبل از ادامه دادن بهتر است همه چیز را کنار هم بگذاریم

هواداری کورکورانه از «بیان امروزی» موضوعی بسیار جدی برای واعظین می‌باشد. ما را وسوسه می‌کند که بدون تفسیر و درک آن به دنبال ارتباط آن با زندگی کنونی خود باشیم. و نتیجه این دنباله روی موجب سطحی کار کردن با متون خواهد شد. در این فصل ما به این مشکل از سه زاویه مختلف نظر انداختیم. در ابتدا ما آنچه که در مطالعه واعظین رخ می‌دهد را تشریح کردیم، که چگونه زمینه فرهنگی به جای تأیید موعظه آن را هدایت می‌کند. که نتیجه آن در بهترین حالت جابه جایی واقعیت کلام خدا با امپرسیونیستی می‌باشد. دوم گاهی تمایل ما برای هواداری

۲۱. بسیاری از کلیساها قاری در پایان قرائت کتاب مقدس می‌گویند: این است کلام خدا. و گاهی قبل از قرائت می‌گویند: کلام خدا چنین می‌فرماید. از دیدگاه این عده گفتن چنین عبارتی فاقد اعتبار است.

کورکورانه از «بیان امروزی» انجیل باعث قصور از استفاده صحیح از کتاب مقدس در منبر کلیسا شود. تعداد بسیاری از ما به عملکرد و مفهوم تصوراتمان وابسته هستیم، تصویری که می‌دانیم اعضای کلیسایمان به شنیدن چه موضوع‌هایی نیازمند هستند. هرگاه چنین می‌کنیم ما از موعظه مستانه سرخوش می‌شویم. سوم این که هواداری کورکورانه واعظ را بیشتر به مطالعه نیایشی شخصی مرتبط می‌سازد. واعظین چیزی «جدید» و «روحانی» می‌خواهند. سپس ما تجربه روحانی و یا حس جدید خود را به عنوان پیغام خدا ارائه می‌دهیم و نتیجه آن موعظه «دلگرم کننده و انرژی بخش» به جای موعظه تشریحی را می‌گیرد.

ما حق سوال کردن داریم: آیا راهی ساده‌ای برای بیان این که کجا تمایل ما به



«بیان امروزی» به اشتباه می‌رود، وجود دارد؟ فکر می‌کنم راهی وجود دارد.

سمت راست این نمودار نمایشگر مسئولیت واعظ با محتوای کلام خداست: درست درک کنیم. این بخش اساسی وظیفه ماست. همه ما مایلیم که وفادار باشیم. کتاب مقدس کلام خدای زنده را به ما می‌بخشد. سمت چپ نمودار جهت دیگری از مسئولیت ما را بیان می‌کند: به دیگران انتقال دهیم. این بخش اساسی می‌باشد. چه کسی از ما نمی‌خواهد که پر ثمر باشد؟ هر هفته واعظ ما بین این دو وظیفه ایستاده است. هر دو بخش برای جلب توجه با او کلنجار می‌روند و او را تحت فشار قرار می‌دهند. نه همیشه بلکه گاهی نگرانی واعظ بر این است که تعهد کامل به یکی، باعث ترک و رها کردن دیگری می‌شود.

نتیجه این خواهد بود که واعظ به خود می‌گوید: اگر وقت مطالعه بیشتری برای درست درک کردن صرف کنم، متأسفانه ممکن است موعظه خیلی سنگین و یا بیش از حد روشنفکرانه باشد و نتوانم بر زندگی مردم تأثیر بگذارم. غیر از این نمی‌خواهم به عنوان واعظ خوش‌بین شناخته شوم، یعنی هویت خود را به عنوان واعظ پر از روح از دست دهم. آیا مسئولیت ندارم که نه فقط با ذهن آنان بلکه با قلب مردم سخن

بگویم؟ پیغام باید اعتبار داشته باشد. دیگر نمی‌خواهم واعظی باشم که فقط راجع به امورات روحانی گفتگو می‌کند. منظورم این است که راست دینی مهم است، اما بدون «بیان امروزی» که مرا در کارم هدایت می‌کند، نخواهم توانست به «راست دینی اخلاقی»^{۲۲} Orthopraxis برسیم. می‌دانم که از متن کتاب مقدس سخن می‌گویم، اما در پایان من به جهت تأثیر در زندگی دیگران اینجا هستم.

هرگاه این استدلال در قلب و فکر آنانی که به موعظه کلام خوانده شده‌اند خطور کند - درست درک کنیم و درست انتقال دهیم، طرحی غیر ممکن است. - مطمئن باشید که هواداری کورکورانه از «بیان امروزی» در فاصله نه چندان دور، با امپرسوناسیم، مستی و «دلگرم‌کننده و انرژی بخش» در کمین نشسته است تا سکان هدایت موعظه را به دست گیرد.

البته دو تعهد به «درست درک کردن و درست انتقال دادن» طرحی غیر ممکن نیست. چالز سیمین و دیگر واعظین تشریحی دیگری که می‌شناسم راهکاری برای حفظ هر دو موضوع یافته‌اند. امید من این است که در سه فصل آینده بتوانم روشی برای آماده کردن موعظه نشان دهم که شما را قادر سازد تا با وفاداری و ثمرات فراوان از تشریح کتاب مقدس، دو مورد ذکر شده را بکار گیرید.

۲۲. Orthopraxis واژه‌ای یونانی به معنی مطالعه دین و رفتار صحیح، هم اخلاق و هم نیايش. این واژه مخالف با ایمان و فیض می‌باشد.

تفسیر و تشریح

در پایان فصل اول چنین نتیجه گیری کردیم که هم می توان « کتاب مقدس را صحیح درک کرد» و هم می توان « آن را به دیگران انتقال داد». لازم نیست بین این دو یکی را انتخاب کنیم. هر دو امکان پذیرند و می توانند به خوبی انجام بگیرند.

اما چگونه این امر ممکن است؟ چگونه می توانیم پیامی آماده کنیم که هم مطابق کتاب مقدس باشد و هم برای امروز کاربرد داشته باشد؟ چگونه می توانیم در عین حال که از تمایل خود برای هواداری کورکورانه « بیان امروزی» انجیل خودداری می کنیم، این چنین کنیم؟

برای این منظور راهی وجود دارد و به نظر می رسد که مفسران (تشریح کنندگان) خوب همین روش را برمی گزینند. در این رابطه، در سه بند زیر یک فرایند سه بخشی مشخص شده است که این روش را دنبال می کند: (۱) تفسیر و تشریح؛ (۲) بازتاب الهیاتی؛ و (۳) کاربرد آن برای امروز.

اولویت ها را حفظ کنیم

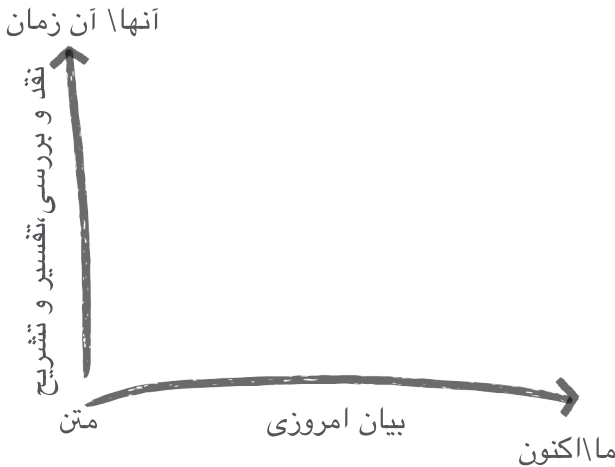
تمام موعظه ها باید با تفسیر و تشریح شروع شوند. به بیان دیگر باید مفهوم امروزی کلام، تأمل الهیاتی و همه موضوعات امروزی در انتظار می مانند، زیرا باید به روند آماده سازی که باعث قرار گرفتن اولویت های نخست در جایگاه نخست است پایبند باشیم. منظور من این است که واعظی که وفادار به کلام خدا باشد، فرآیند آماده کردن موعظه خود را با توجه به شنوندگان و خوانندگان نخستین کتاب مقدس و اهدافی که متن برای ایشان در نظر داشته است آغاز می کند. او در این سه روش متفاوت همواره نخستین شنوندگان را در نظر می گیرد. به نوعی:

۱. در زمینه و چارچوب کتاب مقدس به معنای متن بپردازد و نه در چارچوب ساخته و پرداخته خود.

۲. مشتاقانه کلام را بررسی کند تا مطمئن شوید چگونه متن مورد نظر با پیام کلی کتاب هماهنگی دارد.

۳. ساختار و تأکید متن را در نظر بگیرد.

آیا متوجه شدید که در فهرست بالا، هیچ اشاره‌ای به «بیان امروزی» کلام خدا نشده است؟ همانطور که در فصل چهار خواهیم دید، «بیان امروزی» کلام یا کاربرد کلام خدا برای زمان حاضر اهمیت دارد، اما مفسران خوب کتاب مقدس، خود را به گونه‌ای تمرین می‌دهند که تا رسیدن به مراحل پایانی در این روند، دست به این کار نزنند.



تفسیر کلام به «بیان امروزی» می‌تواند شریک خوبی برای ما باشد، اما کارفرمای بدی است. اگر این کار را پیش از آن که گام‌های تفسیر را آغاز کنید انجام بدهید، مشکلات به سرعت پدیدار خواهند گردید. مشکل اینجاست که بسیاری از ما تفسیر و

تشریح کلام را در پایان کار خود انجام می‌دهیم و تمرکز خود را بر فرهنگ و توانایی خود در ارتباط با آن قرار می‌دهیم.

بنابراین برای بسیاری از ما، بزرگترین چالش این خواهد بود که روال را تغییر بدهیم، یعنی جای آنچه را که نخست آمده است، عوض کنیم. نخستین گام در جهت موعظه تشریحی این است که «بیان امروزی» را به عنوان شریک و همراه نزدیک به خود در نظر بگیرید که شما را هدایت می‌کند. به نحوی دیگر نمی‌توان این کار را انجام داد. من هنوز هم روزی را که دوزاری ام افتاد و فهمیدم باید روال کار را تغییر بدهم، به خاطر دارم.

روزی که شروع به درک موضوع کردم

هنگامی که دوستم شبان استیو بیکی Steve Bickley مرا به آقای دیک لوکاس Dick Lucas معرفی کرد، بیست و نه ساله بودم. لوکاس اکنون کشیش بازنشسته کلیسای هلن بیشاپس گیت لندن Helen's Bishopsgate است. بیکی قرار ی را ترتیب داده بود که لوکاس یک روز را با ما (تیم شبانی کلیسای کالج تحت نظر کنت هیوز Kent Hughes) بگذراند. شاید آن روز فهمیدم که واقعاً نمی‌دانستم چه می‌کنم.

بطور خلاصه بگویم که خدا لوکاس را بکار برد تا روش مرسوم تهیه موعظه را در بین ما به چالش بکشد. در عرض دو ساعت که به سرعت نیز سپری شد، قسمت آشنای اول قرن‌تین فصل ۱۳ را با هم بررسی کردیم. هنگامی که کارش با ما تمام شد، روش تهیه کردن موعظه‌مان جهت تازه‌ای پیدا کرده بود. او باعث شد که ما خط مشی بهتری بیاموزیم، که تا به امروز نیز راهنمای من بوده است.

کاری که او کرد از این قرار بود که نخست از ما خواست اولویت‌بندی را رعایت کنیم. این کار از آنچه من تصور می‌کردم دشوارتر بود. من همواره ۱ قرن‌تین ۱۳ را در چارچوب موضوع «محبت کردن» و تنها در مراسم عروسی شنیده بودم که در آن واعظ با توجه به پدیده شادی بخشی که پیش رو داشتیم به متن نزدیک می‌شد. موضوع روز عروسی تشویق کردن و جشن گرفتن است و من نیز موعظه‌هایی که بر اساس این قسمت از کلام شنیده بودم به همین ترتیب و در چارچوب این احساسات تهیه شده بودند. به بیان دیگر، شنوندگانی که در برابر واعظ قرار دارند موضوع را

تعیین می‌کنند و هیچ توجهی به شنوندگان نخستینی که رساله برای آنها نوشته شده بود نمی‌شود.

دومین کاری که لوکاس انجام داد این بود که از ما خواست تا زمانی را برای بررسی دقیق متن بگذاریم و برای لحظه‌ای قضاوت درباره‌ی این که این متن چه معانی دارد یا این که چه کاربردی برای امروز ما دارد کنار بگذاریم و در عوض این فصل را در چارچوب ادبیاتی خود در نظر بگیریم. وقتی این کار را کردیم، دیدیم که ۱ قرنیتان ۱۳ میان دو فصلی قرار دارد که درباره‌ی هدایای روحانی و به ویژه درباره‌ی رابطه‌ی عطایا و بلوغ روحانی است (۱:۱۲ و ۹ و ۲۸ و ۳۰ و ۳۱؛ ۱:۱۴ و ۳۷).

سومین کار لوکاس این بود که از ما خواست تا واژه‌هایی را که بیشتر برای عطایا و بلوغ روحانی در این رساله آمده بود پیدا کنیم. او از ما خواست آنقدر با اشتیاق گوش بدهیم تا بدانیم آیا متنی که ما تهیه می‌کنیم با پیام کلی کتاب همخوانی دارد. این بررسی ما را متوجه ۱:۴-۷ ساخت، جایی که پولس قرنیتان را جمعی پر از عطایا می‌نامد. در واقع، آنها از هر نظر غنی بودند و همه نوع عطایی در میان خود داشتند. اما در ۱:۳، این جماعت غنی از عطایا را به باد انتقاد می‌گیرد که باید از نظر روحانی بالغ باشند. او حتی ایشان را از لحاظ روحانی نوزاد می‌نامد (آیه ۱-۲).

ما تازه متوجه شدیم که بعضی‌ها در قرنیتس رابطه‌ی میان عطایا و بلوغ را درک نکرده بودند. آنها فکر می‌کردند که بعضی عطایای خاص (در این مورد عطای «زبانها») به نفع بلوغ روحانی ایشان می‌باشد. حال دیگر ذهن‌هایمان به کار افتاده بود. پولس در فصل ۱۳، واقعاً درباره‌ی محبت چه می‌گوید؟ آیا ایشان را بخاطر کم بودن محبتشان سرزنش می‌کند؟ آیا نخستین مقصود «فصل محبت» بیشتر تصحیح افکار قرنیتان نبوده است تا تشویق ایشان (در زیر پوشش حالتی احساساتی)؟

چهارمین کار «لوکاس» این بود که به ما نشان دهد که چگونه تمام کتاب با موضوع فصل ۱۳ در هم آمیخته است. این آیه از فصل ۱۳ را در نظر بگیرید: «محبت فخر نمی‌فروشد». آیا این مفهوم را بیشتر در این رساله ندیده‌ایم؟ البته، پولس بیشتر در فصل ۵ آیه ۲ می‌فرماید: «شما افتخار می‌کنید!» و در اینجا پولس این جمله را به نشانه‌ی تعریف به قرنیتان نمی‌گوید.

سپس «لوکاس» دست نگه داشت و به ما فرصت داد تا موضوع را خوب درک کنیم. آنچه دریافتیم این بود که این فصل احتمالاً رویداد تکان دهنده‌ای در جماعت قرنیتان بوده است. پولس با تأکید دربارهٔ محبت سخن می‌گوید، چون محبت همان چیزی بود که قرنیتان کم داشتند! شاید آنها گروهی از ایمانداران با عطایای فراوان بودند، اما از نظر روحانی هنوز شیرخواره بودند. پولس از آنها می‌خواست که رشد کنند، و مانند او انسانی باشند که محبت دارد که این از نظر او «بالغ شدن» بود.

ما توانستیم به قرنتس برویم و با نخستین مخاطبان آن همراه بشویم و عجیب آنکه بیش از پیش برای موعظه کردن پیامی مناسب در شیکاگو آماده شده بودیم.

من، همانجا و همان لحظه موضوع دستگیرم شد. عناصر مورد نیاز یک موعظه تشریحی را می‌دانستم. خدا بطرز قدرتمندی از آن روز استفاده کرد تا موعظه آماده کردن ما را تصحیح کند. همهٔ ما پس از آن تجربه تغییر کردیم. برای کلام خدا اشتیاقی تازه و برای آنکه تشریح کنندهٔ کتب مقدس بشویم، تعهدی تازه پیدا کردیم.

هنگامی که نخستین شنوندگان یا شنوندگان اصلی را در جای نخست مد نظر بگیرید، همه چیز را با دید متفاوتی می‌بینید. بگذارید در رابطه با این موضوع، از تلسکوپ برایتان مثالی بیاورم. تلسکوپ به ما این امکان را می‌بخشد که تا دور دستهای آسمان را ببینیم. گالیله از یک تلسکوپ استفاده کرد تا دهانهٔ کوههای ماه و میلیونها یا بیلیونها ستارهٔ شناور در کهکشان راه شیری را ببیند و به این ترتیب تلسکوپها مشهور شدند. فکری که در پشت یک اختراع وجود دارد، ساده است؛ به دو عدد لنز نیاز دارید که یکی بزرگتر از دیگری است و با یک استوانهٔ کشویی بهم وصل می‌شوند. لنز بزرگتر انحنایی دارد که دارای قابلیت بزرگنمایی تصاویر می‌باشد. لنز کوچکتر یک چشمی دارد که به بیننده این امکان می‌دهد که اجسام را از فاصلهٔ نزدیکتری ببیند. اگر از تلسکوپ به درستی استفاده کنید، چیزهایی باورنکردنی کشف خواهید کرد. اما اگر تلسکوپ را درست بکار نگیرید، ناگهان اجسام از شکل طبیعی خود خارج می‌شوند، روی آنها زوم (متمرکز) نمی‌شود و کوچک دیده می‌شوند. بدین ترتیب زیبایی و شکل اجسام از بین خواهد رفت.



در فرایند آماده کردن موعظه نیز همین منوال می‌تواند پیش بیاید. اگر می‌خواهید کتاب مقدس را به خوبی تشریح کنید، باید به یک انضباط تن بدهید و شنوندگان نخستین را در نظر بگیرید. این امر باعث خواهد شد که شکل متن از حالت طبیعی خود خارج نشود و به شما کمک خواهد کرد که آنچه را روح القدس برای جماعت کلیسایی شما در نظر دارد ببینید.

دامنه این موضوع بیشتر از آنی است که فکر می‌کنیم. من باور ندارم که بتوانم خود به تنهایی کلام را تفسیر و تشریح کنم. بنابراین، هر بار که می‌خواهم کلام را بخوانم، ابتدا دعا می‌کنم. زیرا در همان حال که معانی عادی و پیش پا افتاده‌ای وجود دارند، به کمک غیر عادی و فوق‌العاده روح القدس نیز نیاز دارم. شما نیز باید بدانید که اگرچه من مفاهیمی عملی برای مطالعه شخصی با شما در میان می‌گذارم، اما لطف و فیض روح القدس باعث می‌شود که کلام را درک کنید.

۱. کنترل را به دست زمینه (محتوای) کتاب مقدس بدهید

برای اجرای عملی آنچه در بالا گفته شد، فکر می‌کنم این که به دو روش به زمینه نگاه کنیم کمک کننده است: زمینه ادبی و زمینه تاریخی. این دو بهم مرتبط هستند و اغلب مفاهیم را همپوشانی می‌کنند، اما ارزش آن را دارد که تفاوت بین آنها را بدانیم. زمینه تاریخی به شرایط و موقعیت‌ها مربوط می‌شود که مفهوم متن را می‌رساند و شما را و می‌دارد تا فرهنگ باستان را بشناسید. شاید لازم باشد بر دانش خود درباره تاریخ کتاب مقدس بیفزایید، یا شاید کل کتاب را طوری مطالعه کنید که بتوانید موقعیتی را که شنوندگان نخستینش با آن روبرو بودند تحلیل کنید.

از طرف دیگر، زمینه ادبی همان متن پیرامون متن شما است. لحن نویسنده یا روش ویرایش نیز در نظر گرفته می‌شود و این پرسش را مطرح می‌کند که چرا او کتابش را به این روش نگاشته است. آیه‌ها و فصل‌هایی از کتاب مقدس که مقدم بر

بقیه آیات هستند و در امتداد متن می آیند، باعث روان بودن یا شکل دادن به آن می شوند و به ما کمک می کنند تا مفهوم متن را دریابیم.^{۲۳}

بیاید به نمونه‌ای نگاه کنیم که نشان می دهد چگونه مفهوم یک متن باید توسط محتوا یا زمینه خود آن متن مورد نظارت قرار بگیرد. در دوم قرن‌تین ۱۴-۱۵ می خوانیم:

«زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مروید، زیرا پارسایی و شرارت را چه پیوندی است و نور و ظلمت را چه رفاقتی؟ مسیح و بلیعال را چه توافقی است و مومن و بی ایمان را چه شباهتی؟»

زمانی ممکن بود که من نیز از این متن برای اعضای کلیسای پیامی درباره ازدواج یا گزینش شریک کاری شان آماده کنم.

مشکل اینجا است که اگر کمی عمیق تر در زمینه تاریخی این بخش از کلام کند و کاو کنیم، خواهیم دید که نویسنده مستقیم خطاب به ما صحبت نمی کند. روی سخن پولس عادت قرن‌تین به حفظ محبوبیت و معلمان مغروری است که طوری خدمت می کردند که از جفا دیدن یا از پرداخت هر بهایی معاف باشند. این «آبر و اعظان» مردم را از انجیل و از پولس دور ساخته بودند و پولس می خواست که آنها باز گردند! او می خواست که آنها زیر یوغ او بروند. این گفتاری تاریخی است، بنابراین، برداشت ما از این متن باید در گرو دل نگرانی پولس در رابطه با وصلت ما با معلمان دروغین باشد. در جای نخست، این متن هیچ ارتباطی با این که شما با چه کسی ازدواج می کنید یا شریک کاری تان کیست ندارد.

۲۳. این که چگونه میان متن تاریخی و ادبی تعادل را برقرار کنید و چه پرسش‌هایی را از متن پیش بکشید تا اندازه‌ای بستگی به کتابی دارد که موعظه می کنید. برای مثال، در یک رساله می خواهید درباره موقعیت تاریخی کلیسا یا فردی را که رساله خطاب به او نوشته شده است بدانید. اما شاید اناجیل را به این سبک نخوانید. اگر هدف از نگاشته شدن اناجیل این بوده است که در سرتاسر جهان پخش شوند، آن وقت نخستین شنوندگان تاریخی نسبت به زمینه ادبی و این که چگونه مبشر انجیل خود را نوشته است اهمیت کمتری پیدا می کنند. درباره مخاطبان اناجیل به اناجیل برای همه مسیحیان (Grand Rapids, MI: Eerdmans, 1998) ویرایش ریچارد بوکهام نگاه کنید.

تنها زمینه ادبی این آیات این مسئله را تأیید می‌کنند. در آیه‌های پیشین، پولس به قرنتیان می‌گوید که حتی زمانی که آنها دلشان را بر روی پولس بسته بودند، او دل خود را بر روی ایشان گشوده بوده است. او خواهش می‌کند که: «شما نیز دل خود را بگشایید» (۶: ۱۳)، که درخواستی است دال بر این که زیر یوغ او بروند. در آیه (۷: ۲) نیز دوباره این درخواست را تکرار می‌کند: «ما را در دل خود جای دهید».

دانستن زمینه تاریخی و ادبی همه چیز را برای شما تحت الشعاع قرار می‌دهد. مفسران و تشریح کنندگان خوب کتاب مقدس می‌گذارند که این زمینه‌ها مفهوم متن را بسازند. بنابراین، نخستین کاری که شما باید بکنید این است که آیه‌ها و فصول پس و پیش از قسمت مورد نظر را بخوانید و در آن رابطه پرسشهای متفاوتی از خود پرسید. چرا این متن در این قسمت از کلام آمده است؟ چگونه این بخش با بقیه قسمتها سازگاری دارد؟ بر اساس ژانر (سبک) ادبی آن نخستین شنوندگان یا نخستین خوانندگان آن در چه شرایطی این پیام را دریافت کرده‌اند؟

۲. گوش سپردن به ملودی اصلی

در ابتدای این مقاله به سه روش کاربردی رعایت اولویت‌بندیها اشاره کردم. نگاهی به گام نخست انداختیم (زمینه کتاب مقدسی بر متن نظارت داشته باشد)، اینک بیایید به دومین گام نگاه کنیم: تا زمانی که به همخوانی متن با پیام سراسری کتاب پی نبرده‌ایم، به خواندن و بررسی متن ادامه دهیم.

معمولاً بهترین واعظان بهترین شنوندگان هستند. آنها همه مطالعه‌های خویش را بر پایه گوشه‌هایی که مشتاق شنیدن هستند بنا می‌کنند. اگر ما نیز واعظ و سخنران هستیم، پس بهتر است بیاموزیم که همانطور که از فرمان برای تفسیر و تشریح کلام استفاده می‌کنیم، گوشه‌های خود را نیز به کار گیریم! همه مفسران و تشریح کنندگان خیلی خوبی که می‌شناسم، با گوش دادن به چیزهای منحصر به فردی که خدا در کتاب مقدس می‌گوید، تفسیر و توضیح خود را ارائه می‌دهند. سالها پیش «دیک لوکاس» Dick Lucas اصول این روش را چنین بیان کرد:



ملودی اصلی توالی کوتاهی از تتهایی است که از بخش متمایزی از یک آهنگ می‌آیند. شاید بخشی از ملودی اصلی باشند که تکرار شده و رنگهای گوناگونی به خود گرفته باشند. کتاب‌های کتاب مقدس نیز به همین سان هستند. هر کتاب ملودی اصلی و جوهره‌ای دارد که نشان می‌دهد کتاب درباره چیست. سپس، هر قسمت از کتاب به نوعی در خدمت ملودی اصلی خواهد بود. شاید به ملودی اصلی به عنوان موضوعی که تار و پودش در کتاب مقدس تنیده شده است نگاه کنید، یا شاید فکر کنید که مانند میله پرده‌ای است که همه متون کتاب مقدس بر آن آویزان شده‌اند. بنابراین وقتی می‌خواهیم موعظه کنیم، باید بپرسیم که جوهره کتاب مورد نظر چیست؟ و این متن به خصوص از این کتاب چگونه مفهوم آن را می‌رساند؟

جنبه مثبت قضیه در این است که اگر ما بدانیم کُل کتاب درباره چیست، بهتر می‌توانیم از عهده بخش‌های مجزایی از آن کتاب برآیم. همچنین بهره دیگری نیز این کار دارد و آن این است که اگر ملودی اصلی را در موعظه خود بکار ببریم، اعضای کلیسایمان نیز حتی اگر موعظه‌ها را از خاطر ببرند، اما رفته رفته موضوع کتاب را می‌آموزند.

چگونه ملودی اصلی هر کتاب را پیدا کنیم؟

بگذارید بگویم که وقتی دبیرستان بودم، چگونه این کار را کردم. چندین بار از من خواسته شد که کتابی قطور یا یک رمان بخوانم. آموزگارانم گفتند که گریزی نیست و امتحان خواهیم داشت. از آنجایی که عادت داشتم خلاصه برداری کنم، درباره این که چگونه می‌توانم به سرعت نکته اصلی کتاب را بیابم، سر در آوردم. نخست، در مقدمه کتاب به دنبال پاراگرافی گشتم که اصل موضوع یا هدف از نگاشتن متن را آورده بود. سپس، فصل نخست و آخر را خواندم. در پایان به فهرست کتاب بازگشتم و بر اساس آنچه خوانده بودم، تلاش کردم تا ارتباط بین عنوان فصل‌ها را پیدا کنم.

من بطور حسی استراتژی‌های متفاوتی برای پیدا کردن جوهرهٔ یک کتاب بکار بردم: از ابتدا تا انتهای کتاب خواندن، خواندن دوبارهٔ آغاز و پایان کتاب، دنبال کردن واژه‌های مهم، مفاهیم و جمله‌هایی که تکرار شده‌اند و شکار کردن گفته‌هایی که به عمد نگاشته شده‌اند.

اینها می‌توانند به شما کمک کنند تا ملودی اصلی کتاب مقدس را نیز بیابید. چند سال پیش سود ناشی از بکارگیری این روش را در تهیهٔ موعظه دریافتیم. می‌خواستم دربارهٔ کتاب کوتاه یهودا موعظه کنم و موعظه را با چند پیام از متن این کتاب به پایان بردم و از هر لحظهٔ آن لذت بردم، اما برای پیدا کردن ملودی اصلی باید واقعاً تلاش کرد.

از شروع تا پایان کتاب

خیلی پیش از آنکه تهیهٔ سلسله موعظه‌هایی از رسالهٔ یهودا را شروع کنم، خواندن آن را به صورت از ابتدا تا انتها را در برنامهٔ مطالعهٔ شخصی‌ام گنجاندم! (خواندن یک کتاب بیست و پنج آیه‌ای سخت نیست!) به شما پیشنهاد می‌کنم که این کار را برای هر کتابی که قصد دارید موعظه کنید انجام دهید. در واقع، همیشه خوب است که آن را یکجا بخوانید. آن وقت کتاب برای شما کم کم آشنا بنظر می‌رسد. اگر با واژه‌های کتاب آشنا باشید و با دقت به آنها گوش دهید، هنگامی که می‌خواهید آن کتاب را موعظه کنید، متوجه سود این کار خواهید شد.

قسمت آغازی و پایانی را خواندن

یک آهنگساز اغلب موسیقی خود را با ملودی اصلی آغاز می‌کند و به پایان می‌برد، اگرچه ملودی اصلی را در سراسر قطعه گسترش می‌دهد. همین موضوع برای کتاب‌های کتاب مقدس نیز صدق می‌کند. وقتی فهمیدم که قرار است کتاب یهودا را موعظه کنم، زمان خود را صرف خواندن آغاز و پایان کتاب کردم. یک صدای واحد از متن پدیدار گشت: «محفوظ نگاه داشته شدن». یهودا در آیهٔ ۱ نامهٔ خود می‌گوید که برای آنهایی که «برای عیسیای مسیح محفوظ نگاه داشته شده‌اند» می‌نویسد و در آیهٔ ۲۴ می‌نویسد: «او که قادر است شما را از لغزش محفوظ نگاه

دارد». در اینجا بود که متوجه شدم که می‌توانم حدس بزنم که یهودا دربارهٔ چه چیزی صحبت می‌کند؛ او دربارهٔ محفوظ نگاه داشته شدن توسط خدا برای مسیح می‌گوید.

واژه‌ها، جمله‌ها و مفاهیمی تکرار شده‌اند

آماده بودم که در این مرحله از تفسیر و تشریح جمله با گوش دادن به محتوای رساله، برداشت شخصی‌ام را بیازمایم. آیا ایدهٔ «محفوظ نگاه داشته شدن توسط خدا برای مسیح»، در این رساله موضوع کلیدی است؟ متوجه شدم که همینطور می‌باشد. در بعضی ترجمه‌های انگلیسی عبارت «محفوظ نگاه داشته شده»، چهار بار دیگر نیز با معانی مترادف در آیه‌های ۶، ۱۳ و در شکل امری در آیهٔ ۲۱ آمده‌اند. این کشف من همانقدر که برایم هیجان‌انگیز بود، به همان اندازه نیز بکار بردن واژه‌هایی که تکرار شده‌اند ملودوی اصلی نخستین مرا به چالش کشیدند! به آن کسانی که در ابتدا و در پایان نامهٔ یهودا اشاره شده که برای مسیح نگاه داشته شده‌اند در سراسر نامه گفته شده است که خود را در محبت خدا محفوظ نگاه دارند. این در تضاد با داستان فرشتگان سقوط کرده و معلمان دروغینی است که خود را محفوظ نگاه نداشته‌اند و بنابراین برای داوری نگاه داشته شده‌اند. بنابراین اگر کسی از من می‌پرسید که یهودا در مورد چه چیزی صحبت کرده است، پاسخ می‌دادم: آنهایی که خدا برای عیسی محفوظ نگاه داشته است، مسئول هستند که خویشتن را در محبت خدا نگاه دارند.

بیان هدف

در پایان، رساله را به امید شنیدن هدف نگارش آن دوباره خواندم.^{۲۴} پیدا کردن آن مدت زیادی طول نمی‌کشد. یهودا ۳ توجه‌ام را به خود جلب کرد: «ای عزیزان، گرچه اشتیاق بسیار داشتم تا دربارهٔ نجاتی که در آن سهم هستیم به شما بنویسم، اما لازم دیدم با نوشتن این چند خط، شما را به ادامهٔ مجاهده در راه ایمانی برانگیزم که

۲۴. مقصود و هدف از نگارش رساله‌ها به اندازهٔ شکل و فرم آن دارای اهمیت می‌باشد. لوقا ۱:۱-۴ و یوحنا ۲۰:۳۰-۳۱ نیز نمونه‌های مفیدی برای بازگو کردن هدف نگارش هستند.

یکبار برای همیشه به مقدسین سپرده شده است.» این گفته به من اجازه داد تا چگونگی آهنگ صدای یهودا را بشنوم. ملودی اصلی هر چه که بوده، باید مضمون اضطرابی می‌داشته است. سلامت و تقدس کلیسا در معرض خطر بوده است!

یهودا هر چیزی به جز یک شعر الهیاتی که مضمون آن نگهداری از رابطه بین حق حاکمیت خدا و مسئولیت پذیری انسان است. خیر، این نامه مختصر و قدرتمند یک قطعه موسیقی شورانگیز است. لازم بود که ملودی اصلی من برای بار سوم شدت و حدت بیشتری داشته باشد: در زمان خطر، لازمه سلامت و تقدس کلیسا در آن است که آنانی که توسط خدا برای عیسی محفوظ نگاه داشته شده‌اند در راه ایمانشان مجاهده کنند یا بکشند تا خود را در محبت خدا نگاه دارند.

حال ملودی اصلی را یافته بودم. به علاوه در این بخش از آماده سازی موعظه‌ام، دو درس مهم آموخته بودم. اگر بدانم که چگونه پیام کلی کتاب به سراسر متن مربوط می‌شود نه تنها هر متنی را به صورت جداگانه بهتر موعظه خواهم کرد، بلکه هر استراتژی شنیداری که در آن بخش از روند تفسیر بکار رفته است سهم مهمی در درک کلی‌ام خواهد داشت. تنها یک ابزار برای کشف ملودی اصلی کتاب بسنده نخواهد کرد.

۳. به ساختار و تأکیدها نگاه کنید

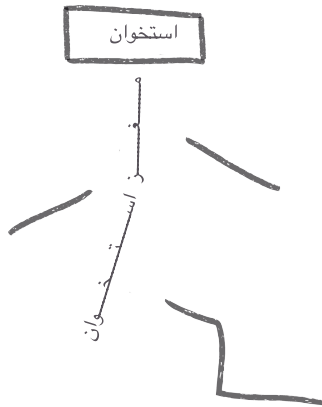
در طی آماده سازی پیام و در فاز تفسیر، علاوه بر کنترل چارچوب کتاب مقدسی و گوش سپردن به خط ملودی، مفسران کتاب مقدس یک کار دیگر نیز انجام می‌دهند. آنها تلاش می‌کنند تا اسکلت‌بندی ساختار متن را درک کنند. آنها این پرسش را پیش می‌کشند: نویسنده چگونه این متن را پدید آورده است؟ از بررسی این موضوع چه چیزی درباره تأکیدهای عمدی نویسنده آشکار می‌شود؟

مورتایمر ادلر Mortimer Adler درباره این که چگونه باید یک کتاب را خواند، می‌نویسد:

بین دو طرف جلد هر کتابی یک اسکلت‌بندی وجود دارد. کار خواننده تحلیل‌گر این است که آن را پیدا کند. کتابی که بدست شما می‌رسد کالبدی دارد که با لباس پوشیده شده است. سرتاسر وجودش

با لباس... باید کتاب را با چشمانی که مانند اشعه ایکس هست
بخوانید، زیرا بخش اصلی درک ما از هر کتابی دستیابی به ساختار آن
می‌باشد.^{۲۵}

اگر ادلر درست بگوید، بنابراین تا زمانی که ساختار اسکلت‌بندی یک متن را
دریافته باشید نمی‌توانید نکته آن را دریابید. یا به بیان دیگر، برای یک تفسیر خوب
کتاب مقدسی لازم است که خودتان استخوانها و مغز استخوانهای آن متن
کتاب مقدسی را ببینید.



و هنگامی که زمان موعظه فرا می‌رسد، می‌توانیم حتی فراتر از این هم برویم و
بگوییم:

- هر متنی ساختاری دارد.
- ساختار یک متن، تأکیدی را که در آن متن وجود دارد آشکار می‌سازد.

۲۵. Mortimer Adler and Charles Van Doren, *How to Read a Book: The Classic Guide to Intelligent Reading* (New York: Touch-stone, 1940), 75.

• موعظه من باید به درستی، به شکل و تأکید موجود در متن وفادار باشد.

این جنبه از تفسیر و تشریح ما را به مفهوم موعظه تشریحی برمی گرداند که در مقدمه درباره اش نوشتیم. موعظه توانمندی که به درستی، شکل و تأکید موجود در آن مطیع و تسلیم شکل و تأکید متن کتاب مقدس است.

مشکل بیشتر ما این است که بدون درک اسکلت بندی متن شروع به موعظه می کنیم. در نتیجه، مفهوم متن را شفاف نمی رسانی و هنگامی که موعظه مان به پایان می رسد، مردم چیزی دستگیرشان نشده است. پس چگونه به ساختار یک متن دست یابیم؟

استراتژی هایی را بکار گیرید که همیشه بکار می آیند

در تلاش برای دستیابی به ساختار متن کتاب مقدس، با استراتژی های ساده ای شروع کنید که برای هر متنی از کتاب مقدس مفید باشند.

نخست این که اگر به ترجمه تحت الفظی دسترسی دارید، به یکی از این ترجمه ها رجوع کنید. اگر بیش از یک ترجمه از کتاب مقدس در زبان شما وجود دارد، آن ترجمه ای را که از همه ادبی تر است برگزینید. ترجمه تحت اللفظی یا لغت به لغت (نسبت به ترجمه تفسیری) معمولاً تک واژه ها را پیوسته تر بیان می کند که باعث می شود استخوان بندی متن بهتر دیده شود. هیچ ترجمه ای این کار را کامل انجام نمی دهد. شاید لازم باشد که برای این منظور چندین ترجمه را بکار بگیرید. نکته ای را که گفتم فراموش نکنید. ما درباره این صحبت می کنیم که چگونه هنگامی که در خلوت خود مشغول آماده کردن موعظه یا پیغام هستیم، متمرکز پیدا کردن ساختار باشیم. اما هنگامی که زمان موعظه فرا می رسد، بنا بر دلایل بسیار بهتر است ترجمه های ادبی را کمتر بکار گیریم.

دوم آنکه، اگر این موقعیت را دارید که کتاب مقدس را به زبان اصلی مطالعه کنید، این کار را انجام دهید. ترجمه شخصی ام از کلام به من کمک کرده است. این فرایند سرعت کارم را کند می کند، اما می توانم بینم که نویسنده چه می کند و چگونه هر بخش به بخش های بزرگتر ارتباط پیدا می کند.

سوم آنکه متن را بخوانید و دوباره و دوباره به آرامی و با صدای بلند بخوانید. هر چه بیشتر برای متن وقت صرف کنید، بیشتر از آن سر در می‌آورید.

چهارم آنکه، هنگامی که می‌خوانید به دنبال واژه‌ها، عبارت‌ها و موضوع‌هایی که تکرار شده‌اند باشید. اگر هدف پیدا کردن ساختار و تأکیدها باشد، با نگاه کردن به تأکیدها، غالباً اصطلاحاتی که بکار رفته‌اند سرنخ‌های بزرگی برای یافتن تأکیدها خواهند بود.

گونه ادبی متنی را که می‌خوانید بشناسید

در حالیکه بعضی از روشها برای تفسیر کتاب مقدس کارگر هستند، اما در واقع، برای همه گونه‌های ادبی به همان شکل کاربرد ندارند. روزنامه خواندن با شعر خواندن فرق دارد. شما یک رمان را مانند دستور پخت یک خوراک نمی‌خوانید و به همین ترتیب همه کتاب‌های کتاب مقدس را نیز نباید به یک شیوه بخوانید.

در کتاب مقدس گونه‌ها یا ژانرهای ادبی متفاوتی وجود دارد: داستانی عهد عتیق، نبوتی، آخرالزمانی، نوشته‌های حکیمانه و اشعار، رساله‌ها، انجیل‌ها و اعمال رسولان. در این ژانرهای گوناگون، سه نوع متن اصلی هستند: خطابه، داستان یا روایت و شعر. به عنوان یک قاعده کلی، نمی‌توان ساختار یک مزمور (شعر) را با همان استراتژی خوانشی که برای یک انجیل (بیشتر شبیه داستان یا خطابه است) بکار می‌رود کشف کرد. دانستن این که چه روشی برای هر گونه نوشتار کارگر می‌افتد، به شما کمک خواهد کرد تا بدانید کدام وسیله برای رمزگشایی آنها بهتر است.

از نظر کلی، موعظه عنصر کلامی است. منطبق دارد و تک بعدی است. این روش را در برجسته‌ترین شکل در رساله‌ها پیدا می‌کنیم. آن را در کتاب‌های تاریخی عهد عتیق، سخنان نبوتی و کتاب‌های آخرالزمانی و نیز موعظه‌های اناجیل و کتاب اعمال نیز پیدا می‌کنیم. برای پیدا کردن ساختار یک موعظه، نوشتن متن انتخابی بدون پاراگراف‌بندی یا شماره آیه‌هایی که ویراستارها به کتاب مقدسها افزوده‌اند بر روی یک تکیه کاغذ مفید خواهد بود. من نام این کار را بیرون آوردن متن از کتاب مقدس می‌نامم. مهم است که در پی همه نکات گرامری باشیم. در پی واژه‌های تکرار شده، کلید واژه‌ها، واژه‌های سنتی، جریان اندیشه‌ها، روابط گرامری، مستقل یا وابسته بودن دسته‌ها، آیا متن برای اول شخص نوشته شده است (من) یا دوم شخص (شما) یا سوم

شخص (او)؟ آیا پرسش‌ها و جمله‌های خبری و ویژگی‌های گرامری مشابه دارد؟ شاید نامش را جمله نموداری بنامیم. اگر شما به درستی از این ابزار استفاده کنید، قاعداً باید بتوانید شکل و نیز تأکید متن را پیدا کنید.^{۲۶}

یک نوشته روایی یا داستانی یک داستان است و داستان‌ها کمابیش گرایش به ساختاری مشخص دارند. بنابراین، در همان هنگام که تمرکز کردن بر روی دستور زبان در مورد یک نامه می‌تواند کمک کننده باشد، صحنه، رئوس مطالب و شخصیتها نیز به واعظ کمک خواهند کرد تا ساختار و تأکید روایی متن را ببیند. تشخیص دادن صحنه‌های گوناگون، برای مثال جایی که گنشهای متن جا به جا می‌شوند، احتمالاً بهترین نقطه برای شروع خواهد بود. اگر متن‌های روایی طولانی‌تری را برای موعظه برگزیده‌اید، تغییراتی که در صحنه رخ می‌دهند اصول نظم حاکم بر متن را آشکار خواهند کرد. در این صحنه‌ها (و گاهی پیش و پس از آنها) می‌توانید در پی موضوع اصلی باشید:

- موقعیت: موقعیت معمولاً شامل مکان‌ها، زمان‌ها و فصل‌ها و معرفی شخصیت‌ها می‌باشد.
- جدال و کشمکش: کشمکش‌ها بخشی از داستان هستند که تنش‌های دراماتیک (نمایشی) و صحنه‌ای را فراهم می‌آورند که در آن چیزی باید حل و فصل شود. شاید خیلی روشن (مانند یک تهدید خشونت‌آمیز)، یا کاملاً نامحسوس باشد (مانند یک آشفتگی احساسی)
- نقطه اوج: اوج نقطه بازگشت به جایی است که تنش دراماتیک درهم می‌شکند.
- راه حل: راه حل نتیجه‌ای است که از نقطه اوج بدست می‌آید و نشان می‌دهد که چگونه کشمکش حل و فصل شده است.
- موقعیت تازه: موقعیت تازه بازگشت به موقعیت عادی است که طرح بعدی از آن پدیدار خواهد شد.

۲۶. Eugene Moutoux, *Drawing Sentences: A Guide to Diagramming* (Louisville: Butler Books

در تلاش برای مشخص کردن بخش‌های یک طرح، پرسش‌های مهم از این قرار هستند: در اینجا چه جدال و کشمکشی وجود دارد؟ چه چیزی سبب تنش دراماتیک می‌شود؟ نقطهٔ بازگشت کجاست؟ تنش چگونه حل شده است؟ می‌خواهم بگویم که تأکید متن در آمیزشی از نقطهٔ اوج، بخش‌هایی از کشمکش و راه حل می‌باشد.

البته، درک این که چگونه نویسندهٔ شخصیت‌ها (افرادی که در داستان هستند) را به تصویر می‌کشد نیز مهم است. توجه داشته باشید که نویسنده کدام یک از افراد را معرفی و چه زمانی این کار را می‌کند. به این که نویسنده چگونه میان این افراد پرسه می‌زند دقت کنید. اگر درک خوبی از طرح و شخصیت‌ها داشته باشید، از شکل و تأکید داستان نیز درک خوبی خواهید داشت.

شعر گونهٔ سوم است. بیشتر شعرها در کتاب مقدس در ادبیات حکمت آمیز و نبوتی عهد عتیق قرار دارند. برای پیدا کردن ساختار، شاید باید تکرار واژه‌ها یا حتی تمام بندهای شعر را در نظر بگیرید (برای نمونه، مزمو ۴۲ و ۴۳ حول آن بند نظم یافته‌اند که اینطور شروع می‌شود: «ای جان من، چرا افسرده‌ای؟»)

خطر این که تصور کنید کار را تمام کرده‌اید

بکار بردن به جای استراتژی‌های کلی و هم استراتژی‌های ویژهٔ ژانرهای ادبی شروع خوبی برای یافتن ساختار و تأکید متن مورد نظرتان می‌باشد. در تفسیر و تشریح پیدا کردن زمینه و پیام کتاب نیز به همان اندازه مهم هستند. به یاد داشته باشید که به این‌ها نیاز دارید:

۱. بگذارید زمینهٔ کتاب مقدسی بیشتر از زمینهٔ فکری شما بر مفهوم یک متن نظارت داشته باشد.

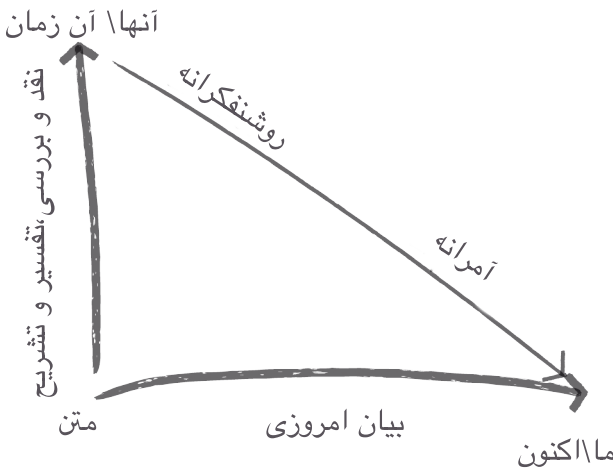
۲. تا هنگامی که متوجه بشوید که متن مورد نظر شما چگونه با همهٔ کتاب در هماهنگی است، به صورتی هدفمند متن را بخوانید و به آن گوش دهید.

۳. ساختار و تأکید متن را بیابید.

با این وجود فکر نمی‌کنم هنوز هم برای موعظه آماده باشید.

تفسیر و تشریح کردن کافی نیست. وقتی هر بخش از متن بصورت جداگانه تفسیر شود، می‌تواند باعث شود که موعظه یا بیش از حد روشنفکرانه و یا آمرانه محض از آب درآید.

موعظه زمانی روشنفکرانه می‌شود که نخستین شنوندگان متن آخرین کسانی بشوند که شما در نظر می‌گیرید. این اتفاق آن هنگام رخ می‌دهد که متنی را که در جای مناسبی برای نخستین بار عنوان شده است برمی‌دارید و با نوشتن موعظه‌ای که شبیه به یک تفسیر و آکادمیک است، آن را تبدیل به سخنرانی خسته کننده، بی‌تأثیر همراه با ارجاعات خوب می‌سازید.



من معمولاً در میان واعظان جوانی که نگرش نادرستی نسبت به موعظه دارند، با چنین موعظه‌هایی روبرو می‌شوم. چنانکه دوست من، مایک بالمر، می‌گوید انگار این خادمان جوان صندوقی برای انبار کردن دارند که هر آن چیزی را که در طول هفته دربارهٔ متن مورد نظر آموخته‌اند، در آن می‌گذارند.

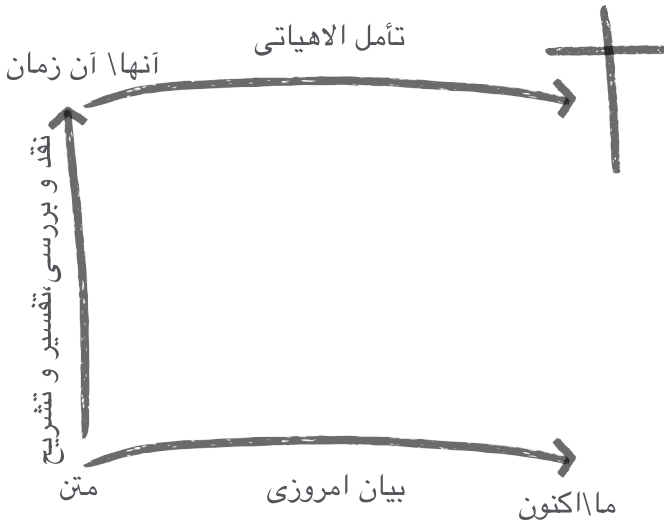
دام دیگری که در سر راه تفسیر و تشریح یک متن در فضای بیرون از چارچوب کتاب آن وجود دارد این است که ما تبدیل به واعظانی خواهیم شد که تنها لحنی دستوری و آمرانه دارند. کتاب مقدس پر از دستور و فرمان است و این فرمان‌ها

آشکار هستند، اما امر و نهی در خارج از زمینه کتاب مقدسی و الهیاتی مناسب نیز می‌تواند به روش‌های بسیار نادرستی بکار رود. شاید بالاترین خطر آن هنگامی باشد که عرصه بازتاب الهیاتی را نادیده می‌گیریم (که در فصل بعدی به آن خواهیم پرداخت). اگر محتوای انجیل در کتاب مقدس را در کُل در نظر نگیریم، حتی آن دستورهایی که به‌خوبی تفسیر شده باشند نیز تبدیل به دستورهای اخلاقی می‌شوند و این فرهنگ شریعت‌گرایی را در کلیساهایمان می‌پروراند.

این همه بدان معنی است که شایسته است بازتاب الهیاتی را در نظر داشته باشیم. بازتاب الهیاتی ما را وارد گام بعدی در آماده کردن یک موعظه می‌سازد.

تأمل الهیاتی

همانطور که در پایان فصل قبلی مشاهده کردیم، موعظه تشریحی ای که با کاربرد پایان می پذیرد، صرفاً یک سخنرانی روشنفکرانه و یا بیش از حد آمرانه و دستوری می شود. یا به موعظه آکادمیک و یا اخلاقی تبدیل می گردد. در مرحله بعدی آماده سازی موعظه هنوز نیازمند به تأمل الهیاتی هستیم، بدون آن شما هنوز آماده موعظه کردن نیستید.



تأمل الهیاتی چیست؟ به عبارت ساده یعنی وقت گذاشتن منظم و دقیق، همراه با دعا و تفکر روحانی بر روی متن انتخابی، که چگونه آن قسمت از کلام در رابطه با نقشه باز خریدی و نجات خدا قرار دارد. این عمل تمرین است برای پرسش این سوال

که متن انتخابیم به چه نحوی با کُل داستان کتاب مقدس در ارتباط می‌باشد، به ویژه در ارتباط با عمل نجات‌بخش خدا در عیسی.

قرائت کتاب مقدس با مفاهیم عیسی

عیسی بعد از قیامش بطور ناشناس به شاگردانش در راه شهر کوچک عاموآس به فاصله ۱۰ کیلومتر ملحق شد. همانطور که پیاده می‌رفتند، عیسی به شاگردان نشان داد که چگونه موسی و تمام پیامبران - تمامی کتب - به او اشاره دارد (لوقا ۲۴: ۲۵-۲۷). بعد، در همان شب او به یازده شاگرد دیگر می‌پیوندد و این کار را تکرار می‌کند؛ او چشمان و افکار آنان را باز نمود تا کلام خدا را ببینند که در شریعت موسی، نوشته‌های پیامبران و مزامیر درباره او بیان شده است و بایستی تحقق یابند (آیه ۴۴-۴۵). او همچنین به رسولان فرمود که شاهدان او در تمامی دنیا خواهند بود و پیغامش را اول از اورشلیم و بعد به تمامی جهان موعظه خواهند نمود. این ادعای او در کتاب اعمال رسولان به ثبت رسیده است.

در این گفته عیسی، اصلی نهفته است. تمامی عهد عتیق و عهد جدید در ارتباط با اوست و جزئیات مفصلی درباره او بیان می‌نماید که آیه‌های ۴۶ و ۴۷ اشاره به آنها دارد. «و به ایشان گفت: نوشته شده است که مسیح رنج خواهد کشید و در روز سوم از مردگان بر خواهد خاست، و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همه قوم‌ها موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود» (بعلاوه در مورد رنج و جلالش در لوقا ۱۴: ۲۶). جهت اطمینان، این جمله کوتاه دارای مفهومی عمیق است. فرمانروایی ملکوت در واژه سلطنت مسیح موعود و شامل تمام ملت‌ها می‌باشد که خود ایده‌ای بسیار غنی می‌باشد. با این حال این جمله ساده «قلب و مرکز انجیل» را تشکیل می‌دهد. لاقلاً برای عیسی مسیح «انجیل» در سراسر کتاب مقدس یافت می‌شود. این خود موضوعی است که تمامی کتاب مقدس را باهم مرتبط می‌سازد و بایستی مشخص شود که چگونه با آن روبرو می‌شویم.

قرائت کلام با مفاهیم پولس

مهمتر از همه، تمرین پیدا کردن مسیح در تمامی کتاب مقدس موضوعی نیست که پایانی داشته باشد. این الگویی است که خود پولس مطرح نموده است. در اعمال می خوانیم که: پولس طبق عادت به کنیسه رفته، در سه شنبه متوالی از کتب مقدس با ایشان مباحثه می کرد و توضیح داده، برهان می آورد که ضروری بود مسیح رنج کشد و از مردگان برخیزد. او می گفت: «این عیسی که او را به شما اعلام می کنم، همان مسیح است» (اعمال ۱۷: ۲-۳). چنین سخنانی از پولس در آتن (۱۷: ۱۷)، کورنتس (۱۸: ۴)، و افسس (۱۸: ۱۹؛ ۱۹: ۸) به ثبت رسیده است.

کار پولس در این مورد آگاهانه و سختگیرانه بود و به همین ترتیب ما نیازمند چنین مواردی در قرائت کتاب مقدس هستیم تا که از آن تعلیم یابیم. مهارت در ارائه استدلال‌ها، اثبات موضوع و متقاعد ساختن از مشخصه‌های روش پولس رسول در هنگام موعظه‌هایش به عیسی بود که در سراسر کتاب مقدس موجود است. هر یک از این اصطلاحات دارای پس زمینه غنی در فلسفه اخلاقی یونانی است و عملی دقیق و متفکرانه را نشان می دهد. دوم این که او از این ابزارها در زمینه‌های متنوع - کنیسه، بازار، در حضور هم یهودیان و یونانیان استفاده می نماید. برای هیچ یک از مخاطبین راه میانبری وجود ندارد. سوم این که پولس رسول راه‌هایی را در موعظه‌های خود بکار می گیرد که مخاطبین دانشی از کتاب مقدس ندارند. برای مخاطبینی که زمینه کتاب مقدسی و واژگان آن را ندارند، راهی برای موعظه وجود دارد.

پولس رسول همانند عیسی بر این باور بود که کلام خدا به مرگ، قیامت عیسی از مردگان اشاره دارد. علاوه بر این، سه جنبه خدمت پولس رسول به این نکته اشاره دارد که تأمل الهیاتی کاری مستلزم سخت کوشی می باشد.

قرائت با مفاهیم اسپر جن Spurgeon

ممکن است بهتر باشد که شخصیت معاصری در نظر گرفت، شخصیتی که روش قرائت کتاب مقدسش، قرار دادن عیسی در کانون کتاب مقدس بود. یکی از شخصیت‌های بزرگ کلیسای تعمیدی که لقب «شاهزاده واعظین» را به خود

اختصاص داد است. چالز هیدن اسپرجن Haddon Spurgeon Charles، او این ایده را به اینگونه بیان کرد:

ای مرد جوان می‌دانی که تمامی شهرها و روستاها و دهکده‌های انگلستان جاده‌ای دارد که به شهر لندن ختم می‌شود؟ به همین ترتیب هر قسمتی از کتاب مقدس به عیسی ختم می‌شود. برادران گرامی، وقتی شما قسمتی از کلام خدا را برمی‌گزینید، کار شما این است که از خود پرسید، این جاده‌ای که به عیسی ختم می‌شود، کجاست؟ تاکنون من به شخصه متنی از کتاب مقدس را نیافته‌ام که به عیسی ختم نشده باشد و به هیچ‌وجه کار درستی انجام نداده‌ام مگر این که نجات مسیح در آن باشد.^{۲۷}

اسپرجن درک درستی از کلام داشت. او از خود سوال می‌کرد که متن انتخابی چگونه انجیل را تدارک می‌بیند و یا در ارتباط با آن است؟ هر چند که گاهی اوقات من به شخصه از نحوه ارتباط متن با انجیل در موعظه‌هایش موافق نیستم، اما با سوالش موافق هستم. و چگونگی پاسخ به آن فوق‌العاده است.

یادگیری برای تأمل متنی خاص از نقطه نظر عیسی و انجیل نیاز به درک حداقل سه تأثیر منظم و تربیتی خاصی دارد. شما قادر نخواهید بود بدون این عناصر به فردی متخصص تبدیل شوید: نقد تاریخی، الهیات کتاب مقدسی و الهیات نظام‌مند (سیستماتیک).

چالش روش نقد تاریخی

اگر شما مانند من در زمینه علمی آکادمی فعال هستید، به مجرد مواجه شدن با واژه الهیات در پاراگراف اول این فصل، چراغ قرمزی در ذهنتان چشمک می‌زند و باید اینطور باشد. چرا که الهیات مشکل تاریخ را برمی‌انگیزد. به همین دلیل است که اغلب اوقات ارزشی برای بخش نقد و تفسیر کارمان قائل نیستیم، در نتیجه تاریخ و

۲۷. Charles Haddon Spurgeon, "Christ Precious to Believers" (sermon, Music Hall, Royal Surrey Gardens, March 13, 1859), <http://www.spurgeon.org/sermons/0242.htm>

مکان‌های تاریخی سنتی را جدی نمی‌گیریم. ما بیش از حد به سادگی بازتاب الهیات اهمّیت می‌دهیم و به این ترتیب یا موعظه‌ای کم‌عمق از انجیلی که به متن انتخابی خود می‌کشیم خواهیم داشت و یا آموزه به جای متن موعظه می‌کنیم. اگر ما هر هفته کارمان همین است، پس در جایگاه بدی قرار داریم. این روش مسیحت را از تاریخ جدا می‌سازد.

اگر ما به گونه‌ای موعظه کنیم که موقعیت تاریخی متنی در عهد عتیق موضوعی بی‌ربط برایمان باشد و یا سکوی پرتابی بسوی انجیل واقع گردد، ما به دیگران آموزش می‌دهیم که کتاب مقدس به تاریخ علاقه‌مند نیست و تاریخ همچون جلدی برای الهیات جزمی^{۲۸} می‌گردد. در این هنگام ما یک قدم فاصله با نسلی را خواهیم داشت که دیدگاهی انتزاعی و روحانی از قیام خواهد داشت تا دیدگاه تاریخی (یعنی قیام عیسی را واقعه تاریخ ندانسته و به آن روحانی می‌نگریم). یک قدم فاصله با نسلی که کتاب مقدس را اسطوره اخلاقی می‌بینند تا حقیقت.

به عبارت دیگر امکان دارد که برای نسل بعدی واعظین انجیلی، با هدف موعظه به عیسی از سراسر کتاب مقدس، تمامی پایه‌های موعظه‌های مسیحی را بی‌اثر کنند.

این جنبه از تاریخ چیز جدیدی نیست. زمانی که جان اوون John Owen در سال ۱۶۶۱ برای اولین بار الهیات کتاب مقدس را به زبان لاتین به چاپ رساند، این موضوع را مطرح کرد. جان اوون شبان و الهیدان انگلیسی قرن ۱۷ بود. در سه فصل ابتدایی او ایده «الهیات» را به عنوان ادغام متن و تاریخ کتاب مقدس ارائه می‌دهد. و این نگرانی امروزه همراه ماست. برخی از دانشگاه‌های الهیاتی (از جمله یکی در همسایگی ما) همچنان از پذیرش الهیدانان به عنوان عضو هیئت اومناى دانشگاه، امتناع می‌کنند.

یکی از شفاف‌ترین و دلسوزترین منتقدان مسیحی که همه چیز را از طریق دید عیسی می‌خواند فردی به نام جیمز بار James Barr می‌باشد. محقق و الهیدان عهد عتیق که در نیمه قرن بیست نگارش نموده است. او با شک و تردید به موعظه‌های مسیح محور نظر می‌کرد، چرا که آنها اجازه نمی‌دادند که عهد عتیق برای خودش

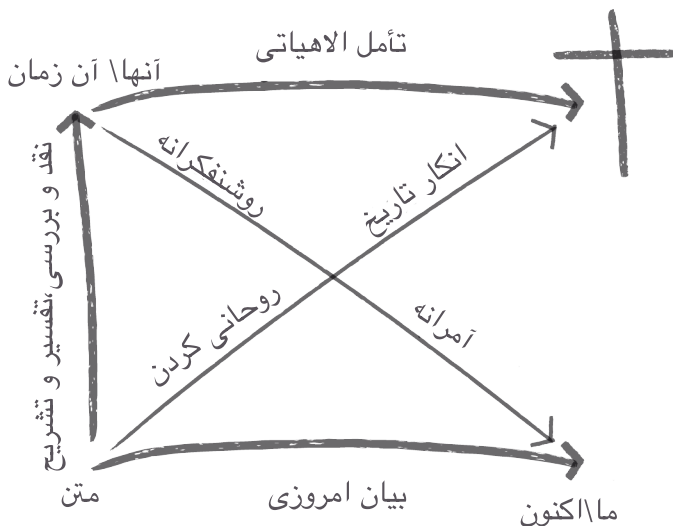
۲۸. Theological dogma

سخن گوید. در عوض، مسیحیت را وارد عهد عتیق می کردند و یا این که عهد جدید را به عهد عتیق تحمیل می ساختند- تا آنجا که از عهد عتیق صدایی در نمی آمد. به گفته آقای بار «اگر مسیحیت به عهد عتیق وارد و یا تحمیل شود، در واقع اثر عهد عتیق کاهش خواهد یافت، چرا که مسیحیت بر آن اثر گذاشته است. بایستی نتایج مسیحی به بار آورد نه این که مسیحی شود. اما سوال اینجاست که آیا امکان دارد که چنین کرد؟»^{۲۹}.

همانطور که ایشان در این زمینه شکاک است، آقای بار جدال و کشمکش را در قالب سوال مطرح می کند. آیا می توان چنین کرد؟ آیا می توان قسمتی از عهد عتیق را به عنوان متنی مسیحی موعظه کرد، بدون این که از منظور اولیه آن کاسته شود؟ سوالی که آقای بار مطرح می کنند، بسیار مهم می باشد.

می توانم تصور کنم که آقای بار روش ساده بعضی از واعظین مسیحی را همچون حبقوق فصل ۳، رویای خدا را فکر می کند. در فصل سوم، خدا در نور شدیدی ظاهر می شود و به عنوان یک جنگجو پیروز لباس می پوشد. در نزول به زمین، خدا برای قومش که تحت فشار توسط دشمنان زمینی خود قرار گرفته اند را به طور معجزه آسایی نجات می دهد. در ابتدای این تشریح- کسی که نسبت به دیدن موعظه مسیح محور این متن شدیداً نایناست- این متن در نجات گناه کاران در عیسی به کمال رسید. اما آقای بار ممکن است بپرسد که: «شما واعظین تشریحی با چه حقی اعلام می کنید که آنچه خدا در رابطه با دشمنان اسرائیل وعده داده است در واقع پیروزی برای همه انسان ها تحت فرد روحانی می باشد؟» آیا واعظ جوان تاریخ را به نفع ایمان روحانی کنار نگذاشته است؟ آیا تاریخ متن را تحریف نکرده است؟

۲۹. James Barr, The Concept of Biblical Theology: An Old Testament Perspective (London: SCM Press, 1999), 253-54



نمونه فصل سوم از کتاب حقوق ما را به این سوال برمی گرداند که آیا واعظین می توانند متنی از عهد عتیق را بدون در نظر گرفتن مفهوم آن برای مخاطبین اولیه تاریخی اش به عیسی ارتباط دهند. آیا راهی برای آنچه که عیسی در لوقا ۲۴ بیان کرده وجود دارد- تمام نوشته ها به انجیل ارتباط دارد- بدون حذف کردن جنبه تاریخی متن؟ البته ما می توانیم این موضوع را از عهد جدید پرسیم. می توان به سادگی در زمینه تاریخی هیکل دوم و پیش زمینه هایش گم شد و هیچگاه از خود نپرسیم که این متن چگونه به انجیل ارتباط دارد. چالش روش نقد تاریخی مربوط به «چگونه ارتباط دادن» است. چگونه می توان تأمل الهیاتی متن کتاب مقدس را بدون آسیب رساندن به تمامیت تاریخی انجام داد؟

اول و مهم تر از همه این ها، سوال مربوط به تأمل «الهیاتی بایستی» با دعا آغاز شود. یعنی «کار» تأمل الهیاتی تنها می تواند از طریق دعا انجام پذیرد. پیوند صمیمانه ای بین مکاشفه و هویت مسیح وجود دارد- او را به عنوان کسی که تمام پیشگویی های کلام در او تحقق یافت- و لحظه های در دعا سپری کردن.

لوقا خود چندین بار این ارتباط را انجام می‌دهد. هنگامی که پطرس به سوال عیسی، «شما مرا که می‌دانید؟» پاسخ می‌دهد: که «تویی مسیح پسر خدا»، لوقا می‌خواهد خوانندگانش بدانند که عیسی قبل از این در حال دعا بود (لوقا ۹: ۱۸-۲۰). به عبارتی دیگر لوقا می‌خواهد بیان کند که مکاشفه هویت عیسی برای پطرس در چارچوب دعا قرار داشت. بعد از این گفتگو پطرس و یعقوب و یوحنا به دنبال عیسی به کوه روانه شدند تا دعا کنند و در آن زمان چهره عیسی تغییر کرد و عیسی جلال خودش را به عنوان پسر خدا و برگزیده خدا ظاهر کرد (لوقا ۹: ۲۸-۳۶). به ابتدای انجیل برویم، شمعون و حنای سالمند که پرهیزکار و اهل دعا بودند (لوقا ۲: ۲۷، ۳۷ و ۲: ۲۸-۳۲، ۳۸). حتی هنگامی که خدا هویت عیسی را در زمان تعمیدش آشکار کرد، لوقا می‌فرماید که آسمان گشوده شده و خدا سخن گفت و او را به عنوان پسرش اعلام کرد. لوقا بیان می‌کند که زمانی که عیسی دعا می‌کرد، آسمان گشوده شد لوقا ۳: ۲۱-۲۲).

لوقا نمی‌توانست روشن‌تر از این بیان کند که: خدا هویت عیسی را به مردم در نتیجه دعا آشکار کرد. اگر برآستی ما تمایل داریم که عیسی را در موعظه‌های خود آشکار نمایم - اگر می‌خواهیم عیسی را در کانون نوشته‌های کتاب مقدس قرار دهیم - پس بایستی کار آماده‌سازی خود را با دعا آغاز کنیم و بعد از آن است که می‌توانیم یک مرحله جدی از تأمل الهیاتی را آغاز نماییم و بعد از آن است می‌توانیم به جهت کار کردن بر روی الهیات کتاب مقدسی و الهیات نظام‌مند (سیستماتیک) حرکت نماییم.

بکارگیری از الهیات کتاب مقدسی

انضباط الهیات کتاب مقدس از ما می‌خواهد که یک قدم به عقب برگردیم تا نقشه اصلی از آنچه خدا فرموده و انجام داده است را نظاره کرده و ببینیم که همه این مسائل مربوط به مکاشفه اوست: مرگ و قیام پسرش. گاهی من انضباط در مطالعه کتاب مقدس را اینگونه تعریف می‌کنم که راهی برای درک پیشرفت برنامه رستگاری خدا در مسیح است.

انضباط الهیات کتاب مقدسی بخشی ضروری از موعظه کتاب مقدس می باشد، چرا که مانع موعظه صرفاً روشنفکرانه یا اخلاقی می گردد. اگر بخواهیم مثبت بیان کنیم، شما را درست از متن انتخابیتان به قلب انجیل مسیح می آورد، درست همانطوری که عیسی در لوقا ۲۴ نشان داد که چگونه تمام نوشته ها کلام خدا او را آشکار می کند. موضوع اصلی را همیشه در اولویت قرار می دهد.

به این ترتیب الهیات کتاب مقدسی چگونه عمل می کند؟ چطور می توانیم از آن به طور صحیح در موعظه های تشریحی خود استفاده نماییم؟ چگونه می توانیم مطمئن باشیم که الهیات کتاب مقدسی موعظه را آماده می سازد؟ به نظر بنده سه مورد ذیل را بایستی رعایت نمود:

۱. کسب الهیات کتاب مقدس.
۲. پیروی از راهبری و هدایت عهد جدید.
۳. ارتباط خوب با «انجیل، خبر خوش».

۱. کسب الهیات کتاب مقدس

شما قادر نیستید از آنچه که ندارید استفاده کنید. بنابراین اولین قدم در این راه کسب الهیات کتاب مقدسی می باشد. و بهترین راه برای رسیدن به آن، قرائت مدام و کامل کتاب مقدس است. هیچ چیز دیگری شما را بهتر و عمیق با کُل مطالب کتاب مقدس آماده و مرتبط نمی سازد. قرائت منظم و پیوسته کلام خدا همراه با دعا را جزء عادت زندگی خود قرار دهید. همانطور که کلام را مطالعه می نمایید به دنبال سیر ملودی (آهنگ اصلی) هر کتاب باشید. هر چه وقت بیشتری بر تصویر کُل کتاب مقدس بگذرانید، درک بهتری از تصویر کُل کتاب مقدس خواهید داشت.

البته همانطور که شما الهیات کتاب مقدس خود را بطور گسترده تری توسعه می دهید، شما هنوز نیاز دارید که این ارتباطات را در آماده سازی موعظه خود به صورت هفتگی انجام دهید. اما به خاطر داشته باشید ما باید این کار را با در نظر گرفتن زمینه تاریخی و ادبی کتاب مقدس انجام دهیم و این کار به سادگی پرسش

«عیسی در این متن کجاست؟» نمی‌باشد. او در گوشه و کنار نوشته‌ها کلام پنهان نشده است. لازم است که ما با سوالات دیگری به سراغ آن رویم. برای مثال:

- چگونه انجیل درک و فهم مرا از این متن تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
 - چگونه این متن از انجیل پیشگویی می‌کند و یا آن را منعکس می‌سازد؟
- اما فقط سوال‌های خوب تمام کار را انجام نمی‌دهد.

۲. پیروی از راهبری و هدایت عهد جدید

اولین الهیدانان کتاب مقدسی - برای متحد ساختن دو عهد - نویسندگان عهد جدید بودند. به سختی می‌توان صفحه‌ای از عهد جدید را بدون ارجاعی واضح و روشن از عهد عتیق را ورق زد، البته بدون در نظر گرفتن اشاره‌های بی‌شمار مستقیم. بدیهی است که این خود کمک بسیار بزرگی به کسانی که مایلند درگیر الهیات کتاب مقدس شوند. گاهی اوقات کتاب مقدس تبدیل به معدن طلا سرشار از الهیات می‌شود. اگر متن انتخابی شما اشاره و یا ارتباط با متنی دیگر دارد (در همان انجیل و یا به خصوص در اناجیل دیگر، پس شما شروع خوبی را آغاز کرده‌اید).

در فصل قبلی روش پولس رسول در کتاب اعمال را به شما پیشنهاد کردم که چگونه او با دقت زیاد و اندیشه، کلام را به وقایع تاریخی مرگ و قیام عیسی ارتباط می‌دهد. اما فکر می‌کنم که با نگاهی اجمالی به موعظه او در شهر آتن در اعمال ۱۷: ۲۲-۳۱ متوجه می‌شویم که پولس چندین ایده در مورد چگونگی ایجاد چنین ارتباطی را ارائه می‌دهد. در حالی که سخنرانی او متن خاصی از کتاب مقدس را به تفصیل تشریح نمی‌کند، اما فرم و شکل انجیل - خیرخوش کتاب مقدس را آشکار می‌سازد. این شکل و فرم بطور ویژه در روش موعظه پولس از رده الهیات استخراج شده است.

مقدمه

- پولس نمادهای فرهنگی را به موضوع گفتگو دربارهٔ خدا تبدیل می‌کند (آیه ۲۲-۲۳).

متن

- پولس در ابتدا با خدا که آسمان و زمین را آفرید، آغاز می‌کند (آیه ۲۴).
- او مشکل جهانی بشر که بت پرستی می‌باشد را آشکار می‌سازد (آیه ۲۴-۲۵).
- او بر اشتیاق خدا در مشارکت با ما را تأکید می‌نماید (آیه ۲۶-۲۸).
- او مجرم بودن انسان را اعلام نموده، دعوت به توبه می‌کند (آیه ۲۹-۳۰).

خاتمه

- پولس به عیسای قیام کرده که سرسپردگی ما به او تعلق دارد، اشاره می‌کند (آیه ۳۱).
- او با این مطلب که خدا جهان را در عدالت داوری می‌کند، سخن خود را به پایان می‌رساند (آیه ۳۱).

پولس فقط هشت آیه برای پوشش دادن از پیدایش تا مکاشفه صرف می‌کند. او بدون هیچ زحمتی از ابتدا به انتها حرکت می‌کند، از خلقت تا کمال - از خدا به عنوان خالق سخن می‌راند، انسان سقوط کرده، مسیح قیام کرده و کسی که روزی ثابت برای داوری جهان از آسمان خواهد آمد. به همین ترتیب، این موعظه برای ما مدلی جهت مؤثر بودن موعظه ما تهیه می‌کند، در حالی که ما از طریق تاریخچهٔ کتاب مقدس در

فضای کوچک حرکت می‌کنیم. هر بار که با متنی از کتاب مقدس سروکار داریم، از عادت پولس رسول می‌توان درس‌ها گرفت.

این دو روش اول استفاده از الهیات کتاب مقدس در آماده‌سازی موعظه‌هایمان، پایه‌های مهمی را تشکیل می‌دهد. برای درک تمامی کتاب مقدس، چگونه عهد جدید به عهد عتیق مرتبط است و عهد عتیق در انتظار آمدن عهد جدید است، ما نیازمند الهیات کتاب مقدسی می‌باشیم. در این مرحله شما نیازمند ابزارهایی برای ایجاد ارتباط خاصی هستید وقتی که عهد جدید نقل قول‌هایی ارائه نمی‌دهد.

۳. ارتباط خوب با «انجیل، خبر خوش»

اگر مطالبی که در چند بخش اخیر مورد بحث قرار دادم صحیح باشد، پس چالش ما ایجاد ارتباط خوب با انجیل از متن انتخابی ما برای موعظه می‌باشد. در اینجا چهار دسته از ارتباط خوب با انجیل هست که فکر می‌کنم به بازتاب الهیات کتاب مقدسی کمک می‌کند:

- تحقق پیشگویی‌ها (نبوت‌ها)

- سیر تاریخی

- مضمون

- تشابه‌ها، آنالوژی‌ها

به صراحت، این طبقه‌بندی‌ها بطور قابل توجه‌ای همپوشانی دارند. تحقق پیشگویی‌ها شاید توسط مضمون و یا تشابه‌ها صورت گیرد. تشابه شاید از سبکی خاص استفاده کند. سبک شاید شامل برخی از حس خط مسیره‌های تاریخی باشد. ممکن است دسته‌بندی‌های مجزای دیگر وجود داشته باشد. مهم نیست که شما این دسته‌بندی‌ها را چگونه تعریف و سازماندهی می‌کنید، اما صحت دارد. این دسته‌بندی‌ها به سادگی نقطه شروع هستند.

به دنبال تحقق پیشگویی‌ها باشید

به احتمال زیاد شفاف‌ترین ارتباط‌ها آنهایی هستند که صریح بیان شده‌اند. بدون تردید شما می‌دانید که برخی لحظات در عهد عتیق وجود دارد که خدا وعده آمدن مسیح موعود را بیان نموده است. و در عهد جدید می‌بینیم که نویسندگان به آن پیشگویی اشاره کرده و نشان می‌دهد که چگونه در هویت و خدمات عیسی به کمال رسیده است.

یکی از ساده‌ترین نمونه‌های به کمال رسیدن پیشگویی‌ها را در متی می‌بینیم که از واژه تحقق استفاده می‌کند. بعد از ده الی یازده نکته در انجیل، متی شروع به روایت و نظاره‌گر زندگی عیسی می‌شود، عیسی که تکمیل‌کننده پیشگویی‌های عهد عتیق و کسی که دیگران راجع به او سخن گفتند. از فرار به مصر تا مثل‌های عیسی (متی ۲: ۱۴-۱۵؛ ۱۳: ۳۵)، بسیاری از بخش‌های زندگی عیسی تحقق پیشگویی‌های عهد عتیق است. در حقیقت خود عیسی این نکته را در اوج انجیل بیان می‌کند:

آیا گمان می‌کنی نمی‌توانم هم‌اکنون از پدر خود بخواهم که بیش از دوازده فوج فرشته به یاری‌ام فرستد؟ اما در آن صورت پیشگویی‌های کتب مقدس چگونه تحقق خواهد یافت که می‌گوید این وقایع باید رخ دهد؟» در آن وقت، خطاب به آن جماعت گفت: «مگر من راهزنم که با چماق و شمشیر به گرفتارم آمده‌اید؟ من هر روز در معبد می‌نشستم و تعلیم می‌دادم و مرا ننگرفتید. اما این همه رخ داد تا پیشگویی‌های پیامبران تحقق یابد.» آنگاه همه شاگردان ترکش کرده، گریختند.

استراتژی متی از این قرار است که خط مستقیمی بین تحقق پیشگویی عهد عتیق و عهد جدید و کفایت عیسی را رسم کند. انجیل لوقا و یوحنا نیز از این استراتژی استفاده می‌کنند. و این بخشی از روش خدمات رسولان در کلیسای اولیه می‌شود. برای نمونه، موعظه پطرس در اعمال فصل ۳ شامل دفاعیه مهمی می‌باشد: «ولی خدا از همین راه آنچه را که به زبان همه پیامبران پیشگویی کرده بود، به انجام رسانید: این را که مسیح او رنج خواهد کشید» (اعمال ۳: ۱۸-، ۱۳: ۲۷). یعقوب نیز از همین

استراتژی استفاده می کند زمانی که درباره عادل شدن ابراهیم بواسطه ایمان سخن می راند (یعقوب ۲: ۲۳).

البته برعکس این روش نیز عمل می کند. شما ممکن است با عهد عتیق شروع کنید و تحقق آن وعده را به روشنی در عهد جدید در عیسی مسیح مشاهده کنید. برای نمونه موسی به قوم اسرائیل می فرماید که خدا شخصی همانند او را خواهد برخیزاند که کلام خدا را خواهد آورد؛ سپس پطرس به ما می فرماید که عیسی تحقق این وعده است (تثنیه ۱۸: ۱۵-۲۲؛ اعمال ۳: ۲۲-۲۶).

به دنبال سیر تاریخی باشید

راه دیگر ارتباط با متن انتخابی مان این است که به دنبال پیشرفت های تاریخی و یا سیر تاریخی در آن متن باشیم. همانطور که با تحقق یافتن پیشگویی ها، به دنبال سیر تاریخی متن متکی بر این ایده می گردیم که خدا خود را به تدریج آشکار می کند، بنابراین تاریخ رستگاری دارای سیر و جهتی است که در آن صلیب نقطه اوج آن است. اما این استراتژی خاص نیاز ما را به دنبال طرح تاریخی منحصر بفرد و یا داستان تاریخ رستگاری و نشانه نقاط اساسی می گرداند.^{۳۰} برای نمونه امکان دارد که ما داستان رستگاری را اینگونه خلاصه کنیم: خلقت - سقوط - خلقت تازه. متنی از کتاب مقدس ممکن است به یکی از این موارد اشاره داشته باشد، بگونه ای که ما می توانیم متن خود را در سیر تاریخ رستگاری جای دهیم. ارتباط متن به انجیل به همین آسانی خواهد بود که جایگاه آن را در سیر داستان نشان دهیم.

این روش به نسبت ساده می باشد. برای رسم قوس در کامپیوتر، شما دست کم به سه نقطه احتیاج دارید، که موضوعی هندسی می باشد. به همین ترتیب برای ترسیم یک سیر تاریخی در کتاب مقدس که چگونه با انجیل در ارتباط است، فکر می کنم ما نیاز به سه نقطه داریم. من به شخصه متوجه شدم که ساده ترین راه این است که متن انتخابی خود را در نظر گرفته ارتباط آن را با رستگاری در گذشته و نیز در آینده پیدا

۳۰. Sidney Greidanus, *Preaching Christ from the Old Testament: A Contemporary Hermeneutical Method* (Grand Rapids, MI: Eerdmans, 1999), 234-40.

کنم. این خود سه نقطه تاریخی را ارائه می‌دهد. حال من سیر تاریخی رستگاری را دارم که ارتباط با انجیل را نشان می‌دهد.

برای نمونه به کتاب جامعه ۱۲: ۱-۸ نگاه می‌کنیم که تأکید بسزایی بر یادآوری خالق دارد، همین‌طور رومیان ۱. این متون به دوره خاصی از تاریخ رستگاری اشاره دارند که مابقی تاریخ رستگاری از آن سرچشمه می‌گیرد. در اینجا شما می‌توانید به آیاتی که درباره خلقت سخن می‌راند مراجعه نمایید (پیدایش ۱-۲) و یا قدمی جلوتر برداشته به سراغ خلقت تازه برویم (۲ قرن‌تیاں ۵: ۱۷)؛ این دو نقطه تاریخی رستگاری می‌توانند با نقطه مرکزی رستگاری به هم ارتباط داده شوند. این روش ارتباط آیات کتاب مقدس بسیار مفید است به ویژه زمانی که آیات درباره قیامت و مصیبت عظیم سخن می‌گویند. خلقت تازه شامل بازگشت کامل عیسی و تمامی پیامدهای آن می‌باشد.

به دنبال موضوع (تم) باشید

راه دیگری که کُل کتاب مقدس را به انجیل ارتباط دهد، موضوع آن است. خدا به تدریج خود را از طریق موضوعی خاص، طرح و یا نقوشی که در سراسر کلام خدا می‌باشد، آشکار می‌کند. معمولاً ما یک دو جین از نمونه‌های برجسته آن را می‌شناسیم. نمونه‌هایی همچون موضوع، ملکوت خدا، عهد، هیکل خدا یا معبد، کاهن، قربانی و خروج \ تبعید \ آرامش.

درک چگونگی عملکرد موضوعات کلام خدا مهم است. به طور مثال، در حالی که خروج یک رویداد تاریخی است که در کتاب خروج به ثبت رسیده است، یک ایده مکرر را نیز در کُل کتاب مقدس ارائه می‌دهد: خداوند قوم خود را از بردگی، از طریق آزمایشات، به محل برکت خود می‌رساند. هنگامی که پیامبران شروع به توصیف تبعید و بازگشت از تبعید می‌کنند، آن را «خروج جدید» توصیف می‌کنند. سپس موضوع خروج، تحقق نهایی خود را در مرگ و رستاخیز مسیح پیدا می‌کند (رجوع کنید به لوقا ۹: ۳۰-۳۱).

به یاد می آورم که بر روی لوقا ۲۲: ۱۴-۳۰ کار می کردم. موضوع پادشاهی\ ملکوت به اندازه کافی آشکار به نظر می رسید. از این گذشته، این کلمه چهار بار ظاهر می شود، و در بقیه لوقا همین موضوع غالب می باشد. اما همانطوری که می خواندم، موضوع دیگری توجه مرا به خود جلب کرد: به همین سان، بعد از شام پیاله را گرفت و و فرمود: «این جام عهد جدید است در خون من، که به خاطر شما ریخته می شود» (آیه ۲۰).

واژه عهد فقط در لوقا دو مرتبه ظاهر می شود، در اینجا و در ۱: ۷۲. بنابراین، از طریق عهدهای مختلف در کتاب مقدس شروع به کار کردم. از نوح تا ابراهیم تا داوود؛ عهد موضوعی خاص و فراوان است. البته این موضوع در لوقا خاص تر بود. این فقط عهد و پیمان نبود، بلکه یک «عهد جدید» بود. این عهد جدید همچنین در اول قرن تیان ۱۱: ۲۵ به آخرین شام ارتباط دارد، اما مرا به ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ که اولین بار از این عبارت استفاده شده، آورد.

«اینک ایامی می آید که باخاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه ای خواهم بست. نه مثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم در روزی که ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بیرون آورم زیرا که ایشان عهد مرا شکستند، با آنکه خداوند میگوید من شوهر ایشان بودم.» اما خداوند میگوید: «اینست عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست. شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. و بار دیگر کسی به همسایه اش و شخصی به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناس. زیرا خداوند میگوید: جمیع ایشان از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، چونکه عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد.»

درک ارتباط بین عهد جدید با ارمیا ۳۱ مفید بود زیرا باعث شد حداقل به سه ارتباط دیگر در تهیه موعظه ام کمک کنند. اول، تأکیدی که در لوقا ظاهر می شود، مربوط به اخلاقیات (روحیه) ملکوت است. در ارمیا ۳۱: ۳۴، خداوند درباره کامل بودن کسانی که از عهد جدید به عنوان «بزرگترین» و «کوچکترین» بهره می گیرند،

صحبت می‌کند. به عنوان آخرین و اولین یا اخلاقیات پادشاهی از فروتن شدن در ۱۳: ۳۰؛ ۱۴؛ ۱۱؛ ۱۷؛ ۷-۱۰) نشان داده می‌شود. و در همان لوقا ۲۲ که مشغول مطالعه بودم، عیسی مزایای عهد جدید را به اخلاقیات شاگردی به عنوان خدمت ارتباط می‌دهد - به عنوان کوچکترین و نه بزرگترین (۲۴-۲۷).

دومین ارتباطی که موعظه را تقویت کرد یکی از طرف‌های شرکت کننده بود. نه تنها خدا عهد و پیمان بست، بلکه سلطنتی را از طریق عهد منصوب کرد. زبان عهد و به ویژه فعل «قرار دادن، بستن» در ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ مربوط به انتساب فعل در لوقا ۲۲: ۲۹ است. «شما کسانی هستید که در آزمایش‌های من در کنارم ایستادید. پس همان گونه که پدرم پادشاهی‌ای به من عطا کرد، من نیز به شما عطا می‌کنم، تا بر سفره من در پادشاهی من بخورید و بیاشامید و بر تخت‌ها بنشینید و بر دوازده قبیله اسرائیل داوری کنید.» (لوقا ۲۲: ۲۸-۳۰).

سوم، مانند شاگردان، لازم نیست که نگران موضوع بزرگترین باشیم (لوقا ۲۲: ۲۴). عیسی وعده‌های حکمرانی خود را در ۲۲: ۳۰ به میان ما می‌دهد. جالب است که مفاد ارمیا ۳۱ بر یک اسرائیل متحد تمرکز دارد، که در آن اقوام به عنوان یک موجودیت واحد رفتار می‌کنند و در کل جهان قضاوت و داوری می‌نمایند (ارمیا ۲۵: ۱۷-۲۹ را ملاحظه نمایید).

در نتیجه برقراری این ارتباطات بین لوقا ۲۲ و ارمیا ۳۱ از طریق موضوع عهد، توانایی موعظه‌ام از لوقا ۲۲: ۱۴-۳۰ بسیار غنی می‌شود. موعظه صرفاً در مورد (شرکت) سفره خداوند نیست، بلکه در مورد اصول اخلاق (رفتار و شرایط) شرکت در سفره بوده است. این فقط مربوط به عهدی نیست که خدا برای نجات ما به وجود آورد، بلکه عهدی را نشان داد که من در آن شرکت و حکمرانی می‌کنم.

به دنبال تشابهات باشید

یکی از راهکارهایی که معمولاً توسط واعظان مورد استفاده و سوء استفاده قرار می‌گیرد، قیاس است. از یک سو، ممکن است این روش از الهیات کتاب مقدس تهدید کننده باشد، زیرا نیاز به تمایز بین تشابه، گونه شناسی، تمثیل، استعاره و انواع

اصطلاحات فنی دیگر دارد. البته، من به شما هشدار می‌دهم که بیش از حد به اصطلاحات فنی علاقه‌مند نشوید، تنها به این دلیل که دانشمندان و واعظ‌های مختلف آنها را به روش‌های گوناگونی تعریف می‌کنند.

علاوه بر این، به راحتی می‌توان در این روش افراط کرد. هنگامی که شما با اصطلاحات کتاب مقدس مانند، مکتوب است و گونه شناسی‌های آن خو گرفتید، هر آنچه را که مشاهده می‌کنید در قالب گونه شناسی شما قرار می‌گیرد و به این ترتیب هر آنچه موعظه می‌کنید، بگونه‌ای در آن قالب خورانده می‌شود، بدون در نظر گرفتن این نکته که آیا مناسب و درخور آن می‌باشد یا خیر.

تشابهات یک مقوله گسترده برای مقایسه یا تقابل دو چیز است. بخشی از داستان‌های خوب به دلیل توانایی آنها در بارگذاری شخصیت‌ها یا اشیاء با ویژگی‌ها یا عملکردهایی شناخته می‌شوند که بعداً در داستان از اهمیت بالایی برخوردار می‌شوند. این همان چیزی است که ما را وادار به خواندن دوباره کتاب یا تماشای فیلم می‌سازد. جزئیات اولیه‌ای که ناخودآگاه اولین بار با آن در مطالعه روبرو شده‌اید، تنها پس از آنکه از هدف مخفی نویسنده بر شما آشکار می‌شود، قابل توجه‌اند. همانطور که امثال می‌گوید: «پنهان داشتن امور، امتیاز خداست؛ تفحص امور، امتیاز شاهان.» (امثال ۲۵: ۲). اینطور به نظر می‌رسد که خدا، با حکمت نامتناهی خود، زندگی برخی افراد، اهداف و وقایع تاریخ اسرائیل را با معنای غیر منطقی وقف می‌کند که تحقق آن را در مسیح می‌یابد. یادگیری تشخیص این مکاتبات در کتاب مقدس برای نمایش خوب ضروری است.

این مکاتبات ممکن است گسترده و یا باریک باشند - در این موارد ما آنها را به طور ساده قیاس می‌نامیم. هنگامی که یک شخص، رویداد، نهاد یا موضوعی در کتاب مقدس، جنبه‌هایی از عیسی مسیح را پیش بینی می‌کند، ما آن را گونه شناسی می‌نامیم. گونه نبوتی است و از لحاظ اهمیت تشدید می‌شود. به عنوان مثال، اگر داوود پادشاه گونه‌ای از مسیح است، پس داوود (به گونه‌ای) با عیسی مسیح (موسوم به مسیح موعود) از طریق پادشاهی مطابقت دارد، که در آن معنی پادشاهی از اهمیت بالایی برخوردار می‌شود. عیسی مانند داوود است، اما عیسی از داوود بزرگتر است.

بیاید به یک مثالی دیگر نگاه کنیم. در کلیسای ما در محله «هاید پارک» Hyde Park شیکاگو، در همسایگی دانشگاه شیکاگو، در طول سال تحصیلی موعظه می‌کنند. از آنجا که افراد بسیاری برای تابستان از آنجا می‌روند، منطقی است که ما تابستان را برای یکسری موعظه‌های خاصی اختصاص دهیم. در چند تابستان، تصمیم گرفتیم تا از اول و دوم سموئیل موعظه کنیم و من این افتخار را داشتم که به باورم یکی از تاریکترین فصل‌های کتاب مقدس است، را موعظه کنم: ۱ سموئیل ۲۸.

در انتهای فصل ایده تشابه واقعاً برای من زنده شد.

شائول از سخنان سموئیل سخت ترسان شد و به یکباره با تمامی قامت بر زمین افتاد. و چون تمام آن روز و شب چیزی نخورده بود، دیگر رمقی در او باقی نبود. چون آن زن نزد شائول آمد و دید که سخت ترسان است، به او گفت: «اینک کنیزت از تو اطاعت کرد. من جان بر کف نهادم و آنچه را به من گفتی، گوش گرفتم. حال تمنا دارم تو نیز سخن کنیز خود را بشنوی و رخصت دهی لقمه‌نانی پیش رویت بگذرام تا بخوری و در راه قوت داشته باشی.» اما شائول نپذیرفت و گفت: «چیزی نخواهم خورد.» ولی چون خادمانش نیز به اتفاق آن زن به او اصرار کردند، شائول پذیرفت و از زمین برخاسته، بر بستر نشست. آن زن گوساله‌ای فربه در خانه داشت. بی‌درنگ آن را ذبح کرد و قدری آرد گرفته، خمیر کرد و با آن نان بی‌خمیرمایه پخت. سپس آن را در برابر شائول و خادمانش نهاد. آنان خوردند و برخاسته، همان شب روانه شدند (اول سموئیل ۲۸: ۲۰-۲۵).

شائول روزهای پایان عمر خود را بسر می‌برد. او به تازگی از جادوگر شهر عین‌دور تقاضا کرد تا روح سموئیل را برایش احضار کند تا سموئیل بتواند حکم خدا را درباره شاول اعلام نماید، که در فصل ۱۵ انجام پذیرفته بود. سموئیل به شاول گفت که روز بعد زندگی او به پایان خواهد رسید و به همین ترتیب شائول به همراه خدمتگزاران خود و جادوگر نان را پاره کردند. او در ابتدا تمایلی نداشت، اما سرانجام شائول نومیدانه مشتاق به کلامی از جانب خدا شد، او کلام جادوگر را

پذیرفت. آنها با نان فطیر و گوساله فربه جشن گرفتند. روز بعد، شاول بر شمشیر خود افتاد و درگذشت.

این تشابه بسیار جذاب است. یک طرف قضیه، نقطه مقابل خوراک عید پسخ را داریم. شائول و پسرانش به حکم مرگ غیرقابل برگشت، خیره شده‌اند. در عین حال اینجا تضاد قابل توجهی با شام آخر را داریم. همانطور که عیسی بعداً با شاگردان خود این کار را انجام می‌داد، شب قبل از کشته شدن، شائول به همراه گروه کوچک پیروانش به صرف خوراک نشست. با هم نان را پاره کردند و نقطه تشابه اینگونه روشن می‌شود. شائول گونه‌ای از مسیح است یا واقعاً گونه‌ای مخالف مسیح است. در این شب در زندگی شائول تشابه متضادی از پیش بینی آینده است. شبی که در آن عیسی نان را با شاگردانش پاره کرد، شب قبل از مرگش او به عنوان «بازخرید» موجب رستگاری بسیاری شد. ممکن است عده‌ای در اینجا اشاره به موضوع یا گونه شناسی بین شائول و مسیح دارند. عده‌ای دیگر ممکن است استدلال کنند که در اینجا موضوع یا گونه شناسی عید پسخ وجود دارد. با این حال شما تشابه بین این دو وضعیت را با مطالعه ۱ سموئیل ۲۸ را دسته‌بندی و عمیق‌تر درک می‌کنید که چگونه در نهایت گونه برعکس آن در قربانی شکوهمند عیسی مسیح انجام می‌پذیرد.

امیدوارم با استفاده از این ابزارها، متوجه شوید که الهیات کتاب مقدس چقدر قدرتمند است که می‌توان مسیح را از همه کلام خدا موعظه کرد. به یاد داشته باشید، برای استفاده از الهیات کتاب مقدس باید سه کار مهم انجام دهید. ابتدا، الهیات کتاب مقدس را برای استفاده به عنوان پایه بکار برید. دوم، هر زمان که می‌توانید، از عهد جدید در تفسیر قسمت‌های عهد عتیق پیروی کنید. و سوم، از این چهار ابزار ذیل برای ایجاد ارتباط انجیل درست استفاده نمایید.

نقش الهیات نظام‌مند (سیستماتیک)

الهیات کتاب مقدس نقطه شروع خوبی برای تأمل بر الهیات است و اگر مهارت‌های الهیات کتاب مقدسی خود را برای موعظه از طریق تجربه طولانی توسعه دهید، این مرحله تا زمان آمادگی پیش می‌رود. در عین حال، شاخه دیگری از الهیات نیز در تأمل الهیات نقش دارد: الهیات نظام‌مند و یا سیستماتیک.

اگر الهیات کتاب مقدس به شما کمک می‌کند تا از پیشرفت تدریجی نقشه‌رستگاری خدا در مسیح را دریابید، پس الهیات نظام‌مند به شما کمک می‌کند تا هر آنچه را که کتاب مقدس در قالب آموزه‌ها می‌گوید، با هم بیامیزید (سینتر کردن، سینک کردن). اگر کلام خدا را بطور منطقی و سلسله‌مراتبی، نه از لحاظ تاریخی و نه به صورت زمانبندی تاریخ، سروسامان دهید (همانطور که در الهیات کتاب مقدس انجام می‌دهید). آقای دی. ای کارسون D. A. Carson الهیات نظام‌مند را به عنوان «شاخه‌ای از الهیات که می‌خواهد به تشریح کلی و بخش‌های کتاب مقدس پردازد، نشان می‌دهد که ارتباطات منطقی (و نه صرفاً تاریخی) آنها را نشان می‌دهد».^{۳۱}

در عین حال، من فکر می‌کنم احتیاط شرط عقل است. زیرا در حالی که من از نقش نظام‌بندی (سیستماتیک) در موعظه دفاع می‌کنم، بین این و سیستم‌های تعلیم نظام‌مندی تفاوت وجود دارد. سیمیون Simeon اینگونه اظهار کرد: «خدا حقیقت خود را در یک سیستم آشکار نکرده است. کتاب مقدس هیچ سیستمی ندارد». نتیجه این باور ساده است: «سیستم را کنار بگذارید و به سوی کتاب مقدس پُرکشید. کلمات کلام خدا را بدون توجه به هر نظام‌مندی و سیستمی با تسلیم شدن به آن در سادگی دریافت کنید. مسیحیان کتاب مقدس باشید، نه مسیحیان سیستمی».^{۳۲} سیمیون درست می‌گوید. ما نباید واعظان سیستماتیک باشیم. با این وجود، سه فایده عملی الهیات نظام‌مند در تأمل الهیات شما وجود دارد.

۱. شما را در ایمان نگه می‌دارد.

۲. شما را از راه ژانرهای خاصی به انجیل ارتباط می‌دهد.

۳. توانایی شما برای صحبت با غیر مسیحیان را بهبود می‌بخشد.

۳۱. D. A. Carson, "Unity and Diversity in the New Testament: the Possibility of Systematic Theology," in *Scripture and Truth*, ed. D. A. Carson and John D. Woodbridge (Grand Rapids, MI: Baker, 1983), 69-70.

۳۲. These two quotations come from the notes of A. W. Brown's reflections on his times with Charles Simeon as part of Simeon's "conversation parties with the students of Cambridge." Abner William Brown, *Recollections of the Conversation Parties of the Rev. Charles Simeon, M.A.: Senior Fellow of King's College, and Perpetual Curate of Trinity Church, Cambridge* (London: Hamilton, Adams, & Co, 1863), 269.

۱. شما را در ایمان نگه می‌دارد

مهمترین مزیت تأمل در الهیات نظام‌مند در آماده‌سازی موعظه شما این است که این محدودیت را فراهم می‌کند. شما را به سمت راست دینی (ارتدو کسبی) نگه می‌دارد. هنگامی که تفسیر خود را انجام می‌دهید، ناگزیر به عبور از معابر دشوار خواهید رسید و شما را وادار می‌کند تا گزینه‌های دشواری تفسیری را انجام دهید. پس چون هیچ یک از ما کامل نیستیم، مرتکب اشتباه خواهیم شد. هنگامی که با نتیجه‌گیری‌های دشوار درباره متن انتخابی دسته پنجه نرم می‌کنید، آموزه‌های صحیح راهنمای شما خواهد بود.

به عنوان نمونه، یک تفسیر سطحی از یعقوب ۲: ۱۴-۲۶ ممکن است شما را به این نتیجه برساند که یعقوب آموزه پولس را در مورد «نجات تنها با ایمان» تضعیف می‌کند. با ارائه تلاش خود در مورد این بخش به تأملات الهیات نظام‌مند، شما بایستی با نحوه بیان پولس در مورد آموزه نجات، آنگونه رفتار کنید که بر خلاف سخنان یعقوب نباشد. و حتی اگر همه مشکلاتان را برطرف نکنید، لاقلاً با دست‌آویز به این نکته که چگونه کلام خدا به تفسیر کلام خدا کمک می‌کند، کار را انجام می‌دهیم. نه این که ناآگاهانه کلام خدا را بر علیه کلام خدا استفاده کنیم و اینگونه درک راست دینی خطاناپذیری کلام را رد نماییم.

۲. به شما کمک می‌کند تا از ژانرهای خاص به انجیل مرتبط شوید

واقعیت این است که، گاهی اوقات استفاده از الهیات کتاب مقدس در ژانرهای خاصی چالش برانگیزتر است. ماهیت الهیات کتاب مقدس - یک داستان برجسته - به ژانرهایی که روایت شکل اصلی متن است پیوند می‌بخشد. در عین حال، اشعار عهد عتیق ممکن است به آن روشی که ممکن است امیدوار باشید، دریچه مشروعی به داستان بزرگ کتاب مقدس ارائه ندهد. رساله‌های عهد جدید، که شامل استدلال‌های منطقی است، ممکن است ارتباط آنها از طریق الهیات کتاب مقدس نیز دشوار باشند.

ژانرهایی که دارای گفتمان یا اشعاری باشند، ممکن است از طریق الهیات نظام‌مند به آسانی به انجیل مرتبط شوند. این ژانرها معمولاً بیشتر به مفاهیم اساسی مانند ایمان، فیض، عادل شمردگی، گناه و نظایر آن می‌پردازند. بنابراین وقتی یک مزمور درباره

توبه از گناه اظهار نظر می‌کند، یا پولس در مورد ایمان و کار صحبت می‌کند، ما یک پنجرهٔ موجهی به مفهوم الهیات انجیل می‌دهیم.

۳. توانایی شما برای صحبت با غیر مسیحیان را بهبود می‌بخشد

حدس می‌زنم که بسیاری از غیر مسیحیانی که به داخل کلیساهای ما قدم می‌گذارند مانند خواجه‌سرای اتیوپی نیستند که به شدت و صمیمانه مایل به درک بهتر کتاب اشعیا باشند. در عوض، شرط می‌بندم که آنها احتمالاً سؤالاتی در مورد مسئله شریر، خدا، گناه، رستگاری و مانند آن می‌کنند. پاسخ این سؤالات از دسته‌بندیهای نظام‌مندی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، در صورت ارتباط درست متن خود با الهیات نظام‌مندی هنگام موعظه، ممکن است بهترین راه برای جلب غیر مسیحیان به کلام خدا باشد. به عنوان مثال، فرض کنید غیر مسیحی به موعظهٔ شما گوش می‌دهد و در متن شما دربارهٔ مفهوم «گناه» سؤال دارد. یک روش مفید برای آموزش گناه ممکن است این باشد که به آن به دید نظام‌مندی نگاه کنیم و بدانیم که سه استعاره اصلی برای گناه وجود دارد: سنگینی، بدهی و لکه. بنابراین، در حالی که شنوندهٔ شما ممکن است در ابتدا ایده «گناه» را آنگونه که در متن خاص شما وجود دارد، نفهمد، ممکن است آموزهٔ وسیعتری از گناه را به گونه‌هایی که به او کمک می‌کند در موعظه خود بگنجانید.

یک قدم فراتر

در این فصل، ما بسیاری از زمینه‌ها را تحت پوشش قرار داده‌ایم. امیدوارم، شما ارزش مستقیم رفتن به سراغ تفسیر را درک کرده باشیم، یا حتی اگر انجام می‌دهید آن را متوقف کنید. در عوض، امیدوارم که شما ارزش گذراندن زمان و تأمل کردن به این که چگونه نکتهٔ متن انتخابی شما ممکن است شما را به انجیل بکشاند و درک درست از روش تاریخی انتقادی و ابزارهای الهیات کتاب مقدس و الهیات منظم، شما را در کار خود به جلو به پیش می‌برد.

اما، البتّه، کار ما هنوز به پایان نرسیده است. چالش‌ها و مطالب‌های امروز هنوز در انتظارمان هستند.

۴

زمان حاضر

آخرین مرحله آماده سازی موعظه، ما را به سوی زمان حال می برد. بالاخره ما به این مرحله رسیدیم در پشت سر انبوهی از متون باستانی و تفسیرهایمان را در مورد «آنها و آن زمان» داریم. همینطور ما اندکی فاصله با تأمل الهیاتی همراه با تأکید بر به کمال رسیدن زمان عیسی مسیح، مرگش و قیامتش داریم، امروز «ما و زمان حاضر ما» یعنی کلیسا. قوم خدا و کسانی که با موعظه کلامش از آن خدا خواهند شد.

تا این مرحله از سفرمان، ما عمداً «بیان امروزی» را به دلیل تسلط بر کارمان در حاشیه انجام دادیم، چیزی که ما آن را مشکل پیروی کورکورانه خواندیم. اما با تمام شدن تکلیف در زمینه تفسیر کتاب مقدس، حال آماده ایم تا «بیان امروزی» مناسب و لازم آن را فراهم کنیم. در حالی که همیشه خدمت موعظه سالم بر متن کلام استوار است، بایستی خود متن نیز آن را دربرگیرد. «بیان امروزی» باید نحوه موعظه ما از کلام خدا را در چهار مورد تأیید کند:

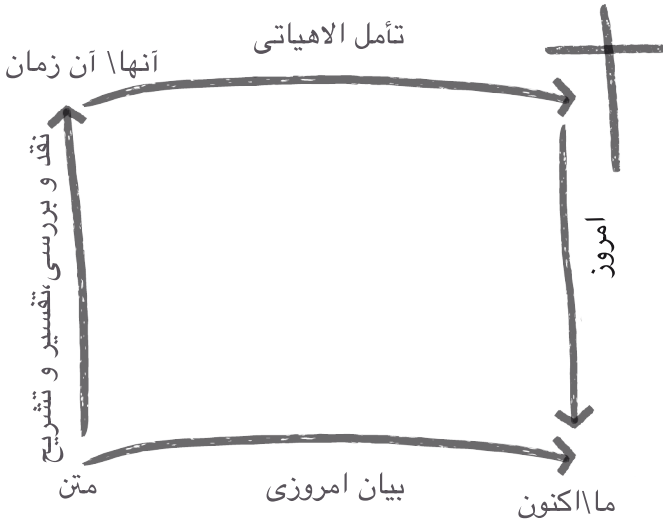
۱. ترکیب مخاطبتان

۲. چیدمان مطالب آماده شده

۳. استدلالی که ارائه می دهید

۴. کاربرد پیامتان

شاید فکر کردن در مورد این مرحله نهایی به عنوان یک ترکیب (سنتز) مفید باشد. کلمه سنتز از یونان باستان برگرفته شده است و از این بوجود می آید که دو و یا چند عنصر مجزا را کنار هم قرار دهد تا شکلی جدید تشکیل دهد.



بسیاری از واعظ‌های جوان این مرحله پایانی سفر را دشوار می‌دانند. آنها مطمئن نیستند که چگونه آن را بیابند و یا لاقبل به روش صحیح آن را جستجو نمایند. ممکن است بخش‌های مختلفی را بصورت مجزا حل و فصل کنند. مطمئناً برخی قادرند وظایف پیرویه تفسیر را کامل نمایند و امکان دارد که عده‌ای دیگر استراتژی خواندن را اتخاذ کرده‌اند که آنها را به تأمل الهیاتی هدایت کند. اما اگر از ایشان پرسید که چگونه دو سه مورد را در کنار هم بگذارند تا شکل پیامی مرتبط با امروز داشته باشد، ساکت خواهند ماند.

با این حال کلام خدا باید با امروز ما همخوانی داشته باشد. تشریح کنندگان کتاب مقدس که آن را به خوبی انجام می‌دهند، تا حدودی به دلیل توجه به «بیان امروزی» به مخاطبین خود، چیدمان مطالب و کاربرد توجه می‌نمایند.

۱. ترکیب مخاطبتان

به بیانی دیگر، همواره تلاش‌های ما برای «بیان امروزی» باید از یکی دو اشتباه جلوگیری کند. از یک جهت، اگر موعظه‌های ما همیشه با فرهنگ مخالف باشد، پیام

ما حتی پیش از آنکه فرصتی برای ارائه مسیح داشته باشد، توسط جهانیان رد خواهد شد. از جهت دیگر، اگر پیام خود را برای جهانیان در نظر بگیریم (یا دیگران را به الگوی زندگی خود جذب کنیم)، ما زمینه مفید بودن در جهان برای کار خدا را از دست می دهیم. وظیفه ما این است که راهی پیدا کنیم که پیام غیرقابل تغییر خداوند را به جهانی که تقریباً از مفاهیم کتاب مقدس خالی و مملو از الهیات سردرگم است، برسانیم.

اگرچه طرفداری از تفسیر و بررسی الهیات کار خوب نیست، اما تشریح کنندگان خوب هیچگاه از این حقیقت که تمام این کارها فقط برای خدمت کردن به مردم است، غافل نمی شوند. به نظر می رسد برخی از واعظین این طرز فکر را دارند که اعضای کلیسا آنجا هستند تا واعظ خدمت موعظه خود را عملی سازد. واعظان جوان تر باید از این وسوسه آگاهی داشته باشند که می توانند یک خدمت خودمحور را تأسیس کنند.

طی پانزده سال گذشته، کلیسای ما افتخار تعلیم بیش از هفتاد کارآموز را داشته است. مردان و زنان جوانی که برای خدمت تمام وقت مسیحی آماده می شدند. گاهی به آنها یادآور می شدم: مردم موضوع خدمت ما هستند! اگر آن عده که به طور خاص مایل به خدمت موعظه کلام هستند، ولی قلبی آکنده از محبت و دلسوزی برای دیگران ندارند، نباید به آنها اجازه داده شود که مرتب پشت تریبون کلیسا برای موعظه قرار گیرند. بنابراین، اگر می خواهید یک خدمتگذار کتاب مقدس شوید، این را بدانید که: پیش نیاز موعظه همانا اشتیاق خدادادی رو به رشد برای مردم است. پیاموزید که مخاطبانی را که خدا به شما عطا کرده را محبت نماید. آیا این همان درسی نیست که عیسی قبل از فرستادن پطرس به خدمت موعظه انجیل به او تعلیم داد؟ در یوحنا ۲۱، عیسی برای سومین بار بر پطرس و شاگردان دیگر در سواحل دریای جلیل ظاهر شد. سه بار عیسی از او پرسید: «پطرس، آیا مرا بیش از اینها دوست داری؟» و سه بار با افزایش ناامیدی اش، (البته به زودی او تبدیل به واعظ بزرگی می شود) گفت: «بله، خداوند، تو بر همه چیز واقفی، تو می دانی که دوستت دارم.» عیسی به وی گفت: «گوسفندهای مرا خوراک بده.. .. گوسفندان مرا شبانی کن.» نکته آن مطالب روشن و واضح است: کسانی که عیسی آنها را برای خدمت موعظه

انجیل جدا می‌نماید، افرادی هستند که محبت‌شان نسبت به عیسی را با محبت کردن به کلیسا (انسانها) به نمایش می‌گذارند.

بنابراین من به همه شما که مایل به موعظه پیام‌های مسیح هستید می‌گویم: آیا عیسی را محبت می‌کنید؟ آیا واقعاً او را محبت می‌کنید؟ سپس با خوراک دادن و شانی کردن (مراقبت کردن) کسانی که محبت می‌کنید، علاقه و محبت خود را به او نشان دهید. بیاموزید که چگونه مردم را محبت کنید.

کلیسا

قوم خدا، مخاطبان اصلی کلام خدا در کلیسا هستند که به آنان موعظه می‌شود. تشریح کنندگان وفادار کتاب مقدس همیشه به این امر توجه دارند. آنها کلام خدا را با دقت و هوشیاری به این دلیل اعلام می‌کنند که کلام خدا جان‌ها را نجات می‌بخشد و کلیسا را تقویت می‌نماید.

به همین دلیل خدا کلامش را در باغ عدن فرستاد. در کوه سینا، خدا بار دیگر کلام خود را نازل کرد، این بار آن را بر سنگ لوحی نوشت تا مردم تازه نجات یافته‌اش، او و راه‌های فیض بخشش را بشناسند. هنگامی که او عیسی را، یعنی همان کلمه خدا را ارسال کرد، به این دلیل بود که برای خود قومی فراهم آورد. در روز پنتیکاست هم چنین بود. در ابتدا مشارکت مقدسین، یعنی نخستین کسانی که خود را وقف تعالیم رسولان می‌کردند، کسانی بودند که با موعظه کلام تبدیل شدند.

به عبارت ساده‌تر، هر یک از تشریح کنندگان وفادار کتاب مقدس را که می‌شناسم این اعتقاد را سخ را در درون خود دارد که کلمه خدا، خلق خدا و کلیسای او را ایجاد و پایدار می‌سازد.

این حقیقت امروز چگونه موعظه شما را در برمی‌گیرد؟ به ویژه تشریح کنندگان کلام باید کاملاً از نیاز خود برای شنیدن از خدا آگاه باشند. او به تنهایی قادر است کارهای بزرگ پیش روی ما را انجام دهد. ما باید تمام مراحل آماده‌سازی موعظه‌های خود را به حضور خداوند در دعا بیاوریم. اشتباه خواهد بود که فکر کنیم موعظه را می‌توان به صورت جداگانه انجام داد - گویی کار بزرگ و باشکوه خدا در

تبدیل و تأسیس کلیسای او بر فعالیت ما استوار است. ما که موعظه می‌کنیم باید کسانی باشیم که دعا می‌کنند. این به تنهایی نشانه ایست که می‌دانیم چگونه کلیسا در جهان به وجود می‌آید و شکوفا می‌شود که این خود باعث می‌شود که ما به عنوان تشریح‌کنندگان، پیام‌های خود را بر روی زانوهای دعا و همچنین پشت میز مطالعه تهیه کنیم. تجربه به ما نشان داده است که با سجده در برابر خدا و استدعای از او می‌توانیم آنچه را که با تمام توانایمان قادر به انجامش نیستیم را به انجام رسانیم.

در یک کلام، ما محتاجیم - محتاج به قدرت روح القدس برای حضور در موعظه‌هایمان. پس بنابراین دعا می‌کنیم، قبل از موعظه دعا می‌کنیم، در زمان موعظه دعا می‌کنیم.

ما حتی بعد از اتمام موعظه دعا می‌کنیم.

شهرنشین

در سال‌های اخیر مطالب بسیاری دربارهٔ درک مخاطبانمان نوشته شده است. لازم نمی‌بینم که در اینجا مطلبی به آن اضافه نمایم. کافی است که عرض کنم، ما به سرعت به لحظه‌ای از تاریخ بشریت نزدیک می‌شویم که نیمی از جمعیت جهان شهرنشین هستند. تشریح‌کنندگان کتاب مقدس نباید از این واقعیت غافل باشند. در عوض باید موعظه‌مان با این واقعیت تأیید شود.

نیازی به تسلیم شدن به این تصور احمقانه نیست که خداوند افراد شهرنشین را بیش از افراد دیگر محبت می‌نماید. ما فقط باید در چالش‌ها و فرصت‌های زندگی در شهر شرکت کنیم. البته جماعتی که بسیاری از ما در بین‌شان موعظه می‌کنیم متنوع‌تر خواهند بود و با دیدگاه رقابتی تکمیل می‌شوند که - اگر به سخنان خود دقت نکنیم - می‌تواند موجب گرفتاری شود. موعظه‌های ما باید مخاطبین متنوع بیشتری را دربر گیرد، این بدان معناست که باید مایل به تعویض اصطلاحات و مزه‌پراکنی‌های جمع کوچک خودمان باشیم. شما با همان داستان‌هایی که با یک دوست صمیمی موقع ناهار گفتگو می‌کنید، با شورای شهر گفتگو نخواهید کرد. این موضوعی برای تغییر مشاهدات ماست. ما باید موعظه کنیم که گویی قصد داریم مردم از چهار گوشه دنیا

آن را درک کنند. به این دلیل که بسیاری از موارد، این افراد در دسترس ما خواهند بود.

از آنجا که خدا به تنوع اجتماعات خود به طور فزاینده‌ای ادامه می‌دهد، دو راهبرد موعظه باید مفید واقع شوند:

استراتژی دوطرفه Interpersonal

استراتژی یکپارچه Integrated (به عبارت دیگر شامل همه شدن)

هر دوی این‌ها، گفتمان آموزنده پولس به اهالی شهر آتن است. اول، در جبهه دوطرفه، لوقا اظهار می‌نماید که پولس هم در کنیسه و هم در بازار با آتنی‌ها صحبت و گفتگو کرده است. به عبارت دیگر، اعلام او تک بعدی نبود. ما نباید فقط به این فکر کنیم که او یک بار در هفته پشت تریبون می‌ایستاده و یکطرفه (منولاگ) سخنرانی می‌کرد. در عوض، او از انواع استراتژی‌های دوطرفه استفاده می‌نمود. در بازار حتی او با مردم به گفتگو مشغول بود. ما نیز باید امروز به دنبال روش‌ها و مکان‌هایی برای تکثیر این استراتژی دوطرفه در شهرها باشیم.

همچنین در استراتژی دوطرفه به نظر می‌رسد که: پولس خود قدم جلو نگذاشت، بلکه صبر کرد تا فرصتی برای گفتگو با افراد قدرتمند شهر فراهم شود، حداقل در اعمال ۱۷ چنین است. لوقا می‌فرماید «آنگاه او را برگرفته، به مجمع آریوپاگوس بردند و در آنجا به او گفتند: آیا می‌توان دانست که این تعلیم جدید که تو می‌دهی، چیست؟» (اعمال ۱۷: ۱۹). جمله «آنگاه او را برگرفته» آموزنده است. به نظر می‌رسد پولس خودسر نبود. او به زور وارد مرکز جامعه آتن نشده است. او در بین نخبگان خواستار مخاطب نبود. در عوض، او برای موعظه به سراغ جایگاه معمولی خود رفت: کنیسه و بازار (آیه ۱۷). موعظه او در آریوپاگوس درخواست شد. مطمئناً باید شجاعت داشته باشیم، اما باید به ساکنین شهر نیز احترام گذاشت.

دوم این که، اهمیت رشد شهرها نیاز به یک استراتژی یکپارچه دارد. استراتژی یکپارچه، بر خلاف یک طرح نمادین یا تقسیم شده، پیام مسیحی و معیارهای فرهنگی را با هم جمع می‌کند و آنها را در خدمت موعظه انجیل بکار می‌گیرد. در این مورد نمونه‌های مختلفی وجود دارد یک از موارد در اعمال ۱۷ اتفاق می‌افتد که لوقا، پولس

را از هر گونه اتهام دروغین به بنیادگرایی متعصب میرا می‌سازد. لوقا شرح می‌دهد که پولس بخاطر بت‌های شهر آتن متقلب شد، اما حاضر نبود آنها را در خیابان‌ها واژگون کند. در حقیقت، او نشان می‌دهد که پولس درست برعکس عمل می‌کند - او از آنها برای دفاع از سخنانش استفاده می‌کند: «ای مردان آتنی، من شما را از هر لحاظ بسیار دیندار یافته‌ام. زیرا هنگامی که در شهر سیر می‌کردم و آنچه را که شما می‌پرستیدید نظاره می‌نمودم، مذبحی یافتم که بر آن نوشته شده بود: تقدیم به خدای ناشناخته. حال، آنچه را که شما ناشناخته می‌پرستید، من به شما اعلام می‌کنم» (۲۲-۲۳). پولس پیام خود را با مقدمه «خدای ناشناخته»، برای ایجاد حساسیت ذهنی شنوندگان روشنفکر خود آغاز می‌کند. از این گذشته، اکثر محققان حداقل اعتراف می‌کنند که در بسیاری از موارد ناشناخته مانده‌اند. اصطلاحی که پولس در اعمال ۱۷: ۲۳ بکار می‌برد از کلمه «ندانم‌گویی، لادری‌گویی»^{۳۳} است. همانطور که کورنلیوس ون تیل Cornelius Van Til بیان کرد، «حتی در بین روشنفکران نیز این شیوه خوب وجود داشت که به چیزی بیش از بهشت و زمین قابل تصورشان باور داشتند. به همین دلیل آنها کاملاً مایل بودند مکانی را برای «خدای ناشناخته» باز بگذارند.»^{۳۴} و اینگونه سر صحبت را باز کردن، حکیمانه می‌باشد.

می‌توانید تصور کنید که اگر پولس تصمیم داشت به جای بکارگیری استراتژی یکپارچه‌سازی در آتن از استراتژی حمله به باورهای مردم را استفاده می‌کرد، این داستان چگونه تغییر می‌یافت؟ اگر او با مشت خود به تریبون می‌کوبید، یا جشن‌های مذهبی را ممنوع اعلام می‌کرد، یا شعار به «ضد آتنی‌ها» روی تابلوهای تبلیغاتی شهر می‌نوشت، مطمئناً پیام او را قابل فهم و روشن می‌ساخت. اما همچنین ممکن است ضربه بزرگی به انجیل بزند. استراتژی‌ها «عملیات انتحاری» ممکن است جهان را از نمادهای ظاهری بت پرستان خلاص کند - اما هر وقت مسیحیان چنین راهکارهایی را اتخاذ می‌نمایند، نمی‌توانند ذهن و قلب بت پرستان در اطرافشان را جلب کنند.

۳۳. agnosticism

۳۴. Cornelius Van Til, *Paul at Athens* (Phillipsburg, NJ: P&R, 1978), 6.

بله، امروزه بسیاری از افراد برای خدمت موعظه در شهرهای بزرگ فراخوانده می‌شوند و چنین واعظانی برای اتخاذ راهبردهای دوطرفه و یکپارچه‌ای که در گذشته به پیروزی شهرها کمک کرده‌اند، به خوبی عمل می‌کنند.

شهروندان و فرهنگشان

این که هنگام ملاقات با مخاطبانمان بایستی شناختی از آنها داشته باشیم، یک موضوع است. اما این که بدانیم مخاطبان ما چه کسانی هستند و آداب و رسومشان دربارهٔ آنان چه چیزی را بیان می‌کند، موضوع دیگر است. دنیای امروز مملو از افرادی است که کتاب مقدس را نمی‌شناسند و هیچکدام از ما هرگز نباید بدون حضور تعدادی از آنها در جلساتمان موعظه کنیم. واعظان انجیل به این نکته اشاره دارند که شنوندگان ما از همهٔ افراد در دنیا هستند، و غیر مسیحیان مخاطبان اصلی دنیا می‌باشند. اگر می‌خواهیم مخاطبان امروزه پیام‌های ما را دریافت کنند، باید به درستی به فرهنگ آنان توجه کنیم. ما باید بتوانیم با زبان فرهنگشان صحبت کنیم. خوشبختانه کتاب‌ها و مقاله‌های بیشماری در این زمینه وجود دارد که این نیاز را برطرف می‌کند. مطالب بیشتری وجود ندارد که من بتوانم به آنها اضافه کنم، فقط با احتیاط عرض می‌کنم تشریح کنندهٔ خوب کتاب مقدس محدودیت‌های این نوع آماده سازی‌ها را بداند. فقط به این دلیل که «بیان امروزی» را به خوبی انجام شود، لزوماً به معنای این نیست که موعظه‌های ما به آسانی درک می‌شوند، چه رسد به این که ما الزاماً بخواهیم فرهنگ را تبدیل کنیم.

لازم است که بیشتر به دیالوگ پولس در شهر آتن در اعمال ۱۷: ۱۶-۳۴ نگاه کنیم تا این مورد را بیاییم. در حالی که پولس تمام تلاش خود را انجام داد تا پیام خود را برای مخاطبان خود متمرکز کند (ما نیز باید چنین کنیم)، لوقا اظهار می‌کند که این کار درست و ضروری و تأثیر محدودی داشته است. یکی از اهالی آتن نسبت به موعظهٔ بشارتی پولس چنین گفت: «این یاوه گو چه می‌گوید؟» (۱۷: ۱۸). کلمهٔ «یاوه گو» را می‌توان پرحرف و وراج ترجمه کرد، اگر ایده‌های سخنان پولس بی‌ربط بود و از این شاخه به آن شاخه می‌پرید، نتیجهٔ سخنانش غیر منطقی به نظر می‌رسید.

این نوعی واکنش از طرفی کسی است که ادعا می‌کند که از پیروری کورکورانه با «بیان امروزی» فائق آمده است.

سخنان لوقا را از فراموش ن کنید: پولس، که الگوی «بیان امروزی» را به ما می‌دهد، توسط برخی به دلیل موعظهٔ پیامهایی که تمرکز بر موضوعی خاص نداشت مورد تمسخر قرار گرفت. چرا که قادر نبود نظر افکار عمومی را به خود جلب کند. واکنش دیگر در مورد پیام پولس این بود که: «... وقتی پیام نجات بخش مسیح و زنده شدن او را با آنان در میان گذاشت، گفتند: ... می‌خواهد یکی از مذاهب بیگانه را به ما تحمیل کند.» (آیه ۱۸). عبارت مذاهب بیگانه یا مذاهب خارجی را نشان می‌دهد که بخشی از مسئله اهالی آتن با عدم درک معنای پولس ارتباط داشت. در اصل، هنگامی که آنتیان برای اولین بار انجیل را شنیدند، آن را عجیب، ناآشنا و خارج از مرام و عرف فعلی خود تصور کردند.

هدفم در جلب توجه به این دو واکنش نسبت به پولس این است که بله، خود را به کار درک شهروندان امروز و فرهنگ آنان بسپارید، اما فکر نکنید که مردم همیشه تشریح کنندگان مجرب کتاب مقدس را درک می‌کنند و یا می‌توانید همیشه آنها را قانع سازید.

در آخر نیز یادآور این نکته شوم که نه تنها ما نیاز به دعا، بلکه نیازمند به قوت روح القدس در تمام موعظه‌های خود می‌باشیم. در واقع بزرگترین نیاز ما دعاست. واعظان باید منبع واقعی قدرت را درک کنند. نقشی که روح القدس در تولد کلیساها از طریق کلام خدا ایفا می‌کند و برتری همهٔ شهروندان و فرهنگ‌ها را به چالش می‌کشد، ضروری است. زندگی واقعی و تغییر واقعی در شنوندگان ما ناشی از نبوغ ما نیست، بلکه از کلام روح خدا (یوحنا ۶: ۶۳)، با وعظ ساده، توسط واعظی که به دنبال دل خدا هستند، آمده است.

پس با این باور ممکن است ما که مشتاق گسترش و نمایش کلام خدا هستیم، - با تمام قواعد موعظه - نشان می‌دهیم که تمامی قدرت در ما نهفته نشده است. موعظه خواستار فروتنی است. ما باید بدون در نظر گرفتن فرم و شکل آن را انجام دهیم. ما شهرت، تحسین، و دام‌های حرص و طمع را رد می‌کنیم:

پس ملاحظه می کنید که پیغام انجیل را نه با انگیزه های نادرست و مقاصد ناپاک بلکه با سادگی و خلوص نیت به شما رساندیم. در واقع، خدا به ما اعتماد کرده تا به عنوان رسولان او، حقایق انجیل را اعلام نماییم. از این رو، ذره ای نیز پیغام خدا را تغییر نمی دهیم، حتی اگر به مذاق مردم سازگار نباشد؛ زیرا ما خدمتگزار خدایی هستیم که از تمام نیت های دلمان باخبر است. خودتان آگاهید که ما هرگز سعی نکردیم با چرب زبانی، توجه شما را به خود جلب کنیم؛ از روابطمان با شما نیز برای کسب منافع مادی استفاده نکردیم، خدا خودش شاهد است. (اول تسالونیکیان ۲: ۳-۶)

۲. تنظیم و چیدمان مطالبان برای موعظه

هر هفته واعظ با چالشی مشابه روبرو می شود: چگونه مطالبی که برای موعظه می خوانم را تنظیم نمایم؟ چه ترتیبی برای آن بکار ببرم؟ این سوالات خوب و ارزشمندی هستند.

هنگامی که متن را مورد تفسیر و تأمل الهیاتی قرار دادید، انباری از اطلاعات غنی و سودآور برای گفتن خواهید داشت که مایل هستید ثمره کار خود به را شنوندگانان پاداش دهید. با توجه به این نکته، چه چیزی باید در ترتیب مطالب بر ما حاکم باشد؟ و چه نقش مثبتی «بیان امروزی» خواهد داشت؟ فکر می کنم که شما باید در ابتدا دو خط آماده کنید:

نیاز به واضح و روشن بودن

مزایایی مطابقت با متن انتخابی

در مورد اول به شدت اتکا به «بیان امروزی» وجود دارد، در حالی که در مورد دوم کاملاً به متن کتاب مقدس بستگی دارد.

نیاز به واضح و روشن بودن

چند سال پیش، من با آقای دیک لوکاس در اتاق نشیمن او در لندن نشسته بودم. مکالمه ما به طور طبیعی به آنچه خدا در کلیسا انجام می داد تبدیل شد. هر دوی ما با

امیدی که در نسل آینده واعظان دیدیم امیدوار و هیجان زده بودیم. در وسط این گفتگو، وی به صورت اعتراض گفت: «بله، اما ما باید به آنها یادآوری کنیم که موعظه ما هرگز نمی‌تواند خیلی هم ساده باشد». ایشان کسی است که به مدت پنجاه سال میان تاجران بازار سهام لندن موعظه کرده است، میان افرادی که از پیچیدگی‌های اقتصاد سر در می‌آورند. آقای «لوکاس» نکته بسیار چیزهای بسیار مهمی آموخته است: بزرگترین واعظ آن کسی است که واضح و روشن سخن می‌گوید. واعظان نمی‌توانند بیش از حد ساده باشند، ما به وضوح و روشنی نیازمندیم.

من نیز متوجه همین مورد شده‌ام. در حالی که ما امروز نسلی از واعظان مشتاق و نوظهور را داریم که این دورنما را تکمیل می‌کنند، اما هنوز هم بسیاری نیازمندند که هنر تنظیم مطالب خود را به روش‌هایی روشن و مختصر فراگیرند. اینجاست که «بیان امروزی» نقش فوق‌العاده‌ای را ایفا می‌کند.

به طور کلی واعظان تشریحی تشخیص می‌دهند شنوندگانشان که هفته‌های متمادی به آنها گوش فرآ می‌دهند، به خاطر تشریح جزئیات متن کلام در طول هفته هیجان زده هستند، درست همانند مرتب کردن تصویر پازل. یکی از دوستان تاجر خدا ترسم اینگونه به من گفت: «دیوید، این هفته از موعظه چه برداشتی کردی؟ فقط راجع به بهترین قسمت‌های موعظه نیم ساعت نگو، بلکه من به عناوین ساده و سازمان یافته و گفتار مستقیم نیاز دارم».

واعظ وفادار مخفی‌گاهی که مردمش در آن کار و زندگی می‌کنند را خوب می‌شناسد. او از نیاز آنها آگاه است و به زبان آنها صحبت می‌کند. او به راحتی برای شخص ایماندار و غیرایماندار موعظه می‌کند، حتی اگر بخشی از هفته خود را صرف مطالعه کلیسایش نماید.

وقتی برای تنظیم مطالب خود شروع به کار می‌کنید، حتماً مطمئن شوید که موعظه شما روشن است. توجه به کلماتی که به کار می‌برید و به روش ارائه دادن نکات موعظه‌تان توجه کنید. اگر شکوه و جلال مسیح برای افرادی که برای شنیدن موعظه آمده‌اند روشن شود، راضی باشید. همانطور که پولس تشویق می‌کند: «در دعا، ... برای ما هم دعا کنید که خدا فرصتهای مناسبی ایجاد کند تا پیغام انجیل مسیح

را به همه اعلام کنیم... تا این پیغام را آزادانه و تمام و کمال بیان نماییم.» (کولسیان ۴: ۴-۲).

دو مرحله عملی که به وضوح و روشنی متن کمک می‌کند:

هدف نهایی متن را بیان کنید.

هدف نویسنده را بیان کنید.

واعظ‌های تشریحی بدون در نظر گرفتن مضمون (تم) متن خود در یک جمله منسجم، نمی‌توانند قدمی بردارند. موضوع ایده کلی یا مسئله غالب در متن است. این همان نکته‌ای است که نویسنده بیان می‌کند. به عنوان مثال، اخیراً پیامی را در مورد یعقوب ۴: ۱-۱۲ با بیان ساده‌ای، آغاز کردم: «مسئله‌ای که یعقوب دوست دارد ما در این سی دقیقه در نظر بگیریم، سخنان ماست که منبعی قدرتمند است و توانایی گسستگی روابطمان در کلیسا را داراست. در این مورد چکار می‌توانیم انجام دهیم.» اگر شما مانند من در یک جمله همچون تیتری صریح و روشن، نکته اصلی تعلیمی نویسنده کتاب به جماعت خود ارائه دهید، این موضوع به شما کمک خواهد کرد تا با سادگی و وضوح به موضوع پردازید.

دومین مرحله عملی که واعظ‌های تشریحی می‌توانند از آن برای کمک به روشنی و وضوح استفاده کنند این است که در یک جمله تنها هدف نویسنده کتاب را به مخاطبان خود از متن کتاب مقدس بیان کنند. هدف همان چیزی است که نویسنده می‌خواهد مخاطب انجام دهد یا این که چگونه تفکر متفاوتی داشته باشد - واکنش مخاطب - یعنی نتیجه سخن واعظ چیست؟ حتی اگر آن را در موعظه خود به صورت یک جمله آماده نکرده باشید، باید قبل از شروع موعظه، برای واعظ روشن باشد. شما باید بتوانید به این سؤال پاسخ دهید، نویسنده چه انتظاری از خوانندگان دارد؟

اگر قادر به بیان هدف نویسنده باشید، برای شما دارای مزایای بسیار بزرگی می‌باشد - کمترین چیز اینست که در قسمت شرح «بیان امروزی»، کار را ساده می‌سازد. واعظین تشریحی کتاب مقدس در جستجوی راه‌های ارتباط دادن مخاطبین به پیغام خود نیستند. نیازی به آن ندارند، چرا که خود کتاب مقدس کافیتست. در

عوض آنها مفاهیم و کاربردهای موجود در متن را به روش‌هایی که مناسب فرهنگی که کلیسا در آن تعبیه شده است، ترسیم می‌کنند. به این ترتیب، متن کتاب مقدس و شرح «بیان امروزی» کنارهم کار خود را انجام می‌دهند. واعظین شریک با خدمت موعظه کلام خدا می‌شوند. هنگامی که از آنها اینگونه در خدمت خدا بکار گرفته شوند، نه تنها واعظین وفادار و موعظه‌هایشان ثمربخش، بلکه موعظه‌هایشان روشن تر خواهد بود و در طول صحبت می‌توان به آسانی آنها را دنبال کرد.

مزایای مطابقت با متن

این رابطه پویا بین متن و «بیان امروزی» باید زمانی اتفاق بیفتد که واعظان تشریحی کتاب مقدس پیام خود را به صورت رئوس مطالب نوشته باشند. «بیان امروزی»، متن دوم است. ترتیب موعظه شما معمولاً باید از فرم و الگوی متن کتاب مقدس پیروی کند. چراکه رئوس مطالب موعظه شما از تفسیر کتاب مقدس و الهیات ناشی می‌شود. در حقیقت، این «بیان امروزی» انعکاس تصویر متن شما در آینه می‌شود.

این اصل عملی و طبیعی از مفهوم موعظه تشریحی می‌باشد. ما رئوس مطالب خود را بر روی متن به خورد کتاب مقدس نمی‌دهیم. در عوض، آنچه را که روح القدس قبلاً در آنجا (قالب متن) قرار داده را از متن استخراج می‌کنیم. کاری که روح انجام داده، بهترین روش است. به یاد داشته باشید، چارلز سیمون در این مورد تمرکز کرده و می‌گوید: «تلاشم این است که آنچه را که در متن نهفته است را از کتاب مقدس بیرون بیاورم، و نه آنچه که فکر می‌کنم باید در متن نهاده و به آن بخورانم. من تعصب و غیرت شدیدی بر این نکته دارم که هرگز نباید بیش از منظور آنچه که در متن قرار گرفته است را تفسیر نمایم».^{۳۵}

من تعریفی از تشریح کتاب مقدس به عنوان توانمندی در موعظه دارم، رئوس مطالب و تأکید موعظه بایستی بر رئوس مطالب و تأکید متن کتاب مقدس ارائه دهد. شاید با نگاهی به کلمات کلیدی از تعریف مفید باشد. منظور من از رئوس مطالب و تأکید این است که هر موعظه طبیعی از کتاب مقدس با آمادگی قبلی و تأکید توسط

۳۵. Handley Carr Glyn Moule, Charles Simeon (London: Methuen & Co., 1892), 97.

روح آماده شده است. کار واعظ یافتن رؤوس مطالب و تأکید است. این امر به بهترین وجه از طریق انضباط در امر تفسیر و تأمل الهیاتی انجام پذیر است. هنگامی که این رؤوس مطالب و تأکید به وضوح مشخص شود، واعظ آماده است تا درباره ساختار موعظه‌اش فکر کند.

آنچه ساختار موعظه تشریحی را از دیگر انواع گفتگوهای کتاب مقدس جدا می‌سازد، این است: واعظ بایستی چیدمان مطالب خود را به رؤوس مطالب و تأکید متن تسلیم نماید. ما طرح دیگری را بر روی متن تحمیل نمی‌کنیم. علاوه بر این، مطالبی که در متن نیامده را در آن نمی‌گنجانیم. هر دو مورد این نگرانی را می‌توان در این عبارت «صحیح ارائه دادن» بیان نمود. ما به واعظانی نیاز داریم که خبر خوش را صحیح بیان می‌کنند.

بسیاری از ما در قفس خود آزادیم. طرح‌های ما متناسب متن کلام خدا نیست. پیام‌هایی را تهیه می‌کنیم که چیز دیگری از متن را ارائه می‌دهد. آنها طرح متفاوتی دارند. این نشانگر این موضوع است که ما در بخش آمادگی موعظه خود به اندازه کافی نظم و انضباط نداریم. ما ساختار و تأکید گفتارمان را مطابق با متن انتخابی ارائه نمی‌دهیم. در عوض رؤوس مطالب و تأکید متن کلام را متناسب با خیال پردازی‌های خود در طول هفته ارائه و تغییر می‌دهیم. نتیجه این می‌شود که ما از تشریح کلام خدا غافل می‌شویم و سر اعضای کلیسایمان را با نشنیدن صدای خدا کلاه می‌گذاریم. بنابراین، شما را تشویق و ترغیب می‌کنم که به تهیه پیام‌هایی از کتاب مقدس که مطابق با متن هستند متعهد شوید. از این گذشته این نوع از موعظه را موعظه تشریحی کتاب مقدسی می‌گویند و اگر قرار بود عنوان دوم برای این کتابچه انتخاب کنم: «کلام خدا امروز چنین می‌گوید» را برمی‌گزیدم.

با نگاه به نقش مفید استفاده از سبک «بیان امری» از متن کلام خدا، شما می‌تواند موضوعات را بنا به مخاطبان چیدمان کنید، ما آماده‌ایم که ببینیم چگونه این‌ها در کاربرد تهیه پیام به شما یاری می‌رسانند.

۳. استدلال‌های شما

هر موعظه باید دارای سلسله دلایل قابل قبولی باشد. در حقیقت شما بدون استدلال‌های خود نمی‌توانید شاگرد سازی نمایید. به یاد داشته باشید سفارش عیسی در متی ۲۸: ۱۹-۲۰ این بود که رفته پیروان بیشتری از طریق شاگردسازی بیابید: «ایشان را تعلیم دهید که تمام دستوراتی را که به شما داده‌ام اطاعت کنند». آنها باید اطاعت کردن را با قوت دروس اخلاقی پیاده نمایند. واعظ نبایستی تلاش برای اصلاح رفتار شنوندگان کند، بلکه آنها را در پیروی از مسیح ترغیب نماید. واعظ نباید فقط شمرده سخن گوید بلکه دلیل بیاورد. چیزی در انجیل وجود دارد که ما را نه فقط از لحاظ عاطفی بلکه از نظر عقلانی مجذوب خود می‌سازد.

اجازه دهید سه نکته در مورد بیان کنم. اول، حکم کتاب مقدس برای ایجاد استدلال در موعظه را می‌توان در بسیاری از قسمت‌های کتاب مقدس یافت. لطفاً اعمال ۱۷: ۲-۳ را ملاحظه فرمایید. خدمت پولس در حال رشد بود، که اینگونه توصیف می‌شود: «پولس طبق عادت به کنیسه رفته، در سه روز شبانه از کتب مقدس با ایشان مباحثه می‌کرد، توضیح داده و برهان می‌آورد که ضروری بود مسیح رنج کشد و از مردگان برخیزد. او می‌گفت: «این عیسی که او را به شما اعلام می‌کنم، همان مسیح است» و ما در آیه ۴ می‌بینیم که بعضی‌ها مجاب شدند. پولس برایشان دلیل آورد. او وارد بحث شد و به گونه‌ای موعظه کرد که از درون منقلب شدند. او برایشان تشریح کرد و یا به معنای واقعی ذهن مخاطبان خود را باز نمود. عیسی نیز چنین کار را در لوقا ۲۴ با شاگردانش انجام داد و ذهن آنها را باز کرد. بخشی از روش کار عیسی از طریق دلیل آوردن در راستای کتب (عهد عتیق) بود. اما این روش در میان مسیحیان از بین رفته و گویا عقلانی نمی‌باشد. پولس و عیسی هر دو ثابت کردند که مسیحیان روشن فکر هستند. پولس نیز ثابت کرد، یا به عین چیزی را در مقابل مخاطبان خود قرار داده است. از لحاظ دستور زبانی از این واژه (در زبان اصلی) برای پخت و پز استفاده می‌شود، یعنی آماده کردن خوراک (لوقا ۹: ۱۶، ۱۰: ۸ و غیره). پولس استدلال‌های خود را مقابل مردم قرار داده تا استدلال‌هایش جذب مخاطبین قرار گیرند. و در نتیجه، عده‌ای از آنها قانع شده و عده‌ای نجات یافتند. به عنوان واعظ، باید انتظار تان را بالا ببرید. ممکن است ما موضوع دلیل آوردن در اول قرن‌های فصل ۱ را به اشتباه قرائت کرده و آن را صحیح درک نکنیم و حکمت جهان

را رد نماییم. باید دیگران را متقاعد سازیم. پولس همه این موارد را در اعمال ۲۶: ۲۶-۲۸ آورده است، جایی که با جسارت میل خود را برای ترغیب پادشاه آگریا و تمامی درباریان اعلام می کند. پولس فقط به گفتگو کردن قانع نمی شود و حتی مسیحیت را با چیزهای واهی جلوه نمی داد. منظور او از ترغیب، ایمان آوردن همه جهانیان به انجیل است.

دوم، شرکت در خدمت دیالوگ «گفت و شنود، دو طرفه» واقعی، ارزشمند است. این روش با موعظه دیالوگی متفاوت است. واژه «موعظه» در کتاب مقدس از مفهوم «اعلام کردن، جار زدن» می آید و در قالب یک مونولوگ (یکطرفه) ارائه می شود. اما چیز بسیار ارزشمندی در مورد جلب مردم وجود دارد که از درون آنان را منقلب می سازد. پولس مشغول دیالوگ بود، اما او با موعظه مونولوگ کار خود را آغاز کرد، مردی با نیروی اخلاقی. به این ترتیب ما باید در حال یافتن چنین فرصت‌های مناسبی باشیم. فرصت‌های پرسش و پاسخ برای گفتگوهای واقعی و آن عناصر استدلال را در هنر موعظه کتاب مقدسی، در عمل پیاده سازیم. موعظه کردن یعنی تشریح کردن، به علاوه قانع کردن و بکاربردن است.

سوم، برای استدلال‌های خود روی مهمترین موضوع متن تمرکز نمایید. به اعمال ۲۴: ۲۴-۲۵ نگاهی بیندازید: چند روز بعد، فلیکس با همسرش دروسیلا که یهودی بود، آمد و از پی پولس فرستاده، به سخنان او درباره ایمان به مسیح گوش فرا داد. چون پولس سخن از عادل شدن، پرهیزگاری و داوری آینده به میان آورد، فلیکس هراسان شد و گفت: «فعالاً کافی است! می توانی بروی. در فرصتی دیگر باز تو را فرا خواهم خواند». فلیکس در مورد (۱) ایمان به مسیح عیسی، (۲) عادل شدن، (۳) پرهیزکاری (خویشنداری) و (۴) داوری از پولس شنید. این چهار موضوع گسترده است که ما باید در دیالوگ مطرح کنیم. در واقع، این استدلالی است که پولس در رومیان ۱-۳ بیان می کند.

بیاموزید که در هر پیامی که موعظه می کنید، یک استدلال به کار بگیرید. کار ساده‌ای نیست، اما می توان به راحتی انجام داد.

۴. کاربرد پیغامتان

هنگامی که به موضوع کاربرد می‌رسیم، اولین چیزی که می‌توان گفت این است که تشریح کنندگان کتاب مقدس قصد تغییر قلب شنودگان را دارند. ما فقط به دنبال این نیستیم که حقایق خدا را در ذهن شنوندگان بکار گیریم، هر چند که به همان اندازه این امر مهم است. و ما نمی‌خواهیم آنان را با خدمات کلیسایی سرگرم نماییم، هر چند که ضروریست در خدمات کلیسایی شرکت کنند. در عوض، ما به دنبال ترغیب قلب شنوندگان خود هستیم. موعظه‌های ما هرگز نباید برای «کاربردها» که صرفاً نحوه تفکر یا اعمال ما را طبقه‌بندی می‌کند، باشد. در عوض، به عنوان تشریح کنندگان کتاب مقدس، هدف ما این است که کاملاً اراده و محبت شنوندگان خود را نسبت به خدا به دست آوریم. قلب، تخت حکمرانی است و عامل تغییر است.

کاربرد قلبی حداقل با چهار زمینه ارتباط برقرار می‌کند.

توبه قلبی را هدف قرار می‌دهد

در دعای قلبی ریشه می‌دواند

در آگاهی قلبی شکوفا می‌شود

از قلب متن کتاب مقدس ظاهر می‌شود

توبه برخاسته از دل

بیاید دوباره به موعظه پولس در آتن برگردیم. در آنجا، او توبه قلبی را موعظه کرد. او از شهروندان آتن خواست تا «توبه کنند» (اعمال ۱۷: ۳۰) و در «زمان جاهلیت» باقی نمانند. پولس از اهالی آتن چیزی به جز تبدیل کامل ذهن، قلب و اراده نمی‌خواست.

هنگام مطالعه متن برای تهیه موعظه از خود چند سؤال پرسید: آیا من برای تغییر قلب شنوندگان موعظه می‌کنم؟ آیا من خواستار توبه هستم؟ آیا پیام من صرفاً روشنفکرانه است؟

به یاد داشته باشید، هدف از «بیان امروزی»، کمک به پیام انجیل به یک واقعیت جالب نیست. بلکه بایستی تصمیم بگیریم که قلب شنوندگان را به ستایش کامل و عظیمی که مسیح مستحق آن است، جلب کنیم. و برای این که این اتفاق برجسته رخ دهد، روح خدا بایستی کلام خدا را در دل قوم خدا بکار گیرد. چه کسی می تواند قلب انسان را به جز خدا تغییر دهد (نکته عجیبی که توسط دشمنان عیسی درک شده است؛ به مرقس ۲: ۷ مراجعه کنید)؟

دعای برخواسته از دل

از آنجا که هدف از موعظه ها قلب های کاملاً توبه کار است و از آنجا که فقط خداوند می تواند این هدف را به وجود آورد. در قسمت کاربرد بایستی موعظه های خود را روی زانوهایمان آماده سازیم. ما باید با موضوع دعای برخواسته از دل آشنا باشیم.

لوقا ۱۱: ۱-۱۳ ما را به این هدف ترغیب می نماید. شاگردان نزد عیسی آمدند و خواستند نحوه دعا کردن را به آنان بیاموزد، درست همانطور که یحیی به شاگردان خود آموخت. در پاسخ، عیسی الگویی برای دعا کردن به آنان ارائه کرد (لوقا ۱۱: ۴-۱). سپس وی با بیان مثلی خدا را به عنوان پدری که نزدیکتر از دوست است برای تشویق و ترغیب آنان، معرفی می کند. دوستی که نیمه شب برای کمک بیدار می شود. هر دوستی محدودیت های خود را دارد! اما خدا به عنوان پدر مانند چنین دوستانی نیست. او آماده است تا به ما یاری رساند. سؤال کنید دریافت خواهید کرد. بکوبید و او باز خواهد کرد. خدا دقیقاً چه وعده ای به ما می دهد؟ پدر آسمانی به کسانی که از او سؤال می کنند روح القدس را خواهد بخشید! (۱۱: ۱۳). حتی شاگردان یحیی تعمید دهنده که نحوه دعا کردن به آنان آموخته شده بود، درباره روح القدس اطلاع نداشتند (اعمال ۱۹: ۲-۱). اما، خدا را شکر که ما از این موضوع آگاهیم. خود خدا وعده داده است که روح را به ما عطا می کند!

آگاهی برخواسته از دل

درست همانطور که باید قلب خود را برای نجات انسان‌ها به سوی خدا بگشاییم، همینطور باید آگاه باشیم که در قلب مردم چه می‌گذرد. در بهترین حالت، «بیان امروزی» به ما کمک می‌کند تا ببینیم چه چیزی قلب اطرافیان را تحت کنترل خود درآورده است. به عبارت ساده‌تر، اگر کاربرد پیام ما برای جلب دل‌های مردم برای خدا باشد، باید از قلب آنان آگاه باشیم. ما باید با مراقبت دقیق، ارزش‌ها و تعهدهای درونی آنها را درک کنیم، به ویژه مواردی که آنها را از زندگی سالم دور نگه می‌دارد که به راستی در عبادت و اطاعت از مسیح سفارش می‌شوند.

نوشته‌های آگوستین و نامه‌های پولس (و همچنین نوشته‌های مربوط به موعظه‌های وی در کتاب اعمال) حاوی مطالب ضروری برای واعظان جهات تأمل روحانیان در کار «بیان امروزی» است. در حقیقت، نوشته‌های این دو تن به تنهایی می‌تواند برای تأمین نیاز واعظین تشریحی کافی باشد. این فکر ناعادلانه است که صرفاً با مراجعه به روزنامه یا رسانه‌های خبری می‌توان این کار را انجام داد. این روش به شما اجازه نمی‌دهد که فراتر از اخبار دنیا بروید. بخش اصلی این است که چرا انسان چنین رفتار می‌کند. کشف این موضوع همیشه مربوط به قلب آدمیست! هیچ کس این موضوع را بهتر از آگوستین و پولس نشان نمی‌دهد. آنها به شما نشان می‌دهند که چگونه می‌توانید از اخبار استفاده کنید.

خوشبختانه، آنچه آگوستین و پولس نشان می‌دهند دست‌یافتنی می‌باشند. به عنوان مثال، پیتر براون Peter Brown، مورخ دانشگاه پرینستون، دقیقاً این نوع شناخت قلب مخاطبان را از طریق تحقیق و مطالعه خود در مورد روم باستان به نمایش می‌گذارد. او از «وطن پرستی» شهروندان روم که عاشق به ملیت و کشورشان بودند می‌نویسد:

یک فرد ثروتمند که عشق به وطن پرستی خود را به صورت آماتور نشان داد. شریف‌ترین عشق فرد ثروتمندی بود که شخص می‌توانست از خود به نمایش بگذارد. عبارت «وطن پرست» در تمام معبدها، تالارهای گفتگو و ساختمان‌های عمومی، طاق‌ها، ستون‌ها و مکان‌های تفریحی بزرگ-تئاترها، آمفی تئاترها و سیرک‌های شبیه ورزشگاه

نوشته شده است - که حتی امروزه توریست‌های غرب اروپا و شمال آفریقا را متحیر می‌کند.^{۳۶}

آقای براون مردم روم را به عنوان «دورنمای قلبی» توصیف می‌کند. او آنها را «عاشقان سرزمین‌شان» و «عاشقانی که قلب‌شان برای روم بود» توصیف می‌کند.^{۳۷} آیا براون در واقع به مردم روم موعظه می‌کرد، این دقیقاً نوعی از آگاهیست که می‌تواند در کاربرد موعظه بسیار مفید باشد. مانند روم باستان، شهرهای ما مکان‌هایی هستند که جهان بینی‌ها با هم می‌رسند و تداخل دارند. با این حال قلب بانوان و مردان در معرض نمایش می‌باشد. من و شما باید مهارت‌های «گوش فرادادن» از نوعی که آقای پیتر براون به خوبی نشان می‌دهد را بیاموزیم.

امروزه برای به کار بردن کلام خدا با بینش دقیق به ما یاری می‌کند تا بدانیم شهروندان ما چه چیزی را دوست دارند، چه چیزی را گرامی می‌دارند، چه چیزی برای آنها قابل ارزش هستند. آیا شما خودتان چنین کرده‌اید؟ آیا قلبی آگاه نسبت به مردم دارید؟

متنی برخواسته از دل کلام خدا

در حالی که هر واعظ نیاز به آگاهی از قلب دارد، اشتباه است که فکر کنیم همه واعظ‌ها باید برنامه‌های خوبی برای معرفی انجیل داشته باشند. به یاد داشته باشید، یک خادم انجیل صحیح همیشه از لحاظ اطلاع رسانی از متن استفاده می‌کند - متن کلام خدا او را به جلو می‌راند.

برخی از واعظ‌ها، مخاطبینشان آنها را به پیش می‌برند، و چنان به موقعیت زمان حاضرشان تمرکز دارند که وقتی نوبت تهیه موعظه می‌رسد، متن خود را فراموش می‌کنند! شنیده‌ام که بعضی از واعظین زمان آماده سازی موعظه خود اینگونه توصیف

۳۶. Peter Brown, Through the Eye of a Needle (Princeton: Princeton University Press, 2012), 64.

۳۷. همان منبع - ۹۶-۱۰۱

می‌کنند: آنها در مطالعه خود بر صندلی تکیه زده و به سقف اتاق خیره می‌شوند و سپس چشمان خود را می‌بندد.

استفاده از «بیان امروزی» جایگاه خاص خود را داراست، اما نباید موضوع اصلی ما باشد. واعظ بهتر می‌تواند با چشمان باز و رو به کتاب مقدس با کاشتن کلام در دل مردم آنها را خدمت کند. نکته کلیدی برای یادآوری این است: کاربردها برای پیغام شما همیشه به قلب متن کتاب مقدس متصل می‌شوند. برای یافتن آنها، باید سؤالات درستی از خود بپرسید - نه سؤالاتی در مورد افراد، بلکه سؤالاتی از متن کتاب مقدس.

سوالی که همیشه از متن انتخابیم مطرح می‌کنم این است که نویسنده کتاب مقدس چه هدفی برای خوانندگان خود دارد؟ این بهترین سوال برای شروع کار است. این سوال اندیشه‌های ما را با هدف نویسنده همتراز می‌سازد. بیان روشن از هدف متن انتخابی ما را در مسیر جستجوی پیامدها و کاربردهای متن برای شنوندگانمان قرار می‌دهد. گاهی اوقات مقصود نویسنده را در یک بیانیه صریح می‌یابیم. در این موارد، آنچه که به دنبالش هستیم را به ما تحویل می‌دهد. به عنوان مثال، به شرح داوود و جلیات را می‌خوانیم:

امروز خداوند تو را به دست من تسلیم خواهد کرد، و من تو را زده، سرت را از تن جدا خواهم کرد و لاشه‌های لشکر فلسطینیان را امروز به مرغان هوا و وحوش زمین خواهم داد، تا تمامی جهان بدانند که در اسرائیل خدایی هست. و تمامی این جماعت خواهند دانست که خداوند به شمشیر و نیزه نجات نمی‌دهد. زیرا نبرد از آن خداوند است و او شما را به دست ما خواهد داد.» (۱ سموئیل ۱۷: ۴۶-۴۷).

در قسمت خود متن هدف را به ما می‌دهد: نبرد در اینجا به معنای بشارت دادن (تا تمام جهان بدانند که در اسرائیل خدایی هست) و هدف تعلیمی آن این است که به همه قوم خدا بیاموزد، به خدا اعتماد کنند (تمامی این جماعت خواهند دانست که خداوند به شمشیر و نیزه نجات نمی‌دهد).

دومین سؤال مفید از متن این است که، شخصیت‌های این متن چگونه به حقیقت خدا و یا به انتخاب خدا پاسخ می‌دهند؟ بعضی اوقات - نه همیشه - شخصیت‌ها مانعی

برای جماعت می‌شوند (گاهی درگیر شخصیت داستان شده و کل داستان را نمی‌بینند). یک بار از متنی موعظه کردم که تضاد بین دو پادشاه را نشان می‌داد - شاول و داوود (۱ سموئیل ۲۲). این فصل جالب است، چرا که داستان دو شخصیت کوچک را در کنار داستان پادشاهان بزرگی تعریف می‌کند.

اولی دو آغ آدمی است و خودش را با شاول هم‌ردیف می‌کند. دوم آبیاتار است که تصمیم گرفت از داوود پیروی کند. دو آغ و آبیاتار برای کاربرد موعظه شرح حال شخصیت‌ها مفید هستند. آیا ما برگزیده خدا را دنبال خواهیم کرد، حتی اگر او ضعیف به نظر برسد و در حال فرار باشد؟ یا آیا ما مانند دو آغ خواهیم بود و از پادشاهی زمینی پیروی خواهیم کرد که قدرت و مزایای او در نهایت شکست خواهد خورد؟

سؤال مفید سوم این است که، آیا کاربردی که یافته‌اید، کاربرد اصلی متن است یا صرفاً کاربردی احتمالی می‌باشد؟ به طور کلی مطمئن شوید که کاربرد اصلی متن را یافته‌اید و بعد به دنبال کاربردهای دوم و سوم نروید. شما می‌خواهید هدف اصلی‌تان مطابقت با هدف اصلی روح‌القدس با متن باشد. نردبانی را تصور کنید که هر بار شما کاربردی از متن را ارائه می‌دهید یک پله از آن بالا می‌روید. هر چه تعداد کاربردهای شما بیشتر شود، طراحی شما در موعظه غیر واقعی‌تر می‌شود. هر چه از نردبان بالاتر بروید، برای مخاطبان سخت‌تر می‌شود تا همراه شما باشند. بهتر است چیزی ملموس‌تر، استوارتر، واضح‌تر و ابتدایی بیان کنید.

در آن مواقعی که می‌خواهم متن خود را در راه‌های مختلفی بکار گیرم، سعی می‌کنم که کاربرد اصلی در این راه هدایتم کند. با این روش به سرعت به کاربرد اولیه دست می‌یابم. هر چه از این نکته دورتر شوم، در حقیقت به جماعت برداشت شخصی‌ام را می‌گویم. به گفتگو در مورد ۱ سموئیل ۲ در فصل اول این کتاب بازگردید. برخی از کاربردها مربوط به پرورش فرزندان بود. اما هنگام مطالعه متن، دیدیم که چنین کاربردهایی در مرحله دوم و حتی سوم هستند.

سوال مفید دیگری که کاربردهای ما را در برابر محدودیت متن چک می‌کند این است که آیا این کاربرد، متن کتاب مقدس را تضعیف می‌کند؟ فقط به این دلیل که امکان استفاده از کاربرد وجود دارد به این معنی نیست که نویسنده آن را در نظر

گرفته است. سؤال مرتبط به این موضوع: آیا کاربردم با سایر متون کتاب مقدس تناقض دارد؟ اگر چنین است از آن کاربرد استفاده نمی‌کنم. به زمانی که داوود آخیملک کاهن برای دریافت غذا و اسلحه دروغ گفت بیندیشید (اول سموئیل ۲۱). ممکن است از این متن برای اثبات «فریب مقدس» (دروغ مصلحتی) در خدمت خدا استفاده کنید، اما وقتی به کولسیان ۳: ۹-۱۰ می‌رسید با مشکل روبرو می‌شوید. این سؤال آخر به شما یاری می‌کند تا تصادفی در چالۀ «کلام خدا به ضد خودش» نیفتید.

بررسی نهایی در مورد کارهایی که انجام داده‌ام این است که سوالی را مطرح کنم که مرا به مرکزیت کتاب مقدس بازگرداند. آیا کاربردم بر پایه انجیل استوار است، یا آیا می‌توانم به آسانی دستورات بیشتری را بر دوش مردم خود قرار دهم؟ به عنوان مثال هنگام موعظه از یعقوب ۳: ۱-۱۲، به سادگی می‌توان گفت: «زبان خود را کنترل کنید». نکته این فصل این است که کنترل زبان‌های ما غیرممکن است. ما به حکمت احتیاج داریم. یعقوب در ادامه این نکته را در آیات ۱۳ تا ۱۸ بیان کرده است. ما به دنبال «حکمت از بالا» می‌گردیم.

حرف آخر

برای تأثیرگذاری بهتر در زمان حال، واعظان باید «بیان امروزی» را با متن کتاب مقدس متناسب نمایند. نه فقط این، بلکه ما از هر کدام از آنها به گونه‌ای بهرمنده شده‌ایم ما را در چیدمان مطالب، ترکیب مخاطبانمان و در درک استدلال‌ها و کاربردهای پیغام‌هایمان یاری می‌کند.

کلام آخر، در حالی که امروزه بهترین واعظان تشریحی کتاب مقدس به شدت مورد توجه ما هستند، با این وجود تمام کارهای موعظه‌شان را (اعم از تفسیر، تأمل کلامی، یا «بیان امروزی») را در پرتوی «آن روز- روز خداوند» انجام می‌دهند - آن روزی که عیسی برمی‌گردد، وقتی همه چیز شناخته می‌شود، از جمله انگیزه‌های قلب واعظ. باشد که آگاهی شما از آن روز به شما کمک کند تا وفادار و پر از دعا باشید، و ثمره فراوانی را در دست خدا قرار دهید.

خاتمه

استخوان‌های خشک

چارلز سیميون پس از دست‌گذاری، اولین موعظه خود دربارهٔ تثلیث را در یکشنبه‌ای که شبان کلیسا به مرخصی رفته بود وعظ کرد. در آن زمان، سیميون فقط بیست و دو سال داشت. چند دهه بعد، او دربارهٔ اولین تلاش‌های خود در موعظه چنین می‌نویسد:

بعد از آشنایی با آقای اتکینسون Atkinson، به شخصه مراقبت از کلیسای او را در طول مرخصی طولانی‌اش انجام دادم. برای خود دلایلی داشتم که در این مدت می‌توانم کارهای خوبی انجام دهم. در فاصله یک ماه یا شش هفته کلیسا کاملاً شلوغ شد. حاضرین در مراسم شام خداوند، سه برابر تعداد متداول بودند و در بین استخوان‌های خشک جنب و جوش قابل توجهی ایجاد شد.^{۳۸}

به عنوان یک واعظ، من همه چیز را دربارهٔ توضیحات مختصر سیميون در مورد موعظه‌های اولش دوست دارم: از روشی معمولی که او شروع کرده است - پر کردن جای شبانی در زمان مرخصی - ابراز امیدواری برای مفید بودن در آنجا. چه شروع فوق‌العاده‌ای! من حتی تصور می‌کنم که خدا باعث شده است که پیغام‌های اولیهٔ او به عنوان یک هدیه ویژه ثمربخش باشد، به این معنا که بعدها در خدمتش به او کمک نماید. از این گذشته، او به زودی با آزمایش‌های بسیاری در کمبریج روبرو می‌شود. شاید بیشتر از همه، من عاشق نحوهٔ تأثیر موعظهٔ او از کلام خدا هستم: «در بین استخوان‌های خشک جنب و جوش قابل توجهی ایجاد شد.»

۳۸. William Carus, *Memoirs of the Life of the Rev. Charles Simeon* (London: Hatchard and Son, 1847), 24.

اطمینان کامل دارم آنچه که در زمان سیمینون اتفاق افتاده، به لطف خداوند، می‌تواند دوباره اتفاق بیفتد. شاید این موضوع با شما شروع شود! در زمان نوشتن این کتاب مختصر درباره موعظه، این جوان بیست و دو ساله را در ذهن خود نگه داشته‌ام. بنابراین، خواه شما بیست و دو یا هشتاد و دو باشید، یا در جایی در این میان، دعا می‌کنم که خدا از خدمت شما به شیوه‌هایی استفاده کند که برکت آن به همه ما برسد «امیدوارم کارهای خوبی انجام شود».

ضمیمه

پرسش‌های واعظین

در اینجا چند سؤال تشخیصی وجود دارد که می‌توانید از آنها برای شروع تهیه موعظه‌های خود از ابتدا تا انتها استفاده کنید.

تفسیر و تشریح

آیا قبل آغاز بکار از خدا در دعا طلب یاری کرده‌اید؟

ساختار

چگونه نویسنده این متن را ترتیب داده است؟ اگر بتوانید تقسیم‌بندی مطالب را برای هر قسمت از ساختار به روشنی بیان کنید، مفید خواهد بود. (خوانندگان گرامی سعی کنید که از تقسیم‌بندی‌های هر کتاب-عنوان‌ها و فصل‌ها- پیروی ننمایید).

بطور کلی: آیا در متن یک واژه، عبارت یا ایده‌ای تکرار می‌شود؟

شرح واقعه-روایت: چگونه متن به صحنه‌های مختلف تقسیم می‌شود؟ آیا حول مکان جغرافیایی و یا تغییر شخصیت‌ها می‌باشد؟ چه توطئه‌ای وجود دارد؟ (جدال و کشمکش چیست؟) یا چه تنش چشمگیری وجود دارد؟ اوج یا نقطه عطف ماجرا کدام است؟ آیا مشکل برطرف می‌شود؟

دیالوگ: دستور زبان متن و یا دلایل ذکر شده در ماجرا، چگونه ایده‌ای را نشان می‌دهد؟

شعر: لحن یا موضوع این شعر چگونه تغییر می‌کند؟

نحوه ترتیب مطالب چه چیزی در مورد نظر نویسنده را نشان می‌دهد؟

محتوای متن انتخابی

محتوای زمینه ادبی متن - هر دو مطالب قبل و بعد متن - چه تأثیری بر متن انتخابی شما دارد؟

چرا این مطلب در اینجا نوشته شده است؟

موقعیت تاریخی و گونه ادبی که مخاطبان اول با آن روبرو بودند، چگونه بود؟

در تصویر کلی کتاب مقدس از چه جایگاهی برخوردار است؟

مسیر ملودی

جوهره این کتاب چیست؟ (اصل مطلب)

چگونه این متن در مسیر ملودی داستان تأیید می‌شود؟

مضمون متن چیست؟

تأمل الهیات

متن انتخابی چگونه انجیل را پیشگویی می‌کند و یا با آن در ارتباط است؟

الهیات کتاب مقدس چگونه یاریمان می‌نماید تا انجیل موجود در متن را ببینم؟

چگونه نویسنده با استفاده از تحقق پیشگویی، مسیر تاریخی، مضمون‌ها یا تشابه‌ها استفاده می‌کند؟

چگونه الهیات سیستماتیک به من کمک می‌کند تا انجیل موجود در متن را تشخیص دهیم؟ آیا این موضوع مرا در ایمان حفظ می‌نماید، به من کمک می‌کند تا با انجیل ارتباط داشته باشم، یا به توانایی من برای صحبت با غیر مسیحیان آماده‌تر می‌گرداند؟

شرح «بیان امروزی» در زمان حاضر

مخاطبین

آیا کسانی که این موعظه را خواهند شنید را می‌شناسم؟ آیا خود را به خدمت آنان وقف کرده‌ام؟ آیا در طول آمادگی موعظه برای آنها دعا کرده‌ام؟

چیدمان

چه تأکیدی و چه شکلی برای موعظه‌ام در نظر دارم؟ آیا شکل و ساختار تأکیدم بر کتاب مقدس تأکید دارد؟

کاربرد

آیا موعظه‌ام جهت تغییر قلبی خود و مخاطبینم است؟ آیا این کار را به روش‌هایی انجام می‌دهم که شنونده را تحقیر می‌کند، منجی را جلال می‌دهد و تقدس را در زندگی حاضرین تقویت می‌نماید؟

نویسنده کتاب مقدس چه هدف یا نیتی برای خوانندگان خود در نظر دارد؟

روایت: شخصیت‌های متن چگونه به حقیقت خدا و یا به برگزیده خدا پاسخ می‌دهند؟

دیالوگ / شعر: نویسنده چه پاسخی از خوانندگان خود می‌خواهد؟

آیا درخواست من از هدف نویسنده دنبال می‌شود؟

آیا کاربردم همان کاربرد اصلی متن است یا احتمالاً می‌تواند کاربردی باشد؟

آیا کاربردم متن را تخریب می‌کند؟ آیا این کاربرد با متن‌های دیگر کتاب مقدس در تناقض است؟

آیا این کاربرد در انجیل پایه گذاری شده است، یا در خطر گذاشتن بار (فرامین)
بر دوش مردم هستم؟

آیا من به متن تکیه می کنم تا آنچه می خواهم بگویم؟ یا این که فقط آنچه را که
در متن کتاب مقدس است، استخراج می کنم؟

سپاسگزاری‌ها

دو شبانی که موعظه‌های تشریحی را برایم به شخصه الگو ساختند: کنت هیوز و دیک لوکاس هستند. این مردان نه تنها برنامه هفتگی خود را در مورد تشریح کلام خدا طراحی کردند، بلکه از فرصت‌های خود برای سرمایه گذاری در زندگی‌ام استفاده نمودند و به همین دلیل از آنها سپاسگزارم. آنها همچنان دوستان گرامیم می‌باشند و من مطمئنم که این صفحات به دلیل وجود آنها بهتر شده است.

علاوه بر این، می‌خواهم از دو شبان همکارم نیز ابراز قدردانی کنم، جان دنیس و آرتور جکسون. خدمت وفادارانه شما در طول سال‌ها باعث تشویق من بوده است. من مدیون کلیسای هولی ترینیتی در هاید پارک شیکاگو هستم. مدت پانزده سال است که کلام خدا را به خوشی از من شنیده‌اید، و بیش از این، هر هفته قلب‌های خود را از طریق کلام مسیح نسبت به یکدیگر متعهد ساختیم. من از این بابت چقدر سپاسگزارم، و همچنین برای این که خدا چگونه ما را تحت رهبری مسیح مبارک ساخته است، خوشنودم.

همچنین از دوستم آقای مارک دوور و جاناتان لی من تشکر می‌کنم. فقط با پیشنهاد مهربانانه و اصرار مداوم آنها بود که کلمات را بر روی کاغذ آوردم. آقایان، از فرصتی که به من داده‌اید تا در این کار با شما بایستم متشکرم. علاوه بر این از خانم تارا دیویس Tara Davis ناشر شرکت کراس اوو Crossway برای ویرایش که این را غنی تر ساخت، متشکرم.

از خدا به خاطر دوستم آقای رابرت کینی Robert Kinney که در راه مسیح، همراهم است، شاکر هستم. مثل همیشه به خاطر بهتر شدن نسخه خطی و حتی بیشتر از این، که مسئولیت رهبری موسسه چارلز سیمون را با من سهیم شدند، متشکرم.

سرانجام، از همسرم لیزا Lisa، برای محبت فراوانش که اکنون سه دهه با مهربانی
همراهم بوده متشکرم. به خصوص از این که فضایی گسترده در دل خود برای کلام
خدا کنار گذاشتی، دوست دارم.



Building Healthy Churches

Expositional Preaching?

In Farsi

David Helm

Mohammad Sanavi

Bible Training Center for Persians

ISBN 978-1-945119-92-7

© 2019, 9Marks

www.9marks.org

www.btcpersians.com

www.kanoneketab.com

201912

بنای کلیسای تندرست

هدف سازمان «ناین هارکس» (۹ علامت) تجهیز رهبران کلیسا با دیدگاه کتاب مقدس و منابع قابل اجرا جهت به نمایش گذاشتن جلال و شکوه خدا به ملت‌ها از طریق کلیساهای تندرست است.

۱ - موعظه تشریحی

۲ - الهیات کتاب مقدسی

۳ - درک کتاب مقدسی از خبر خوش

۴ - درک کتاب مقدسی از تبدیل شدن انسان‌ها

۵ - درک کتاب مقدسی از بشارت

۶ - درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا

۷ - درک کتاب مقدسی از انضباط و تادیب کلیسایی

۸ - شاگردی و رشد کتاب مقدسی

۹ - رهبری کتاب مقدسی کلیسا

Bible Training Center
for Persians



Expositional Preaching - Farsi